صبح صادق

۴ بزنگاه
نماینده ولی فقیه در سپاه در گفت‌وگو با صبح صادق

حماسه نهم دی ماه سرمشقی برای گام دوم انقلاب است

زنجیره انتقال کرونا را قطع کنیم

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیستم | شماره ۹۸۲ | دوشنبه ۸ دی ۱۳۹۹ | ۱۳ جمادی الاول ۱۴۴۲ | ۲۸ دسامبر ۲۰۲۰ | ۱۶ صفحه

۲ سرمقاله

علی حیدری
تبلور عمق راهبردی نظام

۵ جهان

سیامک باقری
فرصت‌نمایی برای برجام پلاس

۱۱ خرد

حمزه عالمی
اخلاق پیشا مدنی

ویژه‌نامه‌ای برای اولین سالگرد شهادت سردار دل‌ها، سپهبد حاج قاسم سلیمانی

با آثار و گفتاری از صاحب نظران منطقه‌ای؛

- ژنرال حسن احمدحسن
- محمدعلی الحکیم
- سرکیس الشیخ‌الدویهی
- نسرین نجم
- دکتر طلال عتریسی
- دکتر امین محمد حطیط
- دکتر وفیقه رمضان
- دکتر هالة سلیمان اسعد

و...

۷-۱۰ سردار مقاومت

مکتب مقاومت

مکتب بالاترین نشان بعد از شهادت

رهبر معظم انقلاب، مراد و منظورشان از به کارگیری عنوان «مکتب» برای شهید سلیمانی را مشخص کردند. شهید سلیمانی از منظر ولایت، یک راه اطمینان‌بخش برای رسیدن به قله‌های عزت و افتخار و مدارج عالیه انسانی است.

۷ سردار مقاومت

شماره ۹۸۲ | دوشنبه ۸ دی ۱۳۹۹
صبح صادق

سرمقاله

تبلور عمق راهبردی نظام

علی حیدری
سردبیر

بیش از یک دهه از خلق حماسه ماندگار ملت ایران در ۹ دی ۱۳۸۸ می‌گذرد. مردم انقلابی ایران وقتی ۱۱ سال پیش در ۹ دی در خروشی انقلابی برای محکوم کردن هتک حرمت به ارزش‌ها و مقدسات دینی و عاشورای حسینی به میدان آمدند، فکر نمی‌کردند که این حرکت آنها به یک نماد در تاریخ انقلاب اسلامی تبدیل خواهد شد و فرا رسیدن چنین روزی همه ساله، بصیرت دینی و انقلابی و ولایتمداری آنها را در اذهان زنده خواهد کرد..

حماسه نهم دی ماه کمتر از هفت ماه پس از برگزاری نهمین انتخابات ریاست‌جمهوری به وقوع پیوست که با حضور حداکثری و مثال‌زدنی مردم در پای صندوق‌های رأی برگزار شد. انتخاباتی که با آن پشتوانه عظیم مردمی‌اش می‌توانست قدرت و اقتدار سیاسی نظام را در برابر دشمنان و بدخواهان به نمایش بگذارد و زمینه و فرصت مناسبی برای احقاق حق ملت ایران در عرصه‌های بین‌المللی باشد، با فتنه‌ای بزرگ و پیچیده با کلیدواژه دروغین «تقلب» که ساخته و پرداخته اتاق‌های فکر غربی بود، خیلی زود به اغتشاشات خیابانی تبدیل شد و موج‌سواری رسانه‌های بیگانه امید تازه‌ای در دل دشمنان و ضدانقلاب شکست خورده از حضور مردم پدید آورد، با این فرض که الگوی تجربه شده و موفق آنها در برخی کشورها می‌تواند در ایران نیز به نتیجه برسد.

۹ دی نه تنها پایانی بر فتنه پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ بود، بلکه الگوی نقش‌آفرینی مردم برای ناکام گذاشتن تحرکات و فتنه‌های بعدی نیز بود که در سال‌های اخیر چندین بار کارآیی خود را نشان داده و به عبارتی فرصتی بود که از دل تهدید پدید آمد. حوادث دی ماه سال ۱۳۹۶ و آبان سال ۱۳۹۸ که با حضور مردم در صحنه ناکام ماند و خنثی شد، از آن جمله هستند. حماسه‌هایی که بار دیگر ثابت کرد مردم ایران در روزهای سخت انقلاب و کشور را از گردنه‌های صعب عبور داده و صاحبان و حافظان نظام اسلامی هستند..

خلاصه کلام اینکه حرکت کم نظیر مردم در نهم دی بیان‌کننده عمق راهبردی نظام جمهوری اسلامی بود که متکی بر وجود انسان‌های فراوان مؤمن و معتقد به نظام سیاسی و روحیه ملی و آمادگی در راه دفاع از آرمان‌های اسلامی به عنوان سرمایه اجتماعی نظام و منابع قدرت نرم و مقابله با تهدیدات نرم دشمنان در هر مقطعی است. یکی از ویژگی‌های بارز جمهوری اسلامی که آن را از دیگر نظام‌ها متمایز کرده، این است که نظام جمهوری اسلامی از پشتیبانی مردم برخوردار است و همین اعتماد و حمایت همه‌جانبه است که می‌تواند در صحنه‌های مختلف به کمک نظام بیاید و کاستی‌ها را جبران کرده و به پیشرفت و ترقی کشور کمک کند. به شرطی که مسئولان و مدیران کشور هم در سطوح مختلف، فضای نقش‌آفرینی مردم را توسعه دهند. امروز باید به جای چشم دوختن به آن سوی مرزها، ظرفیت‌های موجود را دید و در پرتو آن به تقویت ساخت درونی همت کرد تا برای همیشه چشم طمع دشمنان از کشور عزیزمان دور شود.

پایش

رفراندوم در پیش است!

بررسی ابعاد طرح مجدد و همزمان همه‌پرسی از سوی رئیس‌جمهور و اصلاح‌طلبان

مهدی سعیدی
کارشناس سیاسی

چند روز پیش بود که اصلاح‌طلبان پس از ماه‌ها بلاتکلیفی توانستند گردهم آیند و مجموعه‌ای را با عنوان «نهاد اجماع‌ساز» خلق کنند که بتواند مسیر ائتلاف و همگرایی آنان برای رسیدن به نامزد واحد انتخابات ۱۴۰۰ را هموار کند.

این نشست البته تنها به ارائه راهکاری درون اردوگاهی برای حل مشکلات انتخابات پیش‌رو ختم نشد؛ بلکه با مصوبه‌ای همراه بود که برخی از بندهای آن محل تأمل است. به واقع آنان علاوه بر تصمیم‌گیری داخلی، شروطی را نیز برای شرکت در انتخابات مطرح کردند. بخشی از این مصوبه به راهبردها و رویکردهای جریان اصلاحات در انتخابات ۱۴۰۰ اختصاص داشت که در بند چهارم آن به نوسازی و بازسازی گفتمانی اصلاح‌طلبان اشاره شده و بر «بازنگری در قانون اساسی و پذیرش رفراندوم به عنوان یک حق ملی و اجرای اصول معطل مانده قانون اساسی در زمینه‌های مختلف» تأکید شده بود. این متن به خوبی نشان می‌دهد، یکی از شعارهای اصلاح‌طلبان در انتخابات پیش رو تأکید بر برگزاری همه‌پرسی خواهد بود!

قصه به اینجا ختم نمی‌شود. چندروز بعد از آن شاهد هستیم که رئیس‌جمهور در نشست حقوق اساسی و شهروندی به اصل ۵۹ قانون اساسی اشاره کرده و بیان داشت: «البته سازوکار این اصل خیلی پیچیده است ولی بعد از چهل سال می‌تواند یک بار اجرا شود.» در مورد ماجرای اولویت یافتن برگزاری همه‌پرسی از سوی اصلاح‌طلبان و تکرار آن از زبان آقای روحانی می‌توان به چند نکته توجه کرد:

۱ قانون اساسی عصاره تلاش خبرگانی است که با آرایی قاطع به نمایندگی مردم انتخاب شدند تا مطابق با اسلام و ضروت‌های تاریخی، فرهنگی و سیاسی خطوط کلان قانون جمهوری اسلامی را در سال ۱۳۵۸ ترسیم کنند. قانونی که در نهایت با حمایت ۹۹/۵ درصدی ملت در رفراندومی باشکوه تصویب شد. بدون شک اجرای تک تک اصول این قانون ارزشمند، از جمله دغدغه‌های ملت است که به مثابه وظیفه و رسالتی بر دوش مسئولان کشور باید مورد مطالبه قرار گیرد. اصل ۵۹ قانون اساسی- که به مسئله رفراندوم و مراجعه به آرای عمومی اختصاص دارد- نیز از جمله این اصول است که باید برای تحقق و عملیاتی کردن آن برنامه‌ریزی و تدبیر کرد. لذا هر کس علاقه‌مند به جمهوری اسلامی است، علاقه‌مند به اجرای تک تک اصول قانون اساسی نیز هست.

۲ مطابق آنچه در قانون آمده، تشخیص ضرورت مراجعه به آرای عمومی بر عهده دو سوم نمایندگان مجلس است. طبیعی است که هر تصمیمی در مجلس باید به تصویب شورای نگهبان نیز برسد تا اعتبار و مشروعیت قانونی بیابد، موضوعی که در ماده ۹۹ قانون اساسی بر آن تأکید شده است. به واقع برگزاری همه‌پرسی و رجوع به آرای عمومی در صورت نیاز جزء اختیارات مجلس است، نه قوه مجریه و معلوم نیست که چرا رئیس‌جمهور خود را دغدغه‌مند آن می‌داند و هر از چندگاهی ترجیح می‌دهد درباره آن سخن بگوید! کاش ایشان به جای مشغولیت به موضوعات متفرقه، توان خود را متمرکز بر حل مشکلات در حوزه مسئولیت‌هایی می‌کرد که با معیشت و زندگی روزمره مردم ارتباط مستقیم دارد!

۳ روح و گوهر اصل ۵۹ قانون اساسی رجوع به آرای مردم در «مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی» است که مفهوم کیفی «مسائل بسیار مهم» باید کمی‌سازی و شاخص‌بندی شود تا مرز آن از مسائل غیرمهم مشخص شود. به واقع باید مجلس برای تحقق آن قانونی مشخص تدوین کند و در نهایت به تصویب شورای نگهبان برساند، تا مشخص شود که چه اموری را می‌توان به همه‌پرسی سپرد. این امر موجب شفافیت شده و اجازه بهره‌برداری سیاسی- جناحی از این اصل را نخواهد داد.

۴ طبیعی است که اجرایی کردن قانون با بهره‌برداری سیاسی و تبدیل آن به ابزاری حقوقی برای منافع جناحی متفاوت است، لذا در این بحث از ورود هرگونه تعلقات جناحی باید پرهیز کرد. متأسفانه در طول سال‌های اخیر، تأکید بر برگزاری همه‌پرسی به ابزاری برای بهره‌برداری یک جریان سیاسی بدل شده که معمولاً در آستانه انتخابات با شدت بیشتری دنبال می‌شود. برای مواجهه با چنین اصلی باید ابتدا تعلقات جناحی را کنار گذاشت و سپس در مورد آن اظهار نظر کرد. وگرنه به این زودی‌ها نمی‌توان منتظر تحقق رفراندومی در کشور بود.

۵ مردم در ماه‌های اخیر با صراحت مطالبات خود را اعلام کرده‌اند که در صدر آن حل مشکلات معیشت کشور و مبارزه با فساد و رانت‌خواری است که وظایف و اولویت‌های قوه مجریه و قضائیه را مشخص می‌کند. از این رو مشکل کشور در زمانه کنونی نامعلوم بودن مطالبات و آرا و نظرات ملت نیست. مشکل آن است که بخش عمده‌ای از مطالبات مردم بر زمین مانده که دستگاه اجرایی به دلیل ناکارآمدی و با اتخاذ سیاست غلط، هنوز نتوانسته بر مشکلات فائق آمده و رضایت مردم را جلب کند. حال دولت اگر خواهان فهم نظر مردم است، کافی است که به جای معطل ماندن برای تشکیل کابینه بایدن، در چندماهه محدودی که برای خدمت به مردم باقی مانده، انرژی و توان خود را صرف همین خدمت کند.

۶ همچنین فراموش نکنیم مردم در آخرین همه‌پرسی سیاسی در اسفندماه ۱۳۹۸ نظرات خود را در مورد الگوی مدیریت کشور ارائه کرده‌اند. ضمن آنکه آنچه در سال‌های اخیر، بالاخص پس از ماجرای شکست برجام و خروج ترامپ از آن بیش از هر موضوع دیگر، ظرفیت طرح در قامت رفراندومی سراسری را داشته است، پرسش از موافقت مردم با سیاست‌های دولت تدبیر و امید در اداره اقتصاد کشور، و حتی تداوم داشتن یا نداشتن فعالیت دولت بوده است که نتایج آن همانطور که در نظرسنجی‌ای رسمی موجود است، به نظر نمی‌رسد که چندان مورد علاقه دست‌اندرکاران دولت دوازدهم باشد!

به هر حال فارغ از بحث‌های حقوقی و سیاسی در مورد ضرورت تمسک به همه‌پرسی و چگونگی برگزاری آن، همزمانی و همزبانی آقای رئیس‌جمهور و اصلاح‌طلبان موضوعی نیست که از چشم هوشمندان سیاسی مغفول بماند. اما مهم‌تر از آن این است که نباید فراموش کرد، مهم‌ترین همه‌پرسی در نظام اسلامی، انتخاباتی است که در خردادماه سال ۱۴۰۰ پیش روی ماست و کمتر از شش ماه تا برگزاری آن باقی مانده است. بدون شک مردم در آن انتخابات نظرات مهم خود را در مورد سرنوشت پیش روی کشور در دهه پنجم انقلاب اسلامی اعلام خواهند کرد.

چه کسی به آمریکا حمله سایبری کرده است؟

فرهاد مهدوی
کارشناس رسانه

هنگامی که در سال ۱۳۸۹ سانتریفیوژهای تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم نطنز مورد هجمه ویروس بسیار خطرناک استاکس‌نت قرار گرفت، آمریکا و رژیم صهیونیستی با افتخار اعلام کردند که استاکس‌نت مستقیماً به دستور رئیس‌جمهور آمریکا صرفاً برای تأسیسات هسته‌ای ایران طراحی، ساخته و راه‌اندازی شده و رژیم صهیونیستی ویروس استاکس‌نت را در مرکز اتمی دیمونا و بر روی سانتریفیوژهای مشابهی که ایران از آنها در تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم نطنز با موفقیت آزمایش کرده‌بود؛ در آن زمان اعلام شد که منشأ ورود این ویروس به ایران نه از طریق شبکه اینترنت بلکه از طریق حافظه‌های جانبی بوده که افرادی از خارج از کشور به ایران آورده و بدون بررسی لازم به کامپیوترهایی در داخل ایران متصل کرده‌اند. در همان سال‌ها آمریکا ۵۲ میلیارد دلار برای حملات سایبری در بودجه سالیانه تصویب کرده‌اند.

اما در سال ۲۰۲۰ خبرهایی از منابع آمریکایی منتشر می‌شود که کشور مهاجم آمریکا به یک قربانی در حملات سایبری تبدیل شده است! و اعلام می‌شود یک گروه حرفه‌ای از هکرها اوایل سال ۲۰۲۰ موفق شدند از طریق روزنه‌ای در محصولات تولیدی شرکت «سولاروینذز» که ارائه‌دهنده نرم‌افزار برای سازمان‌های دولتی و شرکت‌های بزرگ است، وارد شبکه‌های دولتی آمریکا شوند. هکرها بعد از نفوذ به شبکه‌های دولتی آمریکا به اطلاعات و ارتباطات حساس مشتریان سولاروینذز از جمله خزانه‌داری آمریکا، بازرگانی و آزمایشگاه ملی انرژی و لس‌آلاموس که بر تسلیحات اتمی ایالات متحده نظارت دارد، دسترسی پیدا کردند. هنوز هم مشخص نیست که چه سناریویی پشت این حمله قرار دارد، در این مورد چند سناریو مطرح است:

۱ـ با توجه به نارضایتی‌هایی که در آمریکا وجود دارد، این حمله از طرف مخالفان داخلی آمریکاست، آنها نتوانسته‌اند از طریق قانونی به اهداف خود در انتخابات برسند و اکنون از طریق تروجان‌ها درصدد خرابکاری برآمده‌اند.

۲ـ اینگونه تهاجم‌های سایبری هدایت شده از سوی دولت آمریکاست تا نشان دهد گروه‌های هکری می‌توانند به راحتی حیاتی‌ترین بخش‌های دولت آمریکا را شناسایی و تخریب کنند و با توجه به این هشدارها، دولتمردان سریع‌تر اقناع می‌شوند که بودجه‌های امنیت سایبری را افزایش دهند.

۳ـ آمریکا ادعا می‌کند این حمله‌ها از سوی دشمنان خارجی آمریکا مانند روسیه و چین صورت گرفته است که توانایی‌های فوق‌العاده‌ای در جنگ‌های سایبری دارند. آمریکا در صدد است با برجسته کردن این عملیات‌های سایبری دشمنان و حتی کشورهای رقیب خود را به چالش بکشاند و آنها را از اقدامات خطرناک دیگری که در آینده ممکن است اتفاق بیفتد، باز دارد.

۴ـ برجسته‌سازی این حملات سایبری به نوعی برای مشروعیت‌بخشی به حمله سایبری آمریکا و گروه‌های خرابکار وی به سایر کشورها و گروه‌هاست تا از این طریق به اهداف خود که سال‌ها به دنبال آن بوده است از طریق فضای مجازی دست یابد.

نکته نهایی اینکه آمریکا حملاتی را که از درون خاک خود به زیرساخت‌هایش صورت گرفته است،

۱ـ به دشمنان خارجی منتسب می‌کند شبیه‌کاری که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ انجام داد و به افغانستان و عراق حمله کرد، ۲ـ بودجه‌های سایبری‌اش را افزایش دهد و زیرساخت‌های‌شان را تقویت کنند.

۳ـ دشمنانش را به حمله به آمریکا متهم کند و به عملیات‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری‌اش به سایر کشورها مشروعیت ببخشد.

نگاهی به اهداف صهیونیست‌ها از اعزام زیردریایی به خلیج‌فارس

بازی رسانه‌ای!

◆ **گروه گزارش /** همزمان با اعلام ورود ناوهای آمریکایی به خلیج‌فارس رسانه‌های صهیونیستی نیز از اعزام یک فروند زیردریایی این رژیم برای استقرار در خلیج‌فارس خبر دادند. این اتفاق بی‌سابقه است و در شرایطی رخ می‌دهد که این زیردریایی علاوه بر آب‌های بین‌المللی می‌تواند به سبب علنی‌سازی روابط در آب‌های عمان، امارات و بحرین نیز مستقر شود.

البته استقرار همپیمانان ناتو و آمریکا در خلیج‌فارس به ویژه بعد از تشکیل ائتلاف جدید دریایی غرب برای امنیت خلیج‌فارس مسبوق به سابقه بوده؛ اما اینکه رژیم صهیونیستی جرئت و جسارت چنین اقدامی را یافته که در خلیج‌فارس و در کنار مرزهای ایران حضور نظامی علنی پیدا کند، محل تأمل است.

از زمانی که این زیردریایی به صورت رسمی بعد از موافقت مصر از کانال سوئز و دریای سرخ به سمت اقیانوس هند، دریای عمان و در نهایت خلیج‌فارس حرکت کرده است چیز زیادی نگذشته؛ ولی از نگاه کارشناسان امنیتی و سیاسی این بیشتر شبیه به یک شو و عملیات روانی است.

در همین زمان هم بازدید فرمانده نیروی دریایی سپاه از جزایر سه‌گانه جنوبی و سایر پایگاه‌های سپاه برای سنجش میزان آمادگی به صورت رسمی اعلام شد تا اعلام خطری باشد برای هر طرفی در خلیج‌فارس که قصد شیطنت در این منطقه را دارد.

باید توجه داشت در شرایطی که هر روز وضعیت درگیری ایران و جریان مقاومت با رژیم صهیونیستی به روز موعود نزدیک می‌شود، رژیم صهیونیستی باید تا می‌تواند خود را از تیررس سلاح‌های جریان مقاومت دور کند نه اینکه به نزدیک‌ترین قتلگاه تجهیزات نظامی دشمنان جمهوری اسلامی، یعنی خلیج‌فارس و تنگه هرمز نزدیک شود.

به نظر می‌رسد این حرکت تبلیغاتی و برای شکستن قبح حضورهای نظامی بعدی این رژیم است که قطعا سرانجامی برای صهیونیست ها نخواهد داشت. البته رژیم صهیونیستی که در ماجرای ترور شهید فخری‌زاده منتظر انتقام ایران است، با این اقدامات درصدد تغییر فضای افکار عمومی بوده است.

پشت پرده انفجار مشکوک در نشویل چیست؟

رفتار عادی

◆ **گروه گزارش /** انفجار اخیر در شهر نشویل در صبح روز کریسمس که سبب شکسته شدن پنجره‌ها، آسیب وارد شدن به ساختمان‌ها و زخمی شدن سه نفر شده، یک اقدام عمدی بوده است. این خبری بود که پلیس آمریکا اعلام کرد.

«دان آرون» سخنگوی اداره پلیس نشویل گفت: «پلیس در ساعت ۶ صبح به یک تماس تلفنی درباره شنیده شدن صدای تیراندازی پاسخ داد؛ ولی هیچ نشانه‌ای از تیراندازی مشاهده نشد، با این حال، مأموران پلیس به یک خودرو مشکوک شدند و زمانی که منتظر رسیدن واحد ویژه بودند، این خودرو منفجر شده است.» حجم و شدت انفجار که در تصاویر زمینی و هوایی دیده می‌شود، نشان از حجم بالای مواد منفجره دارد. شدت انفجار به حدی بود که سازمان هواپیمایی فدرال آمریکا اعلام کرد، پروازهای فرودگاه نشویل به‌دلیل قطع شدن خطوط ارتباطی، موقتاً به حالت تعویق در آمده است. ترامپ و بایدن هیچ واکنش قابل توجهی به این مسئله نداشتند؛ اما مجتهد افشاگر معروف در خاندان سعودی در توینتر خود چنین می‌نویسد: «اطلاعاتی درباره انفجار آمریکا: شهر نشویل یک شهر کوچک در ایالتی کوچک است. هیچ ارزش امنیتی یا سیاسی در سطح جهان ندارد. ساکنان آن از سفیدپوستان نژادپرست هستند. به دلیل اینکه مردم اولاً به خاطر عید کریسمس و دوماً بخاطر سرمای شدید در خانه‌های‌شان بوده‌اند، محل خالی از سکنه بوده است. عاملان انفجار خود پلیس را خبر کرده‌اند.» وی مطالب دیگری هم در این باره مطرح می‌کند: «آیا ممکن است این حادثه رویارویی بین طرفداران و دشمنان ترامپ باشد؟ » در مقابل عده‌ای هم از وجود بقایای انسانی در انفجار خبر داده‌اند و این انفجار را به عملیات‌های تروریستی داعش نسبت داده‌اند؛ اما اینکه این حجم از مواد منفجره آن هم در یک شهر خلوت برای چه منفجر شده است باز هم اذهان اهل سیاست را به خود مشغول کرده و باید دید در کوتاه‌مدت و درازمدت چه کسی می‌خواهد از این اقدام بهره‌برداری کند. اما مشکوک‌تر از همه نوع پرداخت رسانه‌های آمریکایی است که سعی در عادی جلوه دادن وضعیت داشته و به شکل خیلی عادی اخبار این حادثه را پوشش می‌دهند.

رهبری از جنس مردم

به بهانه پخش مستند غیررسمی از رسانه ملی

حسین معینی
روزنامه نگار

پایان هفته‌ای که گذشت، با پخش مستند «غیررسمی» از رسانه ملی همراه بود که واکنش‌های بسیاری را به همراه داشت. این مستند از دل دیدارهای غیررسمی و حواشی دیدارهای رسمی بیرون آمده بود که پیش از این در برابر چشمان افکارعمومی قرار نگرفته بود. دیدارهایی که با حضور نخبگان علمی و هنری همراه بود و به صورت گفت‌وگوی دوطرفه شکل گرفته بود. سکانس‌های پخش شده در این مجموعه حاوی نکات جالب و نابی بود که پیش از آن کمتر رسانه‌ای شده بود و ابعاد ناپیدای شخصیت رهبر فرزانه انقلاب را آشکار کرد.

این برنامه نشان داد که رهبری از اشراف اطلاعاتی برخوردار بوده و به مسائل کشور آگاه است. او خود را در یک ساختمان درب بسته و برج عاج حبس نکرده و تنها به مشاوره با اطرافیانش بسنده نکرده است. او در وسط میدان است و با اقشار مختلف جامعه در ارتباط مستمر است و از نزدیک از دردهای آنان آگاه است.

او گوش شنوا برای شنیدن صدای مردم دارد. با تمام وجود حاضر است وقت بگذارد و به درد دل مردم گوش قرار دهد و اوضاع را از زبان ایشان بشنود. اگر هم محدودیتی هست، نه برآمده از اراده ایشان که اقتضای جایگاه رهبری است.

در عین حال که در جایگاه رهبری قرار دارد و شاید به نظر برسد که این جایگاه بین او و مخاطب فاصله انداخته است، اما شخصیتش ساده و صمیمی است. در مواجهه با ایشان خیلی زود می‌توان انس گرفت و با او هم کلام شد و احساس همدلی و محبت طرفینی کرد. او خود با صراحت می‌گوید که همه مردم این سرزمین را با توجه دعا می‌کند و به سرنوشت‌شان می‌اندیشد و دغدغه‌مند آنان است. او زبان مردم را می‌فهمد، با آنها به سادگی هم کلام می‌شود، سخنانش منطقی و معقول و قابل فهم و اثرگذار است. از دل بر می‌خیزد و بر دل می‌نشیند.

منطق او منطق قابل پذیرش است و اگر ذهن منصفی گوش دل به کلام او بسپارد، منطقی بودن کلام او را می‌پذیرد، هرچند ممکن است در برخی موارد با او هم نظر نشود.

رهبری خود را پاسخگو در برابر ملت می‌بیند و از پرسشگری و پاسخگویی گریزان نیست. او معتقد است همه مسئولان کشور باید در مورد عملکردشان پاسخگو باشند و تلاش کنند به عنوان خدمتگزاران این ملت، ایشان را راضی و قانع کنند.

نکات فراوانی از شخصیت این بزرگمرد سرزمین‌مان برای گفتن هست که متأسفانه در «حجاب معاصرت» مغفول مانده است. این حجاب حتی در میان دوستان و مشتاقان و مریدان ایشان نیز مشهود است! نشان به این نشان که بین شخصیت و مرام و کلام ما و حکیم انقلاب اسلامی فاصله بسیار است. بخشی از این فاصله بدون شک محصول نبود شناخت دقیق شخصیت ایشان است که باید برای آن چاره‌اندیشید.

سخن آخر آنکه همانطور که تجلی ابعاد ممتاز شخصیتی ایشان برای دوستداران ایشان شور و شوق و بهجت و آرامش می‌آورد، برای دشمنانش چیزی جز عقد و کینه و اضطراب و ترس به همراه نخواهد داشت و روز به روز بر عداوت و دشمنی آنان خواهد افزود و این سنتی از سنت‌های الهی است: «باران که در لطافت طبعش خلاف نیست/ در باغ لاله روید و در شوره زار خس».

همانطور که نور درخشان مولای‌مان امیرالمؤمنین(ع) نیز که در قله انسانیت ایستاده بود، در دل‌های منحرف پرکینه، چیزی جز حسادت و عقد و کینه نیفزود، و همانطور که کلام الهی نیز در وصف خود می‌گوید: «وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَساراً» (اسراء/ ۸۲)

دریچه

عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس در گفت‌وگو با صبح صادق عنوان کرد

اصلاح قانون به نفع شفافیت

حسین چخماقی
خبرنگار

این روزها طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست‌جمهوری در دستور کار مجلس شورای اسلامی است؛ طرحی که سعی دارد مسیر نام‌نویسی در این انتخابات را شفاف‌تر کند. به همین منظور گفت‌وگویی را با «محمدحسن آصفری» عضو هیئت رئیسه کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس انجام دادیم و نظرات وی را درباره این طرح و مخالفت برخی جریان‌های سیاسی با تصویب آن را جویا شدیم:

دلیل ورود مجلس برای اصلاح قانون انتخابات ریاست‌جمهوری چه بود؟

علت تصویب این قانون، ضعف‌ها، شبهات و ابهاماتی بود که در قانونی قبلی انتخابات وجود داشت. این شبهات و ابهامات سبب شده بود برخی احساس کنند به سبب مدرک تحصیلی‌شان، رجل سیاسی به شمار می‌روند. ما شاهد بودیم که در دوره‌های قبل، تعداد قابل توجهی از افراد از راه‌های دور و نزدیک و بدون شرایط کافی برای نام‌نویسی در انتخابات، خودشان را برای نام‌نویسی در محل وزارت کشور به تهران می‌رساندند و برای بررسی اولیه شرایط آنها هزینه و وقت زیادی صرف می شد.

یکی از مواد طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست‌جمهوری، دارا بودن مدرک کارشناسی‌ارشد است. در این مورد توضیح دهید.

بر اساس قانون قبلی انتخابات ریاست‌جمهوری، نام‌نویسی در این انتخابات آزاد است و هیچ محدودیتی برای آن وجود ندارد. در مورد مدرک تحصیلی لازم برای کاندیداها نیز صرفاً سواد خواندن و نوشتن کافی لحاظ شده است. در سنوات گذشته شاهد بودیم که به سبب شفاف نبودن قانون انتخابات ریاست‌جمهوری، ۳ هزار نفر برای تصدی این پست حساس و مهم در کشور نام‌نویسی می‌کردند و در این میان خیلی‌ها فقط سواد خواندن و نوشتن داشتند و فاقد هرگونه مدرک تحصیلی بودند. شرط مدرک تحصیلی «کارشناسی‌ارشد» و روشن‌تر شدن مقوله «رجل سیاسی»، دارا بودن سابقه اجرایی در دستگاه مدیریتی کشور و از همه مهم‌تر «نداشتن تابعیت مضاعف کاندیداها یا بستگان درجه یک آنها» از جمله مواردی بود که در اصلاح قانون انتخابات ریاست‌جمهوری مورد توجه نمایندگان مجلس قرار گرفت.

آیا قرار است در طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست‌جمهوری، نقش احزاب شناسنامه‌دار نسبت به گذشته پررنگ‌تر شود؟

بله، در قانون جدید انتخابات ریاست‌جمهوری که بخش‌هایی از آن طی روزهای آینده کامل‌تر می‌شود، حوزه احزاب برجسته‌تر شده است و نمایندگان مشخص کرده‌اند که رئیس‌جمهور باید مشاوران خودش را یا از بین مقامات کشوری پیشین یا رؤسای احزاب شناسنامه‌دار انتخاب کند.

شاهد هجمه برخی جریان‌های سیاسی به طرح جدید مجلس بودیم. دلیل این هجمه‌ها به نظر شما چیست؟

متأسفانه برخی جریان‌های سیاسی بدون آنکه قانون قبلی انتخابات ریاست‌جمهوری را مطالعه کنند و بدون آنکه قانون جدید را با دقت بخوانند، موضع‌گیری‌های تندی علیه قانون جدید مجلس کردند و ما شاهد بودیم برخی از روزنامه‌ها به صورت زنجیره‌وار و با یک خط مشخص، به این قانون تاختند. برای نمونه، یکی از انتقادات این روزنامه‌ها به قانون جدید این بود که نوشتند «ورود نیروهای مسلح به انتخابات ریاست‌جمهوری آزاد شد»؛ این در حالی است که در گذشته هم کسانی که جزء نیروهای مسلح بودند مجاز به حضور در انتخابات ریاست‌جمهوری بودند و ما در دوره‌های قبل انتخابات هم شاهد حضور برخی از چهره‌های نظامی در انتخابات بودیم.

قانون جدید انتخابات ریاست‌جمهوری به کمتر شدن حاشیه‌های نام‌نویسی کمک خواهد کرد؟

مطمئناً همینطور است؛ اصلاح قانون انتخابات ریاست‌جمهوری در جهت شفاف، دقیق و روشن‌تر کردن مسیر نام‌نویسی در انتخابات ریاست‌جمهوری و به دور از هرگونه نگاه سیاسی و جناحی انجام شد و به عبارتی، قانون جدید در راستای کمک به نامزدهای پست ریاست‌جمهوری خواهد بود. حال باید منتظر اعلام نظر شورای نگهبان در خصوص این قانون باشیم. نمایندگان مجلس پیگیر شفاف‌تر کردن مسیر نام‌نویسی در انتخابات ریاست‌جمهوری هستند.

عکس و مکث

نفتکش غول پیکر تمام ایرانی / دومین نفتکش غول پیکر تمام ایرانی با نام افراماکس که ساخته قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) است در بوشهر به آب انداخته شد. طول این نفتکش دوبرابر طول زمین فوتبال و ارتفاعش اندازه ساختمان ۷ طبقه و حجمش ۱۱۳ هزار تن است! این سازه را همان ایرانی ساخته است که نخست‌وزیر دوران پهلوی درباره‌اش گفته بود: «ملتی که نمی‌تواند آفتابه گِلی بسازد، چگونه می‌تواند صنعت نفت را اداره کند.»

واکسن کرونا نزنید! / بروشورهایی که شهرک‌نشین‌های صهیونیستی را دعوت می‌کند به اینکه واکسن کرونا نزنند. بر روی این تبلیغات جملات قابل توجهی نوشته شده است؛ مانند نگید نمی‌دونستیم، واکسیناسیون کرونا آخرش مرگه، موش آزمایشگاهی نباشید، ۹۷ درصد دریافت‌کننده‌های واکسن عقیم می‌شن، هولوکاست جدیدی در راه است و... . در این تبلیغات هشدار داده شده است که واکسن کرونا نقشه شومی است که طراحی شده است.

ساخت خودروی زرهی در یمن/ وزارت کشور یمن از خودروی زرهی امنیتی «بأس۱» که به دست جوانان یمنی ساخته شده، رونمایی کرد. ارتش یمن در سایه تهدیدات خارجی و حمله دولت‌های تروریستی منطقه به مردم این کشور، به تولید و ارتقای ادوات و موشک‌های خود دست زده است؛ به نحوی که حتی پایتخت عربستان هم از تیررس آنها خارج نیست.

رسانه بی‌طرف! / ۱۸۷ نفر درگذشته کرونا در ایران را مرگ می‌نامند و عکس قبرستان برایش می‌گذارند، اما ۴۸۹ نفر درگذشته خود را جان‌باخته نامیده و عکس دانش‌آموزان و رعایت شیوه‌نامه‌ها برایش می‌گذارند! این رسانه که تا قبل از این به چینی‌ها به دلیل مشاهده اولین بار کرونا در آن کشور اتهام‌هایی می‌زد، بعد از کشف کرونای انگلیسی، آن را نتیجه تلاش‌های دانشمندان کشور خود دانسته است که توانسته‌اند نسخه جدید ویروس را کشف کنند!

روزنه

کهنه سرباز!

VETERAN

یاسر کوچک‌زاده
کارشناس بین‌الملل

«کهنه سرباز» به سرباز یا نیروی ارتشی دارای تجربه و سابقه حضور در جنگ یا حضور طولانی‌مدت در سازمان‌های نظامی گفته می‌شود. (VETERAN)در زبان انگلیسی به معنای شخصی است که در یک شغل یا فعالیت خاص حضور یا تجربه طولانی‌مدت داشته است. کهنه سرباز بودن از آن ویژگی‌هایی است که تداعی‌گر مدیریت، جسارت و پختگی است و به قول قدیمی‌ها مصداق گرگ باران دیده است. در این نوشتار به دنبال شناساندن چهره واقعی سیاست‌مداری هستیم که از ایالت دلاویر آمریکا مشق سیاست را آغاز کرده و قرار است به زودی بر مسند ریاست‌جمهوری کشوری تکیه بزند که در مسیر افول پیش می‌رود. او ششمین سناتور جوان تاریخ آمریکا لقب گرفته است که در زمان رسیدن به معاونت رئیس‌جمهوری در سال ۲۰۰۹ چهارمین سناتور ارشد در سنای آمریکا بود. اوباما که تجربه‌ای در سیاست خارجی نداشت، توانست با انتخاب وی این نقص و کاستی را در دولت خود برطرف کند و می‌توان گفت، همه کاره دولت اوباما در سیاست خارجی بود. اما او با سیاست‌های ترامپ نیز بیگانه نیست، وقتی ترامپ فاجعه بغداد را رقم زد، با وجود تضادهای عمیق عقیدتی با او از عملکرد ترامپ دفاع کرد و اذعان داشت، سردار سلیمانی مستحق بود که با عدالت روبه‌رو شود و تعریف عدالت آمریکایی را صریح و شفاف متبلور کرد. کهنه سربازی که شخص بنیامین نتانیاهو را رفیق سی ساله خود خطاب می‌کند و اذعان می‌دارد اگر اسرائیل وجود نمی‌داشت، آمریکا باید یکی می‌ساخت و آن را یک الزام امنیتی می‌پندارد. اعتقاد به تحریم‌های فلج‌کننده دارد و معتقد است تحریم‌های ایران باید ادامه پیدا کند. سهم او به تنهایی از ۲۹ فقره تحریم‌های ضد ایرانی، ۱۳ فقره سنگین است. در سیاست خارجی به مذاکره با ایران اعتقاد دارد؛ اما چه نوع مذاکره‌ای؟ او مسئول سیاست خارجی و همه کاره آن در زمان اوباما و اوج مذاکرات همین کهنه سرباز بود. پس از کدامین مذاکره صحبت می‌شود؟ مذاکراتی که پرونده آن باید در سال ۲۰۱۵ بسته می‌شد و از گلابی‌های آن بهره‌مند می‌شدیم یا مذاکراتی به بهانه برجام به بن‌بست رسیده اما در محدوده خط قرمزها! کسی که بعد از اعدام نوید افکاری توئیت می‌زند و این عمل را مضحک می‌پندارد و یکی از وعده‌های انتخاباتی‌اش این بود که ایران را به خاطر نقض حقوق بشر مانند اعدام نوید افکاری مجبور به پاسخگویی می‌کند. این کهنه سرباز کسی است که اگر در ۲۰ ژانویه سکان ریاست‌جمهوری آمریکا را بر عهده بگیرد، باید به این نتیجه برسیم که به همان اندازه‌ای که چهار سال با یک رئیس‌جمهور فاسد، دروغگو، فاسق و البته احمق در تنش بودیم از اکنون با یک رئیس‌جمهور جاه‌طلب، شرور و هوشمند وارد فاز تنش از نوع دیپلماسی می‌شویم. به این فرمایش حضرت امام خامنه‌ای ایمان کامل داشته باشیم که در مورد آمریکا سیاست ما حساب شده و مشخص است و این سیاست با رفت و آمد اشخاص تغییر نمی‌کند. اینکه چه کسی رئیس‌جمهور بشود، در سیاست ما هیچ تأثیری نمی‌گذارد و رفت و آمد اشخاص در آن تأثیری ندارد.

نماینده ولی فقیه در سپاه در گفت‌وگو با صبح صادق

حماسه نهم دی ماه سرمشقی برای گام دوم انقلاب است

علیرضا جلالیان
دبیر گروه سپاه

نهم دی ماه در یک دهه اخیر در تقویم‌ها به یاد آن یوم‌الله سال ۱۳۸۸ روز بزرگی شد، روز بصیرت. روزی که امت تحت لوای ولی تکلیف خود را با فتنه مشخص کرد؛ اما دی ماه امسال با دی ماه ده سال گذشته تفاوت دارد و آن اینکه در آستانه شهادت آن نفس زکیه، یعنی شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی هستیم و نهم دی امسال او که بصیرترین‌های زمانه‌اش بود، دیگر در میان ما نیست. بر همین اساس در گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجی‌صادقی، نماینده ولی فقیه در سپاه برخی ابعاد یوم‌الله نهم دی در تقویم تاریخ انقلاب اسلامی را بررسی می‌کنیم.

جایگاه حماسه ۹ دی ماه چیست و حضور ملت ایران در این بزنگاه را از منظر قرآن چگونه می‌توان تبیین کرد؟

نهم دی ماه یک تیر خلاصی بود به فتنه‌ای که طراحی آن حدود ۱۰ سال طول کشیده بود و مقدمات اجرای آن یک سال زمان برده بود و در حدود ۲۰۰ روز هم خود این ماجرا طول کشید. فتنه‌ای که با کارگردانی جبهه استکبار و آمریکا و هنرپیشگی و نقش‌آفرینی تمام پیاده نظام‌های دشمن اعم از سلطنت‌طلبان، منافقین و سکولارهایی که حاکمیت دینی را برنمی‌تافتند، شکل گرفت. نهم دی تیر خلاص به این فتنه بزرگ بود. نهم دی تجلی آیات فراوانی از قرآن بود؛ مانند «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.» مؤمنان واقعی کسانی هستند که بعد از ایمان آوردن و آمدن فتنه نه تنها از صراط مستقیم خارج نمی‌شوند و گرفتار تردید نمی‌شوند و لغزش پیدا نمی‌کنند؛ بلکه در میدان عمل هم اهل جهادند. این مشخصه واقعی مؤمنان قرآنی است که امروزه در قالب انقلابیون ولایت‌مدار جلوه می‌کند و بسیار قابل توجه است. نهم دی تجلی خشم و شدت عمل جامعه اسلامی و ایمانی در برابر کفار بود؛ یعنی بخشی از آیات قرآن که اشداء علی الکفار را تأکید دارد. اما نهم دی هم تولی بالایی را نشان داد هم تبری بالایی را. ما خیلی از افراد را داریم که در تولی بسیار خوب هستند؛ اما توجه ندارند که تولی واقعی بدون تبری امکان ندارد. در نهم دی دیدیم که مردم نسبت به غیر حاکمیت الهی و نسبت به همه جریان‌های غیر الهی تبری و خشم و فریاد مقدس خود را فریاد زدند و پایبندی خود به ولایت را نشان دادند. دشمن فتنه ۸۸ را طراحی کرد تا به وسیله نخبگان بین امت و ولایت فاصله ایجاد کند و از این طریق امت را از کارآمدی و نقش‌آفرینی درست در جامعه اسلامی دور کند. در واقع در جامعه اسلامی همان نخبگانی که پیش از این پیوند امت و ولایت را برقرار می‌کردند، درگیر این فتنه شدند و در فتنه ۸۸ عملاً پیوند امت و ولایت شکل گرفت و به یک فرصت تبدیل شد و این پیوند ریشه‌دارتر شد و توانست بسیار نقش‌آفرینی کند. من یکی از شاخصه‌های قرآنی نهم دی را تجلی تبری و تولی با هم در امت اسلامی می‌دانم. نهم دی در حقیقت وسیله‌ای شد که نقش‌های دشمن نقش بر آب شود.

پیام حضور خودجوش مردم در ۹ دی و خلق آن حماسه بی‌نظیر چه بود؟

یک پیام برای جبهه استکبار بود؛ اینکه ما سر پیمانی که با خدای خود و با شهدا بسته‌ایم، ایستاده‌ایم و استکبار هیچ غلطی نمی‌تواند بکند و همانطور که در میدان‌های جنگ علنی توفیقی نداشتی، بدان در برابر این فتنه‌ها هم هنوز امت را نشناخته‌ای و این امت هم توانایی این را دارد که در پیوند با رهبری همه این فتنه‌ها را خنثی کند؛ اما نسبت به جریان‌های داخلی هم پیام داشت؛ بدانید که هر کدام از ولایت فاصله بگیرند و از مردم فاصله بگیرند عملاً از سوی مردم کنار گذاشته خواهند شد و باید به ارزش‌ها و اصول انقلاب پایبند باشند. این فتنه برای مردم هم پیامش این بود که باید مراقب باشند پیوندشان با ولایت همیشه برقرار باشد و در مسیری که ولایت مشخص می‌کند حرکت کنند. به مسئولان هم پیامش این است که اگر می‌خواهید خدمت بکنید نگاه‌تان به کجاست؟ نگاه شما باید به مردم باشد و بهترین راه تقرب الهی و جلب رضایت خدا خدمت به مردم و فرمانبرداری از رهبری الهی است، چرا جای دیگر می‌روید؟ اما این فتنه و حماسه پیامی هم به رهبری داشت؛ و آن اینکه ای عزیزتر از جان ما حضرت آقا، ولی فقیه زمان، اجازه نمی‌دهیم غریبانه با امام درد دل کنی و نجوا کنی، ما از حواریونی هستیم که همراه تو بوده و اجازه نخواهیم داد تا دشمن کوچک‌ترین تعرضی نسبت به انقلاب و ولایت، این ستون بزرگ انقلاب داشته باشد. مردم هم در این فتنه و حماسه این پیام را گرفتند که می‌توانند هر کار بزرگی را انجام دهند، می‌توانید بزرگ‌ترین فتنه‌ای را که همه استکبار در آن جمع شده بودند و همه در آن تقسیم کار کرده بودند، خنثی کنند. من همین‌جا نکته‌ای را عرض کنم. در فتنه سال ۱۳۸۸ ما دو یوم‌الله داریم؛ یکی ۲۹ خرداد و دیگری ۹ دی. نهم دی تکمیل ۲۹ خرداد بود. در ۲۰۰ روز فتنه‌گری دشمنان، یک روز تجلی ولایت بود که ۲۹ ماه خرداد ۸۸، یعنی یک هفته بعد از انتخابات بود و یک روز هم روز تجلی امت بود که نهم دی بود و تکمیل‌کننده لبیکی بود به اینکه بعد از یک مسیر طولانی و یکسری مشکلات طولانی امت وقتی دید بعد از حدود ۲۰۰ روز مطالبات و نصیحت‌های رهبری در ۲۹ خرداد بر دشمن اثر نکرده، استکبار و حتی جریان‌های داخلی با همه محبتی که رهبری به آنها نشان دادند، به راه راست هدایت نشدند، بلکه در برابر دین مردم ایستادند و شعارهایی که علیه فرهنگ عاشورایی و ارزش‌ها دادند، دیگر پرشکوه به میدان آمدند و تیر خلاص را زدند. ویژگی نهم دی این بود که خودجوش بود و مردم به معنای واقعی کلمه وظیفه خود را انجام دادند، شبیه ۲۲ بهمن که مردم به خروش آمدند و یک استبداد در این کشور ریشه‌کن شد، در نهم دی نیز یک فتنه بزرگ ریشه کن شد. گرامیداشت نهم دی همواره فقط قدردانی از آن کار بزرگ نیست که البته این هم مهم است؛ بلکه حماسه نهم دی به ما راه آینده و چگونگی حرکت کردن را یاد می‌دهد که ما با تکیه بر مبانی خود و تکیه بر اصول خود و با ولایت‌مداری می‌توانیم مانند گذشته حرکت الهی و توفنده انقلاب اسلامی را به سوی اهداف خود ادامه دهیم.

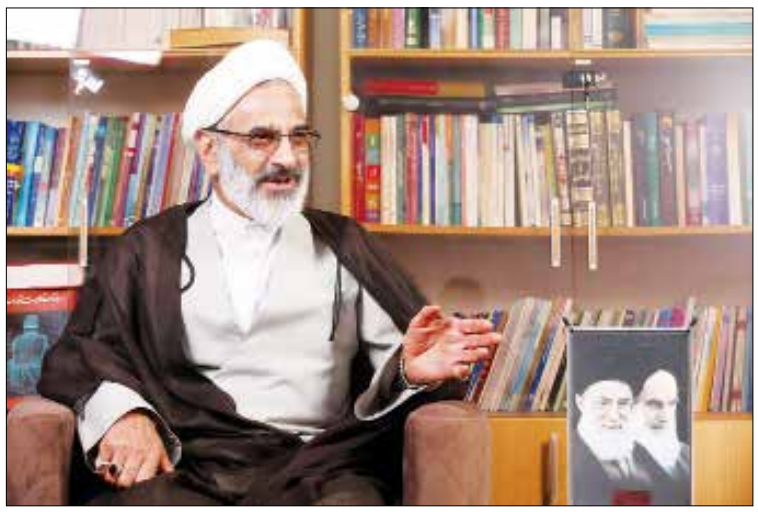

۱- این حماسه پیامی به رهبری داشت؛ و آن اینکه ای عزیزتر از جان ما حضرت آقا، ولی فقیه زمان، اجازه نمی‌دهیم غریبانه با امام درد دل کنی و نجوا کنی، ما از حواریونی هستیم که همراه تو بوده و اجازه نخواهیم داد تا دشمن کوچک‌ترین تعرضی نسبت به انقلاب و ولایت داشته باشد.

۲- ما امتی داریم که از یک طرف بصیر، دشمن‌شناس و زمان‌شناس است و از طرفی شجاع بوده و به تعبیر قرآن دارای روحیه جهادی و انقلابی است و الگوی فرهنگ عاشورایی را دارد در گام دوم خواهند توانست استکبار را کنار بزنند و حافظ و نگهدار انقلاب بوده و مقدمه‌ساز ظهور خواهند باشند.

از همین نکته آخر که فرمودید می‌خواهم سؤال بعد را مطرح کنم و آن اینکه نقش و جایگاه نهم دی در گام اول انقلاب و طراحی گام دوم چیست؟

نهم دی یکی از نقاط مهم در چهل سال اول و گام اول انقلاب بود. ما یوم‌الله و ایام‌الله در چهل سال اول انقلاب زیاد داریم، ۲۲ بهمن و ۱۲ فروردین را داریم، اما نهم دی از خیلی جهات برجسته بود؛ چون به ما گفتند ایجاد یک انقلاب سخت است، اما نگهداری آن دشوارتر است. قرآن به ما یاد داده است که فتنه از قتل هم که حمله نظامی است، خطرناک‌تر است و هم شدیدتر و هم بزرگ‌تر. نهم دی در ۴۰ ساله اول انقلاب چون توانست بزرگ‌ترین فتنه را خنثی کند یوم‌الله است؛ اما در ۴۰ ساله دوم و در گام دوم نهم دی سرمشق است. جهت‌گیری‌ها و روش‌ها و بسیاری از عملکردها می‌تواند بر اساس الگوی نهم دی باشد، باید به این توجه کرد و از این اصول و از این ارزش‌ها فاصله نگرفت و من معتقدم ما حرکت چهل ساله دوم انقلاب بسیار قوی‌تر خواهد بود؛ چون ما چنین امتی داریم که دارای بصیرت، دشمن‌شناس و زمان‌شناس است و از طرفی شجاع بوده و به تعبیر قرآن دارای روحیه جهادی و انقلابی است و الگوی فرهنگ عاشورایی را دارد در گام دوم خواهند توانست استکبار را کنار بزند و حافظ و نگهدار انقلاب بوده و مقدمه‌ساز ظهور خواهند باشند. باید توجه داشت که دشمن پس از شکست در فتنه ۸۸ خود را ارزیابی و آسیب‌شناسی کرده که چرا در فتنه سال ۱۳۸۸ موفق عمل نکرد و به این نتیجه رسید که با وجود ولایت فقیه نمی‌شود فتنه کرد، لذا در دهه نود یکی از محورهای تهاجم دشمن این بود که جایگاه ولایت را تحریف کنند و این ماجرا ادامه خواهد داشت و لزوم بصیرت‌افزایی در گام دوم اینجا دو چندان می‌شود.

سیلی همبستگی بر اجماع شوم

محمدصادق کوشکی
کارشناس سیاسی

حماسه مردمی ۹ دی مشتی محکم و تمام‌کننده در پاسخ به اتفاقات انتخابات سال ۱۳۸۸ بود. تحولات انتخابات سال ۱۳۸۸ صرفاً یک منازعه و دعوای سیاسی ساده نبود؛ بلکه طرح و برنامه‌ریزی دقیق از سوی کشورهای بیگانه‌ای بود که به دنبال براندازی جمهوری اسلامی ایران بودند؛ خاطرات هیلاری کلینتون، وزیر خارجه کابینه اول باراک اوباما در مورد سال ۱۳۸۸ به عینه مباحثی را مطرح می‌کند که در آن مقطع زمانی آمریکا، انگلیس، رژیم صهیونیستی، عربستان و منافقین به دنبال به بن‌بست رساندن مشروعیت جمهوری اسلامی در مباحث سیاسی و تحمیل هزینه‌های سنگین بر کشور ایران بودند که پس از آن اتفاق تنها تحمیل هزینه‌های سنگین بر کشور از سوی قدرت‌های بیگانه اعمال شد و بعد از سال ۱۳۸۸ شدیدترین تحریم‌ها علیه کشور ما وضع شد.

با وجود این عده‌ای معتقدند، این امر صرفاً یک رقابت و دعوای سیاسی دو نامزد انتخاباتی بود و به بزرگ‌نمایی نیازی ندارد، فارغ از اینکه فرآیند اغتشاشات سال ۱۳۸۸ ماهیتی چند بعدی و چندوجهی داشت که هر یک از دشمنان کشور از جمله آمریکا، رژیم صهیونیستی، اتحادیه اروپایی، رژیم صهیونیستی، منافقین و عربستان سعودی به اندازه خود در ناآرامی‌های کشور در آن برهه زمانی سهیم بودند و برحسب همین پیچیدگی و چند وجهی این اتفاق، ظرفیت و توانمندی نیروهای نظامی و امنیتی ما به اندازه‌ای نبود که قادر به حل این مسئله باشد؛ حقیقتاً اگر حرکت انقلابی و هماهنگ و خودجوش مردم در ۸ و ۹ دی ماه نبود، ماجرای اغتشاشات ۱۳۸۸ ادامه می‌یافت و با این اقدام مهم مردم تمام راهبردهای دشمنان منسوخ شد.

با توجه به پیچیدگی این امر عده‌ای به دنبال تعدیل این موضوع هستند و می‌خواهند این اتفاق را ذیل تحولات انقلاب مخملی تجزیه و تحلیل کنند، فارغ از اینکه همانگونه که مطرح شد این اتفاق رویکردی منطقه‌ای و جهانی داشت که هدف اصلی آن ساقط کردن و براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران بود؛ اما با کمی تحقیق و بررسی در فرآیند انقلاب‌های مخملی در کشورهای اوکراین، قرقیزستان و صربستان که مبتنی بر انقلاب بدون خشونت بود، صرفاً بنیاد سوروس در آن تحولات دخیل بود؛ اما ما در فرآیند اغتشاشات سال ۱۳۸۸ شاهد یک همکاری منطقه‌ای و جهانی بین بسیاری از دولت‌ها، سازمان‌های بین‌الملل دولتی و غیر دولتی و حتی سازمان‌های اطلاعاتی این کشورها نیز بودیم.

اکنون هر از چند گاهی بعضی از رجال سیاسی کشور برای کسب رأی و حمایت سیاسی، بحث حصر خانگی را مطرح می‌کنند تا بتوانند از این امر موج‌سواری سیاسی کرده و برای خود سوخت سیاسی تأمین کنند فارغ از اینکه این اقدام یک عمل نخ نما شده و منسوخ است و هنوز اگر لازم باشد، مردم جواب قاطع‌تری نسبت به این‌گونه موضوعات نشان خواهند داد.

واقعه‌ای به امتداد تاریخ

سعید پورملائی هریس
کارشناس سیاسی

حماسه ۹ دی از مهم‌ترین رویدادها در تاریخ سیاسی ایران است که ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. اولین ویژگی که در خصوص حرکت ۹ دی می‌توان با قاطعیت گفت، خودجوش بودن آن است. در همان زمان بارها و بارها تلاش شد تا این شبهه مطرح شود که این راه‌پیمایی یک حرکت حکومتی بوده است؛ اما وسعت این حرکت آنچنان بود که حتی بدبینانه‌ترین تحلیلگران هم به این نکته اعتراف می‌کنند که برپایی چنین حرکتی با این وسعت از توان یک سیستم خارج است. تنها یک موتور محرکه مردمی می‌توانست چنین راه‌پیمایی عظیمی را به راه اندازد که در جامعه ایران این جنبش عظیم عاشورا بود که می‌توانست چنین تأثیری داشته باشد.

از طرف دیگر این حرکت عظیم مردمی توانست با کمترین هزینه ممکن جلوی ادامه یافتن حرکت‌های فتنه‌گران را به مناسبت‌های مختلف را بگیرد، کما اینکه قرار بود سلسله این تحرکات تا ۲۲ بهمن سال جاری ادامه پیدا کند که در نهایت این اتفاق روی نداد. رهبر معظم انقلاب نیز در سخنان خود بر این نکته تأکید کردند و فرمودند: «مردم احساس وظیفهٔ دینی کردند و دنبال این وظیفه، عمل صالح خودشان را انجام دادند. عمل صالح این بود که توی خیابان بیایند، نشان بدهند، بگویند مردم ایران اینند. با این حرکت مردم، آن حجم عظیم تبلیغات دشمن که می‌خواست فتنه‌گران را مردم ایران معرفی کند و اینجور نشان بدهد که مردم ایران از انقلاب‌شان، از نظام‌شان برگشتند، به‌کلی نقش بر آب شد؛ یعنی مردم نشان دادند که این، مردم ایران است. تحلیلگران خارجی وقتی نگاه کردند، گفتند از بعد از رحلت امام بزرگوار، یا شاید بعضی گفتند از بعد از حرکات اول انقلاب، هیچ اجتماعی با این بزرگی، با این تپش، با این شور و هیجان وجود نداشته، که مردم وارد میدان شدند. این، حقیقت ۹ دی است.»

جالب اینجاست که می‌تواند همین حرکت را در مقاطع مختلف تاریخی بعد از آن هم دید. برای نمونه، در جریان فتنه سال ۱۳۹۶ این حضور گسترده مردم بود که توانست بر تلاش دشمن برای ایجاد موج جدیدی از حرکت ایذایی در وسط خیابان غلبه کند. در سال ۱۳۹۸ نیز حرکت مشابهی توانست پایان بخش حرکتی باشد که پس از افزایش قیمت بنزین آغاز شده بود و هدف آن ایجاد حرکتی با خشونت بسیار بالا بود.

اما شاید شبیه‌ترین واقعه به راه‌پیمایی نهم دی ماه حضور گسترده مردم در تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی بود. این حرکت که برخی از آن به عنوان دومین تشییع پیکر مردمی پس از مراسم ارتحال حضرت امام(ره) نام ببرند، توانست عمق نفوذ نظام جمهوری اسلامی و ارتباط متقابل با مردم به آن را نشان دهد. این در حالی بود که این سردار شهید نماینده والای شعارهای انقلاب اسلامی بود که برخی در تلاش بودند آن را فاقد طرفدار در بین لایه‌های مختلف جامعه نشان دهند که عملاً این ماجرا تمام این مسائل را تمام کرد. هنوز هم حاج قاسم سلیمانی به عنوان مهم‌ترین نماد مقابله با هر نوع تهدیدی علیه نظام جمهوری اسلامی شناخته می‌شود.

فرصت‌نمایی برای برجام پلاس

سیامک باقری
عضو شورای سیاست‌گذاری صبح صادق

با نزدیک شـدن به انتخابات آمریکا و به ویژه پس از پیروزی بایدن شـاهد جریان خبری و تحلیلی از خـارج و داخل در زمینه برجام هستیم که وانمود می‌کند دوران دشوار ترامپ تمام شـده و وضعیت نوینی در حال شکل‌گیری است. مقامات و وزرای سـه کشـور اروپایی این‌گونه القا می‌کنند که ایران به تعهداتش برگردد و از فرصتی که به وجود آمده استفاده کند. برای نمونه، وزیر خارجه آلمان گفت: «این فرصت که آخرین شانس است، نباید از دسـت بـرود» یا وزیر خارجـه انگلیس با هشداری به ایران که نباید توسعه برنامه هسته‌ای خود را اجرایـی کنـد، گفـت: «انجام چنیـن کاری فرصت‌های پیشرفت را که امیدواریم در سال ۲۰۲۱ شاهد آن باشیم، تضعیف می‌کند.» در داخل کشور نیز همین خط دنبال می‌شود؛ با این ادبیات که بایدن متفاوت با ترامپ اسـت و بهتر است از این فرصت استفاده شـود. اروپا در دوره بایدن توانایی عمل به تعهدات خود را پیدا خواهد کـرد. روی کار آمدن بایدن فرصتی اسـت برای عبور کشور از وضعیت اقتصـادی و بیماری کرونـا. دموکرات‌ها از جمله جو بایدن با خروج آمریکا از توافق هسته‌ای و اعمال تحریم‌ها مخالف بودند! اگر از فرصت گشایش اولیه دوران بایدن استفاده و مدیریت کنیم، می‌توانیم کاری کنیم که این اوضاع ادامه یابد. با وجود اینکه این خط تحلیلی و خبری بیشتر شبیه مهندسی ذهن در سطوح افکارعمومی و تصمیم‌سازی است، این سؤال مطرح می‌شود که طرح فرصت نوین، تا چه میزان مطابق با واقع و فرصتی برای تأمین منافع ملی است؟ کنکاش در واژه «فرصت» که از سوی تروئیکای اروپا و برخی مقامات آمریکایی و در ذیل آن طرح مذاکره به عنوان راه حل مسالمت‌آمیز برای احیا و حفظ برجام مطرح می‌شود، نشان می‌دهد مقصود غرب با آنچه در افکار عمومی شکل گرفته اسـت، تفاوت بنیادینی دارد. بررسـی لایه راهبردی اسـتعاره فرصـت و طرح مذاکره، نشان‌دهنده اراده سه معنا و تحمیل یکی از آنها بر جمهوری اسلامی است.

۱ معنـا یا قرائت اول از فرصـت مذاکره به معنای برجام جدید از طریق بازنگری در آن اسـت. در این زمینه هایکو ماس، وزیر خارجه آلمان اعلام کرد که باید «برجام پلاس» شکل بگیرد. برجام پلاس به معنای بازنگری در برجام گذشته و اضافه کردن موارد جدید در آن است. این قرائت در آمریکا و در تیم بایدن نیز طرفدارانی دارد. بلینکن، وزیر خارجه آینده بایـدن گفت: «آمریکا باید برای بازگشـت به برجام، چند بند و تبصره به توافق‌نامه برجام اضافه کند.» یا این عبارت بایدن که در دوران انتخابات مطرح کرد، مؤید قرائت موصوف اسـت «اگر ایران کاملا خود را با توافق هسـته‌ای (برجام) انطباق دهد، ایالات متحده هم به عنوان نقطه شروع مذاکـرات دیگر به توافق باز خواهد گشـت.» این موضع به معنای آن اسـت که برجام کنونی ظرفیت ادامـه را نـدارد و مذاکرات بـرای بازنگری امری ضروری است.

۲ قرائت دوم از فرصـت مذاکره به معنای برجام بـه همراه ضمیمه جدید اسـت. مطرح‌کنندگان این قرائت از جمله رافائل گروسی، رئیس سازمان بین‌المللی انرژی اتمی تأکید دارد که بازگشـت به وضعیت قبلی و خانه اول معنا ندارد؛ چون خانه اول دیگر وجود ندارد. او پیشنهاد می‌دهد که باید «یک سند ضمیمه» تهیه شود که در آن مسیر بازگشت به برجام مشخص شود.

۳ قرائت سـوم از فرصت مذاکره به معنای برجام دوم در کنار برجام اول است. موضع بایدن و برخـی از اروپایی‌ها در این خصوص قابل توجه اسـت. در این زمینه بایـدن تصریح کرد: «با مشورت با متحدان (اشـاره به ۱+۵) و شرکای‌مان (اشاره به عربسـتان و امارات و رژیم صهیونیستی) مذاکراتی را آغاز خواهیم کرد تا به توافقی تکمیلی برسـیم که محدودیت‌های برنامه هسـته‌ای را هم طولانی‌تر و هم محکم‌تر کند و هم‌چنین (مشکلات ناشـی از) برنامه موشـکی (ایران) را حل کند.» یا بلینکـن که به عنـوان وزیر خارجه آتـی بایدن در گفت‌وگو با سی‌بی‌اس نیوز تأکید کرد: «اگر ایران با پایبندی کامل به توافق هسته‌ای برگردد، ما هم همان کار را خواهیم کرد. اما آن را به عنوان سـکویی در همکاری با متحدان‌مان در جهت محکم‌تر کردن و طولانی‌تر کـردن این توافق به کار می‌گیریم.» روند مواضع تروئیکای اروپایی نیز نشان می‌دهد، نمی‌توان از آنها انتظار داشت که اولویت‌شان تنها احیای برجام و حفظ آن باشـد و کاری به سایر اختلافات نداشته باشـند، بلکه همه شواهد نشـان می‌دهد آنها نیز سودای گنجاندن برنامه‌های موشکی، نفوذ منطقه‌ای و موضوع حقوق بشر در دستور کار مذاکرات آتی با تهران را دارند. بنابراین، طرح مذاکره غربی‌ها به‌ویژه اروپایی‌ها غیرصادقانه و فریبکارانه اسـت. چگونه «جوزپ بورل» مسـئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا می‌تواند از بی‌اعتمادی پایدار نسبت به آمریکا سخن به میان بیاورد و بگوید «دشمن پنداشتن اروپا از سوی ترامپ و تحمیل تعرفه‌های سنگین بر روی کالاهای اروپایی، این حس پایـدار را در ما ایجاد کرده که حمایـت آمریکا لزوماً چیـزی قابل اتکا نیسـت» اما ایران نسـبت به این همـه بی‌تعهدی اروپایی‌ها چشم بپوشد و جبران خسارت بی‌تعهدی اروپـا و خروج آمریکا از برجـام را فراموش کند و آزموده را آزمون کند؟

پنجره

به دنبال ترامپ

نگاهی به روابط بغداد و واشنگتن در دوره بایدن

محمدرضا فرهادی
کارشناس بین‌الملل

بعـد از پیـروزی بایدن در انتخابـات ۲۰۲۰، پرسش‌های زیادی درباره آینده سیاست‌های کاخ سفید در عراق مطرح می‌شـود. راهبرد ترامپ در عراق مبتنی بـر دو رویکرد بود: الف- راهبرد همه یا هیچ؛ براساس این راهبرد، اگر قرار باشد آمریکا در عراق منفعتی نبرد هیچ بازیگر دیگری نیز نباید به منفعت برسد. ب- انسداد ساختاری؛ این انسداد سـاختاری مبتنی بر این رویکرد بود که سـاختار به هیچ وجه کارآمد نباشـد. دلیل اصلی نیز وابستگی به آمریکا و ایجاد هزینه برای دولت‌های مستقل در عراق بود. این دو راهبرد در کنار فشار حداکثری ترامپ بر گروه‌های مقاومت یک دوگانگی آشکاری در ارائه راهبردها به وجود آورده بود. این دوگانگی با برخی اقدامات سخت همراه بود و تـرور فرماندهان مقاومت در عراق نهایت اقدام برای احیـای دوباره راهبرد همه یا هیچ بود. با شکسـت ترامپ اکنون این مسئله مطرح می‌شـود که در راهبردها و سیاست‌های آتی آمریکا تغییرات خاصـی در زمینه عراق به وجود خواهد آمد؟ برای پاسخ‌دادن به این پرسش باید به چند مسئله اشاره کرد:

۱- به طور کلی باید به این مسـئله همواره توجه کرد که بین دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در اتخاذ راهبردهای منطقه‌ای تفاوت چندانی وجود ندارد. شـاید در تاکتیک‌هـا تفاوت‌هایی وجود داشـته باشـد، اما در راهبردها تفاوت خاصی وجـود ندارد. ایـن یک اصل کلی در سیسـتم تصمیم‌گیری آمریکاست و افراد قدرت چندانی در تغییر این راهبردها ندارند.

۲- بایدن طـراح اصلی تجزیه عراق و سـوریه است. وی مقدمات اصلی طرح تجزیه عراق به سه منطقه شیعی، سـنی و کردی را فراهم کرد. روزنامـه قطری «العربی جدیـد» در این زمینه می‌نویسـد: «این دموکرات از طرفداران تجزیه و تقسـیم عراق بود. زمانی کـه او یک عضو در مجلس سنا در سال ۲۰۰۶ بود، در روزهایی که نیروهای آمریکایـی زیر آتش نیروهای مقاومت عراق بودند و شـمار حمـلات روزانه آنها علیه آمریکایی‌ها بـه هزار بار هم می‌رسـید، در آن روزها، بایدن پیشنهاد تقسیم عراق به سه منطقه نیمه خودمختار شـیعی، سـنی و کُردی را ارائه کرد. وی معتقد بود که این تقسـیم به نیروهای آمریکایی اجازه خواهد داد تا در سال ۲۰۰۸ از عراق عقب‌نشـینی کنند.» در صورتی که بایدن همچنان بر روی این مسئله تمرکز داشته باشد، عواقب بدی برای منطقه و عراق خواهد داشت که یکی از نتایـج آن ایجاد درگیری‌های فرقه‌ای است.

۳- یکی دیگر از اقداماتـی که بایدن در عراق با آن مواجه اسـت، بحث نفوذ ایران است. بایدن همان‌گونه که مطـرح کرده بدون پیش شـرط حاضر به بازگشـت به برجام اسـت. اما هدف وی تنها بحث هسـته‌ای نبوده و این‌گفته یک بار معنایی خاصـی در زمینه منطقـه‌ای هم دارد؛ زیرا آمریکایی‌ها معتقدند در صورت بازگشـت به برجام، اقدامات منطقـه‌ای ایران نیز کاهش پیدا خواهد کرد. البته در کنار این شرایط دولت آینده آمریکا سـه راهبرد را بـرای کاهش نفوذ ایـران در عراق انجام خواهد داد: اول- تضعیف گروه‌های وابسـته به ایـران؛ دوم- هدف‌گذاری بر روی گروه‌های مخالف و معاند ایران؛ سـوم- تأثیرگـذاری بـر حوزه‌های نفوذ ایـران به ویژه در ابعـاد اقتصـادی. در کنار این سـه موضوع دولت آینده آمریکا با مسـئله گروه‌های مقاومت نیـز روبه‌رو خواهد بـود. این گروه‌هـا به دلیل برخورداری از مسـائل ایدئولوژیک و همچنین رویکرد ضدآمریکایی یـک چالش جدی برای بایـدن خواهند بود. به احتمال زیاد دولت بایدن برای برخورد با این گروه‌ها راهبرد تنش‌زدایی را در دستورکار قرار دهد.

۴- بحث دیگر احیای داعش است. همان‌گونه که کلینتون در کتابش عنوان کرده بود، داعش ساخته دست آمریکاست، به احتمال زیاد بایدن در این زمینه تمرکز خاصی بر روی احیای فعالیت‌های داعش داشته باشد.

فراسو

نایبان آمریکا

افزایش تحرکات داعش در افغانستان

محسن باقری
کارشناس مسائل افغانستان

آمریکا برای تحقق راهبردهای کلان خود در منطقه و به ویژه افغانستان، همواره از گروه‌های تروریستی، استفاده ابزاری کرده است. القاعده، طالبان، داعش، شبکه حقانی و سایر گروه‌های تروریستی از دید آمریکایی‌ها در یک مقطعی فرصت و در مقطعی دیگر تهدید قلمداد شده‌اند. شاهد این مدعا تاریخ تحولات منطقه غرب آسیا از افغانستان تا شامات است. گروه تروریستی داعش، که از طریق سرویس‌های اطلاعاتی- جاسوسی و استراتژیست‌های آمریکا و متحدان غربی و عربی در عراق و سوریه طراحی و عملیاتی شد، اما با رشادت محور مقاومت به‌ویژه فرمانده این محور یعنی شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی، داعش و حامیان بین‌المللی آن شکست خوردند و آمریکا برای جبران این شکست و هم برای انتشار آن، از زایش و هسته‌سازی داعش در افغانستان حمایت کرد و اکنون نیز به دنبال گسترش داعش در افغانستان است. آمریکایی‌ها به‌بهانه مبارزه با تروریسم به افغانستان لشکرکشی کردند، اما اکنون پس از صلح نمادین با طالبان و معاملات محرمانه، می‌خواهند مبارزه با داعشی را کلید بزنند که خود حامی اصلی آن هستند. دقیقا همان کاری که آمریکایی‌ها در ۲۰ سال گذشته با طالبان کردند. از یک سو به طور پنهانی از طالبان حمایت تسلیحاتی و امنیتی کردند و از سوی دیگر سردمدار مبارزه با طالبان بودند. بنابراین داعش یک ابزار و پروژه شکست خورده آمریکایی است که بار دیگر تلاش می‌کنند تا در افغانستان، آن را علیه مردم مسلمان افغانستان علم کرده و عملاً برای مقاصد شوم‌شان در پایگاه‌های نظامی مستقر و در پشت پرده فتنه‌گرانه سیاست‌گذاری کنند. در حالی که قبلا آمریکا در جنگ با طالبان به گروه تروریستی داعش کمک می‌کرد، اکنون و پس از توافقات دوحه، تلاش می‌کند با بهره‌گیری از طالبان و اطلاعات دریافتی از آن، داعش در افغانستان را هدف قرار دهد؛ گروهکی تروریستی که زاییده سیاست‌های آمریکا در منطقه است. در همین راستا نیز حمدالله محب، مشاور امنیت ملی افغانستان، گفته است که پس از توافق با طالبان، حکومت کابل تمام امکانات خود را برای سرکوب داعش به کار خواهد گرفت. طی چند ماه اخیر حملات شاخه خراسان گروه تروریستی داعش افزایش بی‌سابقه‌ای داشته است که در این اواخر مسئولیت حمله به دانشگاه کابل را به عهده گرفت که در آن ۲۵ دانشجو شهید و ۵۰ نفر دیگر زخمی شدند. حمله به مؤسسات آموزشی نظیر «کوثر»، «موعود» و مدرسه «باقر العلوم»، مسجد «امام حسین(ع)» و سایر مرکز علمی به دلیل داشتن نام‌های شیعی و مراجعِ شیعه مذهب، هدف اصلی داعش و حامیان آمریکایی و سعودی آن بوده است و بدون شک در کنار این مراکز، ترور شخصیت‌های مذهبی، علمی و حتی رسانه‌ای شیعیان در دستورکار داعش در افغانستان خواهند بود. در این میان نکته‌ای که بسیار تأمل‌برانگیز است و باید مورد توجه قرار داد، آزادی عبدالله اورکزی مشهور به اسلم فاروقی، رهبر شاخه خراسان گروه تروریستی داعش از سوی دولت غنی است! فاروقی که شهروند پاکستان است، از طراحان حمله داعش به مراکز آموزشی شیعیان است. رحمت‌الله نبیل، رئیس پیشین امنیت ملی، در واکنش به فرمان رئیس‌جمهور غنی درباره عفو مجازات زندانیان پاکستانی در افغانستان گفته است: «اسلم فاروقی، رهبر شاخه خراسان داعش وصدها تروریست پاکستانی که در کشتن هزاران افغان نقش داشته‌اند، به عنوان رشوت به سازمان استخباراتی پاکستان (آی‌اس‌آی) آزاد می‌شوند.» در نهایت باید گفت مذاکرات بین‌الافغانی و مذاکرات مستقیم آمریکا با طالبان و امضای توافق‌نامه دوحه، تنها برای فریب افکار عمومی و پیشبرد اهداف شوم خود بوده است و افزایش ناامنی‌ها و خشونت‌ها در افغانستان از سوی طالبان، القاعده، داعش و سایر گروه‌های تروریستی، میوه این فریب آشکار است؛ فریبی که در پشت پرده آن آمریکایی‌ها حضور و نقش‌آفرینی جدی‌تری دارند.

یادداشت

شیطنت آمریکا در قفقاز

حسن مرادخانی
کارشناس بین‌الملل

روز شنبه ۲۹ آذر ۱۳۹۹ اولین قطار باری ترکیه با عبور از گرجسـتان، آذربایجان، دریای خزر و قزاقسـتان به شهر شی‌آن چین رسـید. این محموله طی ۱۲ روز مسیری ۸ هزار و ۶۹۶ کیلومتری را عبور می‌کند و از اسـتانبول مستقیماً به شهر شی‌آن چین می‌رسد. محموله ترکیه اگر به جای خط‌آهن از مسـیر دریایی راهی چین می‌شد، یک ماه طول می‌کشید تا به مقصد برسد. عادل کارا اسماعیل اوغلو، وزیر حمل و نقـل ترکیه و رجب طیب اردوغـان، رئیس‌جمهـوری ترکیه این حادثه را «موفقیتی بزرگ» نامیدند.

در ارتبـاط با این رخداد، باید به چند نکته اساسی توجه داشت:

۱- بازگشایی چنین مسـیری از ترکیه به شرق آسیا، یادآور احداث خط لوله نفت از قزاقستان به ترکیه و سپس اروپاست که باید این خط لوله از ایران عبور می‌کرد و به ترکیه می‌رسید، در حالی که با دخالت و تهدید آمریـکا، ایران از این پروژه کنار گذاشته شد و خط لوله مذکور با عبور از گرجسـتان به ترکیه رسید و بندر باکو را به جیحان متصل کرد. هم‌نشینی موازی این دو مسیر، حاکی از برنامه‌ای هم‌سان است که ردپای آمریکا را در حذف نقش ایران نشان می‌دهد. تأثیر نقش آمریکا را باید در عضویت ترکیه در ناتو جست‌وجو کرد.

۲- جاده ابریشـم قدیمـی از ایران عبور می‌کند و نقش ایران در این مسـیر قابل جابه‌جایی نیسـت و تلاش‌هـای اخیر کشـورها برای احیای جاده ابریشـم با حضور ایران بود، در حالی که با راه‌اندازی مسیر کنونی، نقش ترکیه پررنگ‌تر شده و نقش ایران و روسیه کم‌رنگ می‌شود.

۳- چنین رخدادی پس از توافق آتش‌بس قره‌باغ، نشان از نزدیکی مضاعف ترکیه به آذربایجان اسـت. ورود ترکیه از روز اول به مناقشـه قره‌باغ و حمایـت تمام قد از آذربایجان، پروژه دیگری را دنبال می‌کرد کـه ۲۹ آذر ۱۳۹۹ از آن رونمایـی کرد. بازگشایی این مسـیر را می‌توان یکی از پس‌لرزه‌های توافق قره‌باغ و نزدیکی ترکیه به آذربایجان قلمداد کرد.

۴- رؤیای ۱۰۰ سـاله اردوغان به زعم او در حال تحقق است. کدگذاری تاریخی اردوغان از سال ۱۹۲۳ با قرارداد لوزان تا سال ۲۰۲۳ میلادی برای احیای حیثیت و اقتـدار امپراتوری عثمانـی با اتصال مسـتقیم ترکیه به شـرق چین در حال وقوع است که ورود ترکیه به بحران‌های منطقه‌ای در چند سـال اخیر را باید در قالب چنین پروژه‌ای بررسی کرد.

۵- راه‌اندازی این مسـیر برای اردوغان و حزب عدالت و توسـعه ترکیه، مصرف انتخاباتی دارد. در سال ۲۰۲۳ میلادی انتخابـات ریاسـت‌جمهوری ترکیـه برقرار اسـت و تبلیغ حـزب حاکم بر روی دسـتاوردهایی چون نفوذ در قفقاز جنوبی و اتصال به شـرق آسیا، تحریک احساسـات میهن‌دوستی مردم ترکیه در راستای بازگشت به دوران امپراتوری را به دنبال دارد.

۶- واقعیت این اسـت کـه حذف نقش ایران در این مسـیر اگرچه با شـیطنت ایالات متحده و نقش‌آفرینی غیرمستقیم آن و جاه‌طلبی‌هـای اردوغـان رخ داده اسـت؛ اما هرگز نمی تواند یک مسئله بلندمدت باشـد؛ چرا که طرفین خوب می‌دانند امن‌ترین راه و به صرفه‌ترین راه برای ایجاد ایـن کریدور تجاری از ایران می‌گذرد.

محمدرضا مودودی، سرپرست سابق سازمان توسعه تجارت در گفت‌وگو با صبح صادق

۹۰ درصد صادرات در اختیار ۵۰۰ شرکت است

حمید رضا جوانبخت
خبرنگار

«جنگ اقتصادی» کلید واژه‌ای است که از اوایل دهه ۹۰ وارد ادبیات اقتصاد سیاسی ایران شد. اگر چه اقتصاد ایران در دهه ۶۰ شاهد حمله نظامی رژیم بعث صدام به کشورمان بود و شاید همگان از اقتصاد ایران در آن سال‌ها با عنوان «اقتصاد جنگ» یاد کنند. دشمن که از تهاجم نظامی به خاک ایران ناامید شده بود، از اوایل دهه ۹۰ با وضع تحریم‌های گسترده علیه اقتصاد ایران درصدد ایجاد یک جنگ اقتصادی تمام‌عیار با ملت ایران برآمد. در این میان تحریم فروش نفت ایران و تحریم نظام بانکی کشور به منزله دو رأس اصلی این جنگ مطرح بود. افزایش مبادلات تجاری و اقتصادی با کشورهای همسایه، وضع پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه با کشورهای مختلف و گسترش میزان و تنوع کالاهای صادراتی ایران را می‌توان راهکارهایی برای پیروزی ایران در این جنگ اقتصادی دانست. صبح صادق در گفت‌وگویی با محمدرضا مودودی، سرپرست سابق سازمان توسعه تجارت وضعیت صادراتی ایران را بررسی کرده است.

نظرتان درباره میزان بهره‌برداری ما از مزیت‌های صادراتی کشور به ویژه در حوزه جغرافیایی و قرارگیری کشورمان در یکی از مهم‌ترین کریدورهای جهانی ترانزیت کالا چیست؟

میزان واردات کشورهای همسایه بالغ بر هزار و ۲۰۰ میلیارد دلار است و البته بیشتر از این رقم نیز صادرات دارند؛ یعنی تراز تجاری آنها در مجموع مثبت است و این نشان می‌دهد کشورهای همسایه ما برای هدفگذاری تجاری، کشورهای ثروتمند و توانمندی به شمار می‌روند. متأسفانه در دهه ۹۰ و با توجه به عقبگرد تاریخی که در سال‌های اخیر در حوزه تجارت خارجی داشتیم، صادرات ما به دنیا حدود ۴۰ میلیارد دلار و صادرات به کشورهای همسایه نیز چیزی حدود ۲۴ میلیارد دلار بوده است؛ یعنی با توجه به بازار ۱۲۰۰ میلیارد دلاری کشورهای همسایه سهم ایران از تجارت منطقه بسیار کم است. در مقطعی در اوایل دولت دوازدهم رویکرد وزارت صمت این بود که میزان صادرات به کشورهای همسایه دو برابر شود، اما این موضوع فقط در حد شعار باقی ماند؛ چرا که زیرساخت‌های لازم برای تحقق آن فراهم نبود. یکی از مشکلات ما این است که سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در ایران بسیار پراکنده بوده است؛ یعنی عمده سرمایه‌گذاری‌ها با تنوع بسیار بالا، اما تمرکز بسیار پایین بوده است. از آنجا که عمده تولیدات ما حجم بالایی ندارد و قیمت تمام شده تولیدات ما بسیار بالاست، این موضوعات سبب کاهش قدرت رقابت ما با کشورهای دیگر شده است. در گذشته گفته می‌شد افزایش نرخ ارز یا همان کاهش ارزش پول ملی سبب افزایش صادرات می‌شود؛ اما طی دو سال اخیر با وجود افزایش نرخ ارز، شاهد افزایش صادرات نبوده‌ایم. متأسفانه زمانی که ارزش ریال در برابر ارزهای خارجی کاهش پیدا می‌کند و به اصطلاح محصولات ما برای صادرات جذابیت پیدا می‌کنند؛ تنظیم و تعادل بازار داخلی به دلیل نداشتن برنامه بر هم می‌خورد. در شرایطی که می‌تواند به بهار صادراتی برای کشور تبدیل شود، گاهی صادرات برخی از کالاها ممنوع اعلام شده یا به دلیل نداشتن برنامه صادراتی و نبود تعادل در بازار، قیمت آن کالا در داخل کشور با افزایش شدید مواجه می‌شود. مشکل دیگر توانمندسازی بنگاه‌های صادراتی ماست، معمولاً بنگاه‌های ما فاقد شاخصه‌هایی هستند که برای تجارت بین‌المللی لازم است. حدود هشت هزار کد «اچ. اس» در دنیا داریم که در سطح بین‌الملل تبادل می‌شوند، از این هشت هزار کد، ما فقط حدود ۲ هزار و ۵۰۰ قلم کالا را صادر می‌کنیم که از این تعداد هم فقط ۵۰۰ قلم کالا داریم که بالای ۹۰ درصد صادرات ما را تشکیل می‌دهند. این موضوع نشان می‌دهد، ضریب تمرکز صادراتی ما بسیار بالاست که هر چقدر ضریب بالاتر باشد، یعنی تنوع محصولات صادراتی ما کمتر است و ما بیشتر روی محصولات خاصی متمرکز هستیم.

در حال حاضر ضریب تمرکز صادراتی ایران چه عددی است؟

ضریب تمرکز صادراتی ایران ۴۹ از ۱۰۰ است؛ در حالی که عدد تمرکز صادراتی ترکیه هفت است؛ یعنی هفت برابر بیشتر از ما تنوع صادراتی دارد. به عبارتی سبد صادراتی ترکیه تنوع خیلی بیشتری از ما دارد. ما در ایران حدود ۱۲ هزار شرکت و فرد حقیقی داریم که کار صادرات را انجام می‌دهند؛ اما از این تعداد فقط ۵۰۰ فرد و شرکت هستند که بالای ۱۰ میلیون دلار صادرات می‌کنند که همین ۵۰۰ نفر به طور متوسط بیش از ۹۲ درصد صادرات کشور را انجام می‌دهند. ما با این اقلام محدود چطور می‌خواهیم جهان تجارت خارجی را فتح کنیم، تا زمانی که الگوهای توسعه در سطح کلان مبتنی بر تنوع بخشی به سبد صادراتی نباشد و مگاپروژه‌های صادراتی در مقیاس بین‌المللی تعریف نشوند و به توانمندسازی بنگاه‌های اقتصادی نپردازیم، مطمئناً نمی‌توانیم سهم خود را از تجارت خارجی ارتقا دهیم. طی این سال‌ها عقبگرد تاریخی ما به لحاظ حجم صادرات و ارزش صادرات فقط به دلیل تحریم‌ها نبوده است و در حالی که کشورهای دیگر به سرعت این فضا را پر می‌کنند، ما متأسفانه اصلاً هیچ برنامه و پلن استراتژیکی هم در حوزه تجارت خارجی نداریم.

این مسائل داخلی چه مواردی هستند؟

ما از دوران دفاع مقدس تاکنون به یک جنگ اقتصادی مبتلا هستیم. همیشه هم از سمت ابرقدرت‌ها تحریم وجود داشته است، اما ما که در حوزه دانشگاهی تمام رشته‌ها را داریم، چرا هیچ رشته‌ای تحت عنوان جنگ اقتصادی در کشور ایجاد نشده است تا یک نگاه تطبیقی به موضوع جنگ تجاری و اقتصادی داشته باشد و در این رابطه مطالعه، تحلیل و مستندسازی شود تا ببینیم کشورهای دیگر در مقابل این جنگ‌ها چه اقدامات و واکنش‌هایی نشان داده‌اند. چرا ما باید در اوایل دهه ۹۰ با اعمال تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا دچار بحران‌های اقتصادی شویم و دوباره در سال ۱۳۹۷ با همان تحریم‌ها مواجه شویم. خود این موضوع نشان می‌دهد، ما همیشه در یک فضای مه‌آلود و تاریک قدم برمی‌داریم، در صورتی که اگر واقعاً یک شاخه علمی و نگاه تطبیقی و تحلیلی وجود داشت، قطعاً با بروز هر بحرانی از جمله تحریم می‌توانستیم گام‌هایی را برداریم. یک حقیقت تاریخی این است که ایران در طول نیم قرن گذشته چیزی بالغ بر ۲ هزار میلیارد دلار درآمد نفتی و غیرنفتی داشته است. چنین رقمی برای کشوری که بخواهد بنیان‌های اقتصادی خود را بازسازی و بهسازی کند، رقم بسیار بزرگی است کما اینکه کشور چین فقط در یک بازه زمانی ۱۸ ساله از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۶ یعنی یک سال قبل از انقلاب ما فقط با ۳۱۰ میلیارد دلار توانست ۲۰۰ میلیون شغل ایجاد کرده و ساختارهای اقتصادی خود را به گونه‌ای بنا کند که امسال هزار و ۵۰۰ میلیارد دلار به دنیا صادرات داشته باشد. در حالی که ما با هفت برابر منابع بیشتر نه تنها یک هفتم چین هم اشتغال ایجاد نکردیم، بلکه امروز یک عدد فرسوده ۴۴ میلیارد دلاری را در آمارهای تجاری خود داریم.

نظرتان درباره نقش رایزن‌های فرهنگی و اقتصادی خارج از کشور در افزایش صادرات غیرنفتی چیست؟

تمام سازمان‌های مشابه سازمان توسعه و تجارت ایران در سایر کشورها حدود ۶۰ تا ۸۰ درصد نیروهای‌شان در خارج کشورهای خود مشغول به فعالیت هستند؛ اما ما سازمانی فرسوده به نام سازمان توسعه و تجارت داریم که تمام رایزنان آن در خارج کشور فقط دو نفر هستند که یکی در افغانستان و دیگری در عراق است. در حالی که در سه سال گذشته ۲۱ نفر رایزن داشتیم، اما امروز تعداد آنها به دو نفر رسیده است؛ آن هم درست در زمانی که در جنگ اقتصادی هستیم و بیش از هر زمان دیگری نیاز داریم تا کمبود ارز ناشی از نفروختن نفت را با صادرات کالاهای غیر نفتی جبران کنیم. در چنین شرایطی معلوم است صادرات ما رشد نمی‌کند.

چرا بخش خصوصی در این زمینه اقدامی نمی‌کند؟

اتاق بازرگانی با اینکه در طول برنامه پنجم سالانه ۱۰۰ میلیون دلار از محل یک ده هزارم فروشی که دریافت کرده، درآمد داشته است و به عبارتی در طول این پنج سال درآمد ۵۰۰ میلیون دلاری داشته انتظار می‌رود حداقل در هشت کشور اولی که اهداف اصلی صادراتی ما هستند هشت دفتر تأسیس می‌کرد تا نیازهای بازاریابی کالاهای ایرانی را پیگیری کنند و امروز حداقل هشت نماینده قدرتمند در هشت کشور داشتیم؛ اما این ۵۰۰ میلیون دلار بدون اینکه هیچ ارزش افزوده‌ای داشته باشد صرف تزئین ساختمان‌های اتاق بازرگانی با زیباترین بناها در شیک‌ترین مناطق شهر شده است. متأسفانه اتاق بازرگانی صرفاً به دنبال این است که ضریب نفوذ خود در دولت را افزایش دهد؛ ولی به دنبال این نیست که به وظایف خود عمل کند، دفاتری را راه بیندازد، تحلیل بازارها را ارائه دهد، نیرو بفرستد و بنگاه‌ها را با آموزش‌های لازم توانمند کند.

یادداشت

سهم ۸۰ درصدی تأمین کالا در تنظیم بازار

صدراله دولت
مدیرعامل اسبق
شرکت پشتیبانی امور دام

اگر چه نوسان قیمت گوشت مرغ به عوامل گوناگونی مربوط می‌شود؛ اما در شرایط فعلی می‌توان ریشه همه نوسانات قیمتی در تمام بازارها از جمله مرغ را مربوط به مسائل کلان پولی و ارزی دانست. در سال گذشته که بنده در جایگاه مسئول کمیته ارزی وزارت صمت فعالیت می‌کردم، تقریباً با همین مسئله کمبود مقطعی و فصلی ارز روبه‌رو بودیم.

اگر بر شرایط عرضه و تقاضا از خرداد سال گذشته تا خرداد امسال ـ به جز اسفند و فروردین که به دلیل شیوع کرونا یک بی‌نظمی در بازار به وجود آمد ـ مروری داشته باشیم، تقریباً در عرضه و تقاضا و قیمت مرغ ثبات داشته‌ایم و می‌توان ادعا کرد نوسان قیمت مرغ از تیر و مردادماه شروع شد که از این مقطع به بعد مهم‌ترین دلیل نوسان در عرضه و تقاضا و قیمت، مشکلاتی بود که در نظام توزیع کشور وجود داشت.

آمارهای رسمی بانک مرکزی و گمرک ایران نشان می‌دهد، در پنج قلم کالای اساسی که سه قلم آن کنجاله سویا، ذرت و جو به عنوان نهاده‌های تولید مرغ و گوشت هستند، تأمین ارز دولتی به صورت تمام و کمال انجام شده است. به نحوی که بانک مرکزی برای ذرت تا تاریخ ۸ آذر ماه ۱۳۹۸، هشت درصد بیشتر نسبت به سال گذشته تأمین ارز دولتی ۴۲۰۰ تومانی داشته یا در بحث ترخیص، براساس مجوزهای صادره بیش از ۱۲ درصد افزایش ترخیص داشته‌ایم. با این حال سؤال این است که چرا با وجود تخصیص ارز دولتی به واردات این نهاده‌ها، باید ذرت با ۲ تا ۲/۵ برابر قیمت دولتی در بازار یافت شود؛ این نشان می‌دهد ما از مرحله تأمین عمده و بعد از ترخیص از بنادر دچار مشکل هستیم.

اگرچه تولیدکنندگان مشکلات رخ داده در این حوزه را به سامانه بازارگاه نسبت می‌دهند؛ یعنی معتقدند این سامانه نمی‌تواند نظام توزیع را به گونه‌ای تنظیم کند که کالاها به صورت عادلانه و منظم به دست تولیدکنندگان برسد. با وجود تلاش‌های زیاد وزارت کشاورزی برای رفع نواقص این سامانه، گزارش‌های منتشر شده نشان‌دهنده تداوم مشکل در نظام توزیع است. اگر قرار است تنظیم بازار هر کالایی با آن هدفی که تعریف می‌کنیم محقق شود، باید به سه کلید واژه «تأمین»، «توزیع» و «نظارت» توجه کنیم. از نظر نگارنده سهم تأمین کالا در تنظیم بازار بیش از ۸۰ درصد است؛ یعنی اگر تأمین کالا به خوبی صورت بگیرد و عرضه به اندازه کافی وجود داشته باشد، حتما بازار با ضریب اطمینان ۸۰ درصدی تنظیم می‌شود؛ سهم توزیع هم حدود ۱۵ درصد و سهم نظارت نیز در نهایت ۵ درصد است.

همانطور که می‌بینیم تمام عوامل نظارتی کشور در حال نظارت هستند؛ ولی همچنان شاهد وجود مرغ دو قیمتی هستیم، یعنی حدود ۱۵ درصد مرغ موجود در بازار با قیمت نظارتی ۲۰۴۰۰ تومان توزیع می‌شود و مابقی با قیمت‌های دیگر به دست مصرف‌کننده می‌رسد که این نشان می‌دهد باید روی موضوع تأمین به‌خوبی برنامه‌ریزی شود تا تولیدکننده با خیال راحت بتواند فرآیند جوجه‌ریزی را انجام دهد.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در گفت‌وگو با صبح صادق

دولت و مجلس باید بودجه را براساس واقعیت اقتصاد تنظیم کنند

احسان امیری
خبرنگار

غلامحسین رضوانی گفت: «بودجه حساب درآمد و هزینه کشور است که باید با هم بخواند و زمانی که هزینه‌ای در بودجه دیده شد، به ناچار باید تأمین شود، اما اینکه درآمدی در بودجه دیده شود که تحقق آن بعید باشد، کشور را با کسری بودجه و تورم شدید مواجه خواهد کرد.»

مهندس غلامحسین رضوانی، نماینده مردم تهران در مجلس با اشاره به نوع تنظیم بودجه پیشنهادی دولت برای سال ۱۴۰۰ گفت: «دولت بر اساس مسائلی که می‌شود گفت دست کم گرفتن حریف یا خوش‌بینی به دشمن است، بودجه را تنظیم کرده است؛ در حالی که وقایع و مسائل واقعی در صحنه چیز دیگری را نشان می‌دهد.»

این نماینده مجلس با اشاره به بودجه‌ای که پیشنهاد شده است، افزود: «بودجه برنامه دخل و خرج برای یک سال است که دو بخش هزینه و درآمد، درآن آمده است؛ البته بودجه شرکت‌های دولتی هم هست که جدای از بودجه کشور ارائه شده و دو برابر حجم بودجه است.»

رضوانی ادامه داد: «در بودجه اصل بر این است که درآمد باید به اندازه خرج باشد، اگر پول برنامه‌ای را نداریم نباید در بودجه گنجانده شود، یعنی دخل و خرج در مقابل هم است و نباید طوری برنامه ریخت که درآمد کمتر از هزینه باشد که البته این روی کاغذ است و درآمدها هم باید قابل تحقق باشد.»

وی افزود: «اتفاقی که در بودجه پیشنهادی دولت افتاد همین بود، شما وقتی هزینه‌ای را پیش‌بینی می‌کنید دیگر ناچار به انجام هزینه هستید. ولی درآمدی را که پیش‌بینی می‌کنید و محق نمی‌شود مسئله‌ساز شده و تورم‌زاست. در هزینه‌ها برخی مباحث را می‌توان انجام نداد؛ ولی حقوق و بسیاری از مباحث باید انجام شود.»

رضوانی افزود: «محقق نشدن درآمد برآورد شده در سال آینده از محل صادرات نفت در حدود ۳ و دو دهم میلیون بشکه در روز، مسئله دوستان مجلس است.»

وی افزود: «دولت با فرض اینکه گشایشی اتفاق خواهد افتاد و می‌تواند این نفت را بفروشد، بودجه را تنظیم کرده که به نظر متفاوت از تحولات واقعی است و اگرچه توان تولید و صادرات نفت کشور بیش از این است؛ اما محقق نشدن چنین حجم عظیمی از صادرات با تحریم‌های موجود و وضعیت فعلی اصلاً عقلانی نیست و نباید به گشایش یا چیزی شبیه به این امیدوار بود.»

رضوانی اظهار داشت: «تجربه نشان داده است گشایشی هم اگر اتفاق بیفتد تنها برای بزک کردن دو طرفه غرب‌گرایان و آمریکا توسط همدیگر است و عملاً چون برنامه تقویت نشدن اقتصاد ایران است، چیزی نصیب ما نخواهد شد و آمریکایی‌ها در برهه‌های مختلف این را ثابت کردند.»

وی در پایان خاطرنشان کرد: «با همه اینها تعاملاتی بین دولت و مجلس شکل گرفته و اخیراً به تفاهمات خوبی رسیده‌اند و سعی بر این است که بودجه واقعی و براساس واقعیت اقتصاد کشور تنظیم شود.»

صبح صادق

سردار مقاومت

ویژه اولین سالگرد
شهادت سردار دل‌ها
سپهبد حاج قاسم سلیمانی

ضمیمه هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیستم | شماره ۹۸۲ | دوشنبه ۸ دی ۱۳۹۹ | ۱۳ جمادی الاول ۱۴۴۲ | ۲۸ دسامبر ۲۰۲۰

مکتب بالاترین نشان بعد از شهادت

دکتر یدالله جوانی
مدیر مسئول

«شهادت» پاداش بزرگ الهی بود که خداوند برای حاج قاسم سلیمانی به دلیل جهاد مخلصانه چهل ساله‌اش تقدیر کرد؛ اما بعد از این شهادت بی‌نظیر در یک اقدام تروریستی به دست شقی‌ترین جنایتکاران عالم در عصر حاضر، عنوان «مکتب» بالاترین، گران‌سنگ‌ترین و ارزشمندترین نشان و مدال ممکن بود که از سوی رهبر حکیم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی)، برای این شهید والامقام منظور شد. در تاریخ بشر، به ندرت از سوی حکیمی فرزانه، «سکه مکتب» به نام افراد زده می‌شود. در اندیشه دینی و براساس آموزه‌های وحیانی، فقط انسان‌های «معصوم» یا «تالی تلو معصوم» هستند که شایستگی برای الگو و راهنما شدن دارند.

راه درست یکی است و آن هم صراط مستقیم الهی، لذا در هر عصر و زمانی، کسانی که این راه را به درستی شناخته، در آن حرکت کرده و به کمالات بالای انسانی دست یافته‌اند؛ این قابلیت و شایستگی را هم پیدا می‌کنند که راهنمای دیگران، برای رساندن آنان به کمال انسانی باشند. سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی، به چنین شایستگی و جایگاهی دست یافته بود که بعد از شهادتش، حضرت امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) که بیش از هر کس دیگر او را می‌شناختند؛ در وصف و معرفی‌اش فرمودند: «به شهید حاج قاسم سلیمانی به چشم یک فرد نگاه نکنیم، به چشم یک راه و یک مدرسه درس‌آموز نگاه کنیم.»

رهبر معظم انقلاب در همین عبارت کوتاه، مراد و منظورشان از به کارگیری عنوان «مکتب» برای شهید سلیمانی را مشخص کردند. شهید سلیمانی از منظر ولایت، یک راه اطمینان‌بخش برای رسیدن به قله‌های عزت و افتخار و مدارج عالیه انسانی است.

شهید سلیمانی از منظر ولایت، یک مدرسه درس‌آموز، برای تمامی کسانی است که خواهان رشد و تعالی و پیشرفت در مسیر مقام خلیفه‌اللهی انسان هستند.

بنابراین شهید سلیمانی را باید به درستی شناخت و از مکتب او بهره برد، مکتب شهید سلیمانی در امتداد مکتب امام و رهبری قرار دارد و برای همگان در هر سطح، مقام و منزلتی که هستند، قابلیت الگویی و سرمشقی دارد. خطای راهبردی خواهد بود که سردار سلیمانی را صرفاً یک شخصیت و فرمانده نظامی دانسته، مکتب او را برای نظامی‌ها مفید و مناسب بدانیم. مکتب سردار سلیمانی برای مسئولان و کارگزاران نظام در حوزه‌های لشکری و کشوری، برای احزاب و گروه‌های سیاسی، برای اصحاب هنر و صاحبان رسانه، برای دانشگاهیان و حوزویان و در یک کلام، برای تمامی اقشار جامعه قابلیت الگویی و بهره‌بردن دارد. اگرچه سردار سلیمانی یک فرمانده برجسته و ممتاز کم‌نظیر یا بی‌نظیر در عرصه نظامی بود؛ ولی او در عرصه‌های دیپلماتیک، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی، علمی و فناوری و دیگر عرصه‌ها، دارای خلاقیت نوآوری و صاحب سبک بود. بنابراین هرکس به تناسب جایگاه مدیریتی، شغلی و موقعیت اجتماعی خود، باید سردار سلیمانی را برای الگو قرار دادن و حرکت در مسیر موفقیت، کشف و فهم کند. سردار سلیمانی با سبک مدیریت انقلابی و جهادی خود مبتنی بر ایمان و معنویت، نظام سلطه را در مدت فرماندهی بیش از دو دهه‌اش در نیروی قدس سپاه، با شکست‌های سنگین راهبردی در منطقه غرب آسیا مواجه کرد.

از همین رو می‌توان گفت، سبک مدیریت در مکتب حاج قاسم، یک سبک تجربه شده و کارآمد است. این سبک مدیریت با تمامی مبانی و اصول خود، هرگاه در حوزه‌های نظامی، دفاعی و امنیتی، اقتصادی، سیاسی، اقتصادی، علمی و ... به کارگیری شود، به طور قطع موفق و کارآمد خواهد بود. سبک مدیریت و فرماندهی حاج قاسم، در مکتب این شهید والامقام از برجستگی خاصی برخوردار است. شاخص‌های اصلی مدیریت حاج قاسم را، باید با توجه به ابعاد چهارگانه مکتبش شامل معنویت، عقلانیت، عدالت و ولایتمداری تبیین کرد.

در سبک مدیریت و فرماندهی حاج قاسم، شروط سه‌گانه برای موفقیت در سطح مدیریت راهبردی شامل «علم و دانش»، «تجربه و مهارت» و «صلاحیت‌های اخلاقی» به طور کامل و بالاترین سطح دیده می‌شود. مدیریت موفق سردار سلیمانی در دوران چهل ساله مدیریت انقلابی و جهادی‌اش، بر مبنای مؤلفه‌هایی چون مقام معنوی، شرح صدر، قدرت جذب حداکثری و دفع حداقلی، حق‌پذیری، علو همت، خستگی‌ناپذیری، تواضع و فروتنی، صبر و حوصله، صداقت، مردم‌داری، تکریم انسان‌ها و نفوذناپذیری شکل گرفته بود. آری، شهید سلیمانی در پرتو چنین مدیریتی، توانست جبهه مقاومت را فرماندهی کرده و در عرصه‌های گوناگون، صاحب پیروزی‌های راهبردی کند. اکنون جبهه مقاومت در منطقه، یک واقعیت بی‌نظیر در تاریخ اسلام و سدی محکم در برابر پیاده شدن سیاست‌ها و راهبردهای نظام سلطه در جهان اسلام است. به طور قطع جبهه مقاومت با حاکمیت فرهنگ ایثار، فداکاری و شهادت و با الهام از مکتب حاج قاسم، پایان‌بخش حضور آمریکا در منطقه غرب آسیا از یک‌سو و پایان‌بخش حیات سنگین رژیم صهیونیستی و دولت‌های مرتجع عربی در منطقه از دیگر سو خواهد بود.

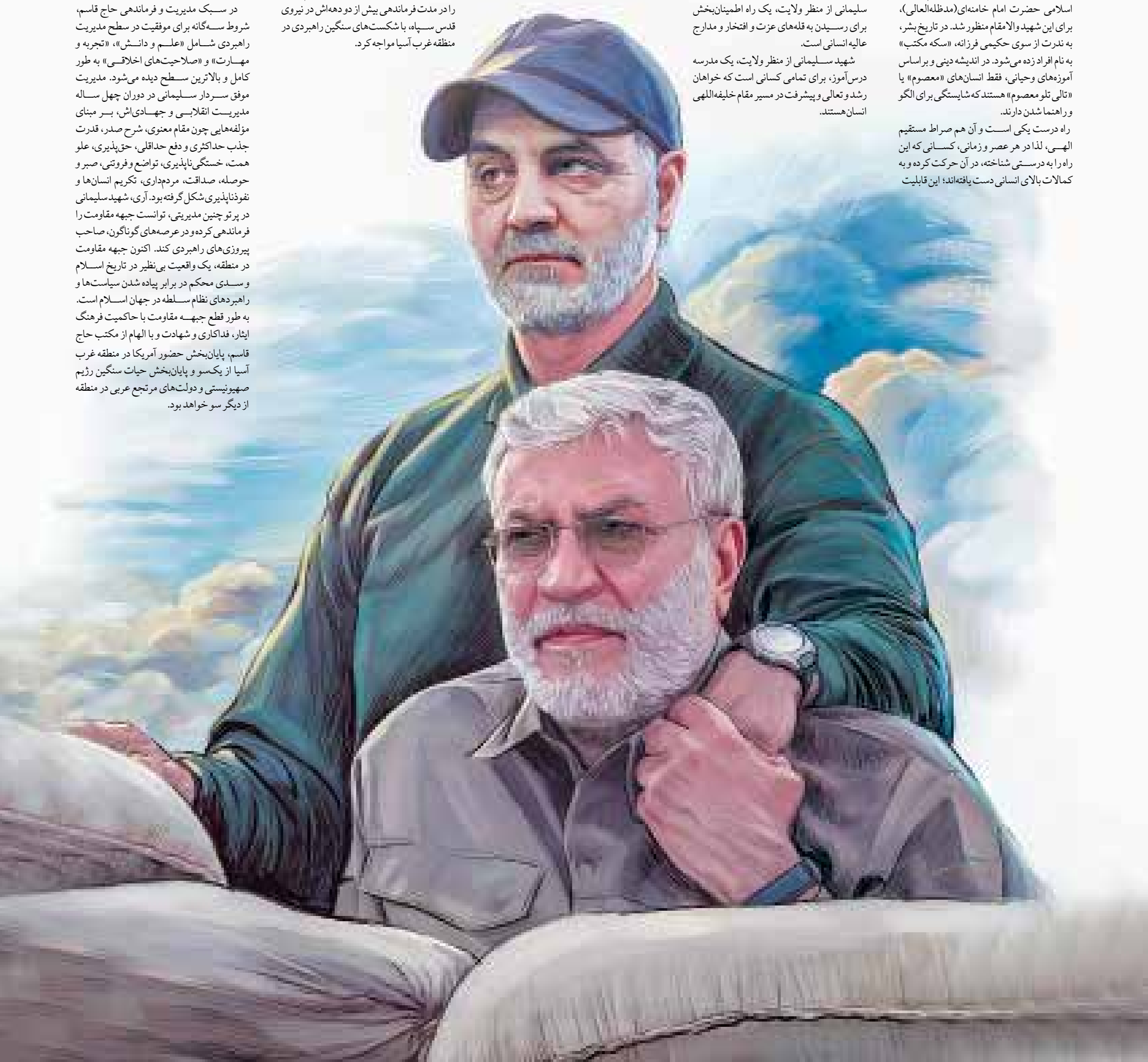

سردار مقاومت
شماره ۹۸۲ | دوشنبه ۸ دی ۱۳۹۹
صبح صادق

محمدعلی الحکیم مدیر خبرگزاری النخیل عراق
در گفت‌وگو با صبح صادق

سلاح مقابله با داعش را حاج قاسم سلیمانی به ما داد

علی شهرودی
خبرنگار

اگر ما اینجا در ایران درباره رشادت‌ها و حضور مؤثر حاج قاسم در میدان مقابله با تروریست‌های تکفیری بسیار شنیده‌ایم، مردم عراق این حضور و ایستادن در برابر اژدهای هفت سر داعش را با تمام وجود لمس کرده‌اند، داعشی که سلاح‌های ساخت آمریکا و رژیم صهیونیستی و.. در دستش بود و دلارهای نفتی دیکتاتوری‌های مرتجع منطقه در جیبش بود. در گفت‌وگوی پیش رو روایت محمدعلی الحکیم، از اهالی رسانه عراق و مدیر خبرگزاری النخیل را درباره نقش حاج قاسم سلیمانی در پاک کردن عراق از لوث وجود این تروریست‌ها می‌خوانید:

راز محبوبیت شهید قاسم سلیمانی را چه می‌دانید؟

حاج قاسم فقط ایرانی نیست و به همه مردم و مستضعفان جهان متعلق است. شهید سلیمانی پدر جبهه مقاومت بود. شهید سلیمانی حلقه وصل ایرانی‌ها، عراقی‌ها، سوری‌ها، فلسطینی‌ها و یمنی‌ها بود. مردم مقاومت را با نام شهید حاج قاسم سلیمانی می‌شناسند. شهید سلیمانی جان و عمرش را فدای اسلام کرد و در نهایت به آرزوی دیرینش که شهادت بود رسید؛ از همین رو جنس محبوبیت حاج قاسم از جنس عزت ابدی امام حسین(ع) است. شهید سلیمانی با اخلاصی که در عملش داشت، در دل مردم سوریه، عراق، لبنان، یمن و جبهه مقاومت جای گرفته بود. شهید سلیمانی همیشه به خدا توکل داشت و آماده شهادت بود، سردار سلیمانی دیپلماسی را با مقاومت آغشته کرد و گام‌های بلندی برای اقتدار، وحدت و عزت امت اسلامی برداشت. اگرچه فقدان حاج قاسم برای ما ناراحت‌کننده است، اما جبهه مقاومت نمی‌ایستد، دشمن خیال نکند که بعد از شهید حاج قاسم سلیمانی آسوده خواهد شد! مقاومت در حال پیشروی است و مطمئن باشید پیروزی نهایی از آن جبهه مقاومت است.

از تأثیرات شهادت شهید حاج قاسم سلیمانی در جبهه مقاومت بفرمایید.

هر قطره خون شهیدان حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس هزاران حاج قاسم و ابومهدی المهندس خواهد ساخت. معتقدم که شهید سلیمانی خطرناک‌تر از حاج قاسم سلیمانی برای دشمنان است؛ چرا که شهادت این دو بزرگوار باعث شد اقوام مختلف در عراق، سوریه، لبنان و کل جبهه مقاومت متحد شوند. متأسفانه ما در عراق یک توافق‌نامه امنیتی بین عراق و آمریکا داریم که در زمان «نوری المالکی» به امضا رسید. براساس این توافق در زمانی که به عراق آسیبی برسد، آمریکا وظیفه دارد که به ما کمک کند. اما در سال ۲۰۱۴ زمانی که داعش به عراق حمله کرد، (داعشی که ساخته دست رژیم صهیونیستی است و با حمایت و پشتیبانی امارات و عربستان وارد عراق و سوریه شد) دولت ما طبق توافق امنیتی از آمریکا خواست که سلاح در اختیار مردم عراق قرار دهد تا به جنگ داعش بروند؛ اما آمریکا در جواب گفتند که در سال ۲۰۲۰ سلاح‌ها به شما داده خواهد شد. اگر ما منتظر آمریکایی‌ها می‌ماندیم، کل عراق به تصرف داعش در می‌آمد. آن زمان نیروی‌های مقاومت در تماسی که با شهید قاسم سلیمانی داشتند، گفتند که برای مقابله با داعش سلاح می‌خواهیم. در پی این درخواست، ساعت ۲ بامداد سردار سلیمانی با مسئولان عراقی تماس می‌گیرد و اعلام می‌کند درخواست‌های شما هم اکنون به فرودگاه ارسال شد و می‌توانید تحویل بگیرید. اینها چیزهایی است که نمی‌توانیم انکار کنیم. این را هم باید گفت که حاج قاسم با اهل بیت(ع) ارتباط داشت.

جبهه مقاومت چه وظیفه‌ای پس از شهادت شهید سلیمانی دارد؟

رسانه‌ها باید همیشه واقعیت‌ها را بگویند. اینکه می‌گویند جبهه مقاومت پس از شهادت حاج قاسم سلیمانی تضعیف می‌شود، کاملاً دروغ است، مقاومت به هیچ وجه متوقف نمی‌شود و در حال پیشروی و رسیدن به اهداف خود است و روز به روز بر توانمندی جبهه مقاومت افزوده می‌شود. هیچ وقت کسی نمی‌تواند در مقابل جبهه مقاومت بایستد؛ چرا که مقاومت همیشه حرف حق را می‌زند. آمریکا با این کارش دو جنایت را مرتکب شد: اول اینکه دو شخصیت محبوب در جبهه مقاومت و عراق را به شهادت رساند و دوم اینکه حاج قاسم را که مهمان مردم و دولت عراق بود، ناجوانمردانه به شهادت رساند. ملت عراق همانطور که در سال ۱۹۲۰ انگلستان را با چماق از عراق بیرون راندند، آمریکا را نیز از عراق بیرون خواهند کرد. ما دیگر با آمریکا کاری نداریم و پارلمان عراق نیز خروج آمریکا را از عراق به تصویب رسانده است. آنها در عراق ۱۳ پایگاه نظامی دارند و باید از عراق خارج شود. آمریکایی‌ها به دنبال فتنه در عراق هستند. آمریکا بعد از به شهادت رساندن شهید سلیمانی، جنایت خود را بر ملا کرد و این اقدام آمریکا به ضرر آنها تمام خواهد شد. پس از به شهادت رساندن حاج قاسم سلیمانی ۱۸ کشور واسطه شدند تا ایران اسلامی نسبت به اقدام جنایتکار آمریکا واکنشی نداشته باشد و آمریکا التماس‌گونه و با واسطه‌گری کشورهای مختلف درخواست داشت که ایران واکنشی نشان ندهد و به برکت خون این دو شهید بزرگوار ایران اسلامی برای اولین بار توانست با ۱۵ موشک به عین‌الاسد، بینی آمریکای جنایتکار را به زمین بمالد و آمریکا در مقابل هیچ کاری نتوانست انجام دهد. ایران یک رعب و وحشتی در دل پایگاه‌های آمریکایی و نیروهای آنها انداخته است. آنها می‌دانند جبهه مقاومت برای شهادت همیشه آماده است و ملتی که برای شهادت آماده است هیچ وقت شکست نمی‌خورد.

سرکیس الشیخ‌الدویهی نویسنده مسیحی و استاد دانشگاه لبنان
در یادداشتی برای صبح صادق

هر گلستانی در سرزمین‌های عربی دوست دارد مضجع شما باشد

گروه ترجمه / حاج قاسم! چگونه قلم فروتن من می‌تواند به قله سر به فلک کشیده شما برسد؟ ای بزرگ، در کنار تو ما چقدر کوچک هستیم، تو قهرمان شجاع و شهید بزرگواری هستی. من در حالی درباره تو می‌نویسم که دلتنگ تو هستم و عطش شجاعتت را دارم. ای کاش از دنیای ابدیت به جهان ما می‌آمدی تا اشک‌های‌مان را با دستان خود پاک کنی و با لبخندت دل‌های‌مان را آرام کنی. ما هم مسیر شما را دنبال می‌کنیم، بنابراین می‌توانیم از شما آتشی به دست آوریم که مقاومت را در ما مشتعل می‌کند، و بارانی که عشق به فلسطین را در قلب ما رشد می‌دهد.

هزار شاهد وجود دارد که نشان می‌دهد شما از کشورهای ما دفاع کردید و از ضعیفان و مظلومان با فداکاری محافظت کردید، با شجاعت در برابر استکبار و جنایت آمریکا و اسرائیل (رژیم صهیونیستی) ایستادید، با گروه تروریستی «داعش» و گروه‌های تکفیری جنگیدید و سخاوتمندانه از مقاومت حمایت کردید. ما شما را به عنوان یک نمونه استثنایی در انسانیت و قهرمانی می‌شناختیم. بنابراین این سلام را از من بپذیرید، زیرا شما واقعاً بزرگ هستید و این حق شماست که قلم به دستان مقاومت حق شما را ادا کنند. شما یک قهرمان واقعی بودید و به ما آموختید که در میدان‌های جنگ و جهاد به خاطر ملت رنج دیده، وطن غارت شده و عزت خونین محکم بایستیم. خداوند متعال با شکوه و پیروزی از شما حمایت کرد، شما معمار پیروزی‌های لبنان، سوریه و عراق و یک شریک کامل در آزادسازی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ و پیروزی ژوئیه ۲۰۰۶ بودید. شما برای رهبر مقاومت لبنان همچون برادر و برای نیروهای آن همچون رفیق بودید.

عزیزان من، پس از مهاجرت رسول خدا(ص) به مدینه، برادری در میان مهاجران و انصار حاکم شد؛ پس از سفر حاج قاسم به کشورهای مستضعف و مظلوم نیز، وی برادری را بین این کشور ایجاد کرد.

شهید سلیمانی عزیز، ما یادمان نمی‌رود که در طول جنگ ۳۳ روزه در لبنان شما در کنار حسن نصرالله و فرمانده شهید عماد مغنیه، در یکی از اتاق‌های عملیات حزب‌الله در ضاحیه جنوبی بیروت حضور داشتید و تا پایان جنگ و تحقق پیروزی در کنار مجاهدان قهرمان ما در لبنان ماندید. ما یادمان نمی‌رود در هجوم تروریست‌ها به سوریه، با شتاب به سوی مادری شتافتید که زیبایی‌هایش (دمشق، حلب، حمص و حماه... و) از سوی متجاوزان و جنایتکاران زخمی شده بود شخصا بر نبردهای باب عمرو نظارت داشتید و تروریست ها را در هم شکستید روایتی که برای نبرد در ریف حلب، سهل الغاب در ریف حماه، نبرد مشهور شهر قصیر در ریف حمص، نبرد البوکمال در ریف دیر الزور و... هم صادق است. پیروزی ارتش سوریه در نبرد القصیر در سال ۲۰۱۳ که نقطه عطف استراتژیکی در طول جنگ در سوریه بود، بدون نظارت و رهبری شما هرگز حاصل نمی‌شد. حاج قاسم عزیز یادمان می‌ماند که در عراق، در مسیر سیدالشهدا(ع) قدم برداشتید و حشدالشعبی شجاع و قهرمان بدون ترس از مرگ در جهت دفاع از حق در پی شما قدم در این مسیر گذاشت. این شما بودید که پس از سقوط شهر موصل به دست داعش، نقش محوری در خنثی کردن نقشه سقوط بغداد داشتید. در جبهه‌های نبرد علیه گروه تروریستی داعش از شمال استان صلاح‌الدین تا تکریت و فلوجه در انبار، اربیل جلولا و سعدیه جرف‌الصخر حضور داشتید و فرماندهی شما بود که تهدید را از نجف و کربلا و سامرا دفع کرد. سردار سلیمانی، نقش گسترده شما در حمایت از مقاومت و آرمان فلسطین، حمایت از رزمندگان مقاومت و متمرکز شدن روی تلاش برای از بین بردن موجودیت صهیونیستی و آزادسازی تمام فلسطین از دست دشمن غاصب صهیونیستی هرگز فراموش نخواهد شد. بیت‌المقدس پایتخت قلب شما، محراب نمازتان و مسیر جهاد و نبض مقاومت شما بود. ای شهید بزرگ، هر گلستانی در سرزمین‌های عربی ما دوست دارد که مضجعی برای شما باشد. هر گلی از باغ‌های ما آرزو دارد که ضریح مطهر شما را زینت دهد. ملتی که شما را شناخت، از شما غرور، اخلاص و شجاعت را آموخت، ملت ما به شما قول می‌دهد که راه شما را تا پیروزی دنبال کند. اجازه دهید به نیابت از تمام مردم شریف لبنان، به دلیل همه آنچه به لبنان و مقاومت ارائه داده‌اید، از شما سپاسگزاری کنم و عشق، وفاداری، دلاوری، انسانیت، سخاوت و عظمت شما را ارج نهم. حاج قاسم، آنچه را که در قلبم بود، نوشتم. امیدوارم که سخنان من به نشانه عشق، قدردانی و تحسین انسانیت، عظمت و پهلوانی‌تان مورد استقبال شما شهید عزیز قرار گیرد.

حیرت در برابر اقتدار!

دکتر طلال عتریسی
کارشناس لبنانی

قطعاً مراکز مطالعاتی غرب که سال‌هاست رصد و پیگیری تحول مظاهر قدرت ایران را برعهده دارند، از نفوذ ایران و تأثیر آن در مقابله با برنامه‌ها و راهبردهای آمریکایی‌ـ صهیونیستی با وجود هزینه‌ها و اقدامات آمریکا و صهیونیست در منطقه حیرت‌زده هستند! قدرت و نفوذی که مرد شماره یک آن شهید قاسم سلیمانی است. او فرمانده در سایه نبود و مخفیانه عمل نمی‌کرد. حضور او در جبهه‌ها علنی بود؛ او همزمان با نقش‌آفرینی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی در کنار نقش‌های نظامی در برنامه‌ریزی و نظم‌بخشی و شرکت در جنگ اقدام می‌کرد. مجاهدان او را می‌شناختند و با وجود او بدون توجه به هر گونه لقب یا مرتبه نظامی آرامش می‌یافتند. شخصیت بی‌نظیر حاج قاسم، جامع حضور شجاعانه در میدان جبهه‌ها و برنامه‌ریزی استراتژیک نظامی و سیاسی و نیروی ایمان، بصیرت، تواضع و عبادت و بندگی در آن واحد بود. به راستی که چنین شخصیت جامعی کم‌نظیر است و این حضور استثنایی نقشی مهم در تأثیر و نفوذ منطقه‌ای قدرت نیروی قدس داشته است. وقتی رئیس‌جمهور آمریکا از صرف تریلیون‌ها دلار پس از اشغال عراق که فایده‌ای در پی نداشت، حسرت می‌خورد؛ نگاه‌ها متوجه حاج قاسم بود که با هدایت و فرماندهی نیروی قدس و نیروی مقاومت عراق بینی اشغالگران آمریکایی را به خاک مالیده بود و آنها آماده بارگیری کالاهای‌شان و ترک عراق بودند.

فرمانده‌ای کم‌نظیر

دکتر امین‌محمد حطیط
ژنرال بازنشسته
ارتش لبنان

سلیمانی شهیدی شاهد بر نسل حاضر است که تاریخ منطقه را در این برهه ساخت و گفتمان استقلال آزادی‌طلبانه را بر گفتمان سلطه استکبار بیگانه برتری داد. هیچ پژوهشگری بدون ورود به آوردگاه شهید سلیمانی که جامع اندیشه و عمل راهبردی، امنیتی و انسانی مقاومت در برابر تجاوز است، نمی‌تواند قدرت محور مقاومت را فهم کند. متعارف آن است که فرمانده در یک یا دو شعبه می‌درخشد و در نتیجه انسانی بزرگ در امور راهبردی شناخته می‌شود؛ یا تنها در سیاست می‌درخشد، ولی در میدان علوم نظامی و امنیتی وارد نمی‌شود؛ اما فرمانده سلیمانی، نمود انسانی، نظامی و سیاسی منحصر به فرد و مبتکرانه در نوع و روش داشت؛ او در نردبان بالندگی در میدان‌های مهم عملی شجاعتی شاخص در عرصه راهبردی پیش گرفت؛ او ید طولایی در تحکیم قواعد و برنامه‌ریزی‌هایی داشت؛ در کنار آن، ابتکار وی در مسائل سیاسی بر اساس مصالح هم‌پیمانان یا کنار زدن طرح‌های دشمنان بود. او از نظر امنیتی قدرت و توان بالایی داشت و وی را فرمانده امنیتی اول منطقه قرار داده بود. کارهای نظامی‌ـ سیاسی او، سلیمانی را در رویارویی با متجاوزان منطقه قرار داده بود؛ سلیمانی چنان رعبی را در دل دشمنان ایجاد کرد که تنها راه برای رهایی از خطر او نسبت به منافع‌شان و حضورشان در منطقه را شهادت وی دانستند.

کلماتی برای جاودانگی

یادداشت ژنرال حسن احمدحسن رئیس دایره سیاسی ارتش سوریه

◆ گروه ترجمه / با خشوع در مقابل عظمت تو ایستاده‌ام، بی‌صدا به ناشناخته‌ها پاسخ می‌دهم، با لکنت زبان خود را خطاب قرار می‌دهم، به این امیدوارم که چیزی از غیب برسد و دروغ بودن آنچه را که از طریق تلفن همراهم می‌بینم، اعلام کند. با عصبانیت تلفن را کنار می‌زنم و از زمانی که تو، ژنرال شهید قاسم سلیمانی رفته‌ای، طاقت نگاه دوباره به آن را ندارم.

ای شهید عزیز، عذرخواهی می‌کنم و به بهانه شهادت شما سؤالاتی را مطرح می‌کنم که در لحظه شنیدن خبر شهادت شما به ذهنم خطور می‌کرد. جسارت می‌کنم و این جرئت را به خودم می‌دهم تا سؤال کنم: شما که شوالیه میدان بودی، چرا پیاده شدی درحالی که می‌دانستی ما می‌خواستیم با رسیدن به پیروزی‌هایی به مجد و شکوه برسیم که مهندسی و طراحی آنها را شما انجام داده بودید و شما بودید که با نبوغ خود فضای راهبردی مورد نیاز برای این پیروزی‌ها را مهیا کرده بودید.

چرا؟ چرا؟ هزاران چرا وجود دارد. چرا الآن رفتید در حالی که دشمنان خداوند و انسانیت با شنیدن اسم شما به لرزه می‌افتادند؟ چرا الآن رفتید در حالی که جمع طاغوتیان جهان در هر میدانی که حضور شما را حس می‌کنند، به وحشت می‌افتادند؟

برای رفتن شما زود بود، اما ما به قضا و قدر خداوند باور داریم و می‌دانیم که خداوند توانا شما را انتخاب کرده است تا به بهشت برین ببرد و در آسمان‌ها و بین ملائکه مقرب خود قرار دهد. بله، ما باور داریم که خداوند شما را انتخاب کرده است تا با شهادت شما را تکریم کند، پس از آنکه روح شما عاشق حق شد و به این باور رسیدید که پرچم سقوط نخواهد کرد، بلکه برافراشته خواهد ماند و انسان‌هایی با جان و دل خود آن را حفظ خواهند کرد، این پرچمی است که حافظان آن کسانی هستند که نزد شما هنرهای نبرد را آموزش دیده‌اند.

ای فرمانده مبارزان و سفیر مقاومت پیروز، اگر تمام واژه‌های زبان‌های دنیا بار دیگر جمع شوند، نمی‌توانند حق شما را ادا کنند و به گمانم من تنها کسی نیستم که نمی‌توانم حتی به پای دیوار شهادت و شهدا برسم.

کلمات احساسی را همین جا پایان می‌دهم و به فعالیت این فرمانده شهید در میدان‌های نبرد اشاره‌ای می‌کنم.

سپهبد شهید قاسم سلیمانی نه تنها یک فرمانده میدانی باسابقه بود، بلکه او یک رهبر قوی، پدری دلسوز و مبارزی سرسخت بود که عزم و اراده او از بین نرفت و عزم او متزلزل نشد. یا حتی یک بار در مورد اهمیت پایداری و محقق کردن پیروزی و جمع کردن نیروها تردید نکرد تا برای نسل‌های دیگر باقی بماند.

فرمانده شهید سرلشکر سلیمانی نه تنها در نبردهای نظامی، بلکه در مهندسی برگ‌های برنده هم در مقابل چشم دوستان و همپیمانان کارهایی انجام می‌داد که باعث می‌شد تا آنها بخشی از محور مقابله و مبارزه با تروریسم باشند. تروریسمی که اگر دفن نشود، حرکت عناصر وحشی آن ادامه خواهد یافت.

بله، او یک سفیر درخشان در مقابل کسانی بود که بعداً به محور مبارزه با تروریسم پیوستند. عملکرد او باعث شد تا دوستان به مبارزه با تروریسم بپیوندند و مشارکت فعالانه‌ای در آن داشته باشند نه اینکه در میدان‌ها و خیابان‌های شهرها و روستاهای خود منتظر بمانند. آنها در کنار هم دست به اقدام بزرگی زدند و پیروزی عظیمی به دست آوردند؛ فارغ از اینکه چه کسی حامی تروریست‌هاست.

فرمانده شهید ژنرال قاسم سلیمانی، بدون شک پیروزی ما قطعی است و این پیروزی را فرماندهانی که باعث افتخار و سربلندی هستند، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و جناب بشار اسد و رهبر مقاومت جناب سیدحسن نصرالله اعلام خواهند کرد.

پیشاپیش از کوتاهی و قصور در گفتن آنچه شایسته قداست، عظمت، بزرگی و جاودانگی شماست، عذرخواهی می‌کنم، ای کسی که بخشی از نور ابدی هستی، ای فرمانده شهید دلاور، ای نماد مقاومت که در وجدان و ضمیرها جاودانه هستی.

ژنرال شهید قاسم سلیمانی، خداوند شما را رحمت کند و در بهشت سکنی دهد.

«وسیعلم الذین ظلموا أي منقلب ینقلبون»

مردی از آن سوی شهر

به قلم نسرین نجم فعال رسانه‌ای و روانشناس اجتماعی لبنانی

◆ گروه ترجمه / سال‌ها نام شهید قاسم سلیمانی غرب را نگران می‌کرد. مطبوعات غربی او را گاهی «رهبر سایه» و گاهی «خطرناک‌ترین مرد» خطاب می‌کردند. این درحالی است که او در پشت صحنه همچون «شبح افسانه‌ای» بود. او افسر استراتژی نظامی علیه داعش، آمریکا و دشمن صهیونیستی بود، او همچون تیرانداز ماهر، دشمنان ملت را آزار می‌داد و اولین ستاره در قلب و ذهن همه مردم صادق و آزاده جهان بود. او از اوایل جوانی به موضوع مستضعفان و مسئله نشان دادن حقیقت نسبت به باطل و پیروزی مظلوم اعتقاد داشت. او مسئولیت‌های زیادی را بر عهده گرفت تا اینکه در سال ۱۹۹۸ به عنوان «فرمانده نیروی قدس» منصوب شد و برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی از طرف حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدال «ذوالفقار» به وی اعطا شد. این سخن دختر ژنرال سلیمانی را به یاد داشته باشید که پدرش پس از دریافت این مدال عالی، به او گفته بود: «من از داشتن این مدال خوشحالم، اما آرمان من بیش از این است. من از این صحبت‌ها متعجب شدم و از او پرسیدم آرزوی چه چیزی را دارد؟ پدرم پاسخ داد که آرزو دارد مدال شهدا که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مدال است به او داده شود.»

دفتر او در میدان‌های جهاد و مقاومت بود. در اینجا تکریت برای او سرودهای پیروزی را پس از آزادسازی آن از دست داعش می‌خواند. او این سرودها را در آزادسازی البوکمال آخرین پناهگاه داعش تکرار کرد. در جنوب لبنان هم هنوز خاک این سرزمین، درختان و دشت‌های آن شاهد سمفونی پیروزی هستند که سلیمانی نوازنده آن بود. در هر جبهه جهاد او یک داستان داشت و این همان چیزی است که حضرت سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله تأیید کرده و می‌گوید: «وی یک شریک اساسی و کامل برای دستیابی به پیروزی در ۲۵ مه ۲۰۰۰ بود»، حتی در پیروزی جولای ۲۰۰۶، سلیمانی همیشه در گوش رهبران مقاومت اسلامی تکرار می‌کرد، «یا من با تو زندگی می‌کنم یا با تو می‌میرم» شاید مهم‌ترین چیزی که او را متمایز کرد، جسارت و شجاعتی بود که داشت.

«بیت‌المقدس»، مهم‌ترین مسئله و اصلی‌ترین دغدغه او بود و برای دفاع از آن به شهادت رسید. رهبران مقاومت ارشد در فلسطین اشغالی از سلیمانی آموزش دیدند، و او در توسعه توانایی‌های مقاومت فلسطین به ویژه در مورد موشک‌ها سهیم بود. یکی از رهبران مقاومت فلسطین در این خصوص می‌گوید: «تقریباً هیچ موشکی یا حتی یک تفنگ در فلسطین وجود ندارد که اثری از سلیمانی را نداشته باشد.» او در مقابل رژیم صهیونیستی بازدارندگی ایجاد کرد. او حامی اصلی رهبری مقاومت فلسطین بود، هنگامی که ترامپ «بیت‌المقدس» را «پایتخت اسرائیل» اعلام کرد، سلیمانی با «تیپ‌های القسام» و «گردان‌های القدس» ارتباط گرفته و آنها را به پشتیبانی آشکار از جناح‌های مقاومت دعوت کرد. این برای یک شخصیت استثنایی علاقه‌مند به آرمان فلسطین، که «هدف قرار دادن اسلحه، سلاح، خون و عزت در دفاع از بشریت و اسلامی را در فلسطین خلاصه می‌کند» تعجب‌آور نیست. شهید سرلشکر سلیمانی تحرکاتی در سوریه داشت که باعث می‌شود نام او مانند قلب موشک‌های بالستیک در قلب گروه‌های تکفیری و افراد پشت سر آنها به نظر برسد و پس از پیروزی از زمان عملیات «عقربا» در دمشق، درعا، البوکمال، حمص و سایر شهرها شاهد مبارزه، مقاومت و دستورالعمل‌های عملیاتی و اطلاعاتی وی بودیم. بدون شک او مهندس و طراح بلامنازع پیروزی‌هاست. پس از افزایش حضور و نفوذ داعش در سوریه و عراق، این سلیمانی بود که برای ایجاد «حشدالشعبی» و تقویت ارتش و نیروهای کمکی سوریه برای مبارزه با سازمان تروریستی تلاش کرد. هیچ کس نقش و تلاش او را برای وارد کردن روسیه به خط جنگ سوریه به عنوان راهی برای حمایت از رئیس‌جمهور اسد انکار نمی‌کند. او اتاق‌های عملیاتی مشترکی را ایجاد کرد که روسیه، ایران، سوریه و عراق را گرد هم آورده بود و برنامه‌های زیادی را برای توسعه و نوسازی کارهای نظامی، اطلاعاتی و تسلیحاتی اجرا کرد. او شخصاً در نبردهای حلب و مناطق دیگری در سوریه حضور داشت و شکست دادن آمریکا و اعوان آن، هدف او بود که به لطف فداکاری‌ها و تلاش او برای احقاق حق به دست آمده است. به موازات این، او برای از بین بردن داعش در عراق حضور داشت و از مقاومت در آنجا برای مبارزه با این گروه تروریستی پشتیبانی می‌کرد و مأموریت‌های نظامی دشوار و تعیین‌کننده‌ای را انجام می‌داد. از جمله شکست دادن داعش در موصل و اطراف آن و سایر عملیات‌هایی که همیشه با پیروزی همراه بود. به گفته «هادی العامری» رئیس سازمان بدر اگر سلیمانی نبود دولت عراق باید در تبعید تشکیل می‌شد و عراقی هم وجود نداشت. مأموریت‌ها، عملیات‌ها و پیروزی‌های ویژه‌ای که سرلشکر شهید قاسم سلیمانی به دست آورد، برای ثبت شدن نیازمند چندین جلد کتاب است. او هر کجا که رفت، داستانی از شکوه، غرور و پیروزی رقم زد.

بزرگان تاریخ‌سازی می‌کنند و سلیمانی تاریخ‌سازی کرد.

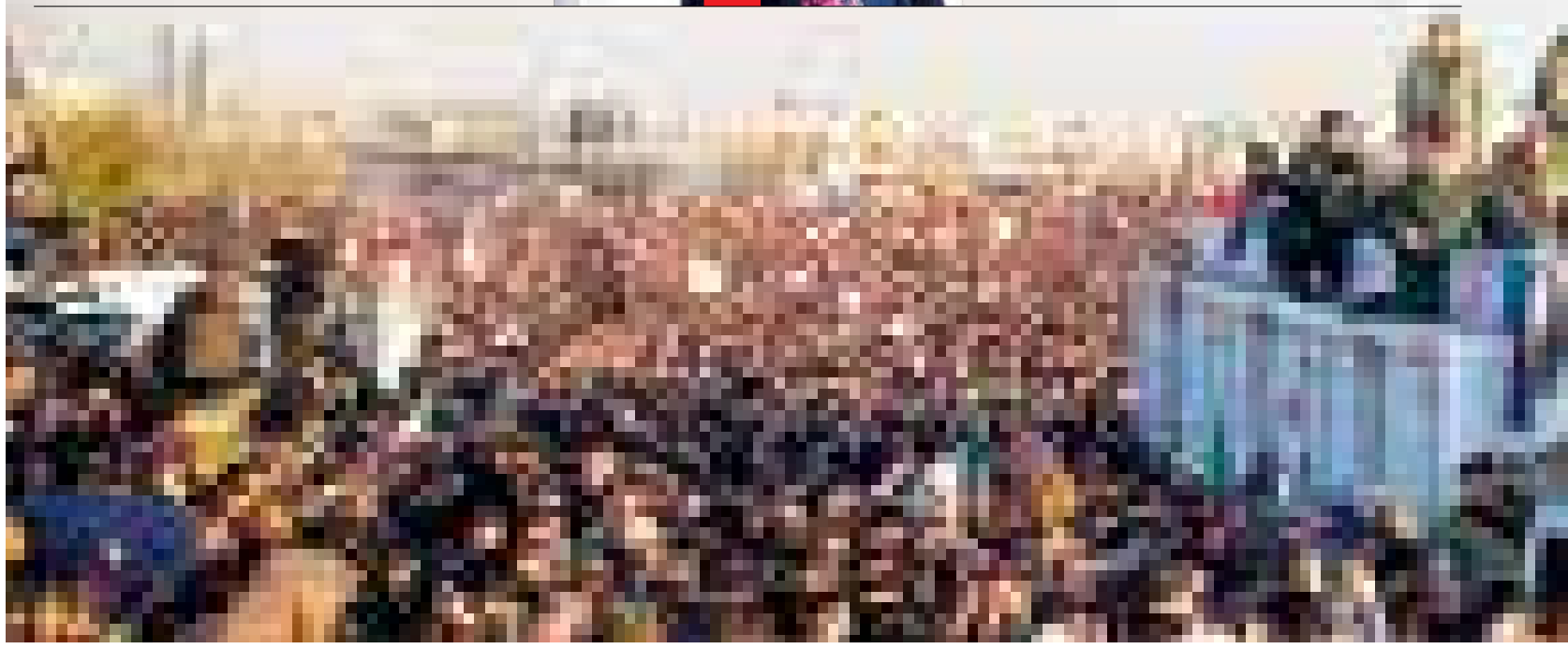

قدس، دلتنگ توست

دکتر وفیقه رمضان
نویسنده شبکه المیادین

سخن گفتن درباره فرشتگان آسمان آسان است؛ ولی درباره فرشتگان زمین سخت است؛ زیرا آنان همچون مرواریدهای گرانبهایی هستند که روزگار اندک افرادی چون آنان را به خود می‌بیند؛ آنان دنیای ما را پر از محبت و معرفت و بزرگی می‌کنند. حاج قاسم فرشته‌ای بود که زمین برایش تنگ شده بود، پس با شتاب کوچ کرد، بی‌آنکه چیزی از متاع دنیوی برگیرد، در حالی که به عشق به فلسطین اکتفا کرده بود. سخن گفتن از حاج قاسم شبیه سخن گفتن از ائمه است. از علی(ع) و زهد و توانش، از حسن(ع) و جایگاه والایش، از حسین(ع) و عشقی که به حد ذوب شدن در معشوق برای وصول به بی‌نهایت و فدا کردن جان رسید. حاج قاسم! هر پادگان و هر سنگر و هر محوری از محورهای جهاد علیه مستکبران، طنین گام‌های تو را می‌شنود و فرزندان مقاومت در بیروت و بغداد و دمشق و صنعا یتیمان تو هستند که دوری از تو دل‌های آنان را مجروح کرده است. ستارگان از نگاه تو استقبال می‌کنند؛ اما خاک جنوب در گذر ایام از طلعت زیبای تو محروم شده است. صنعا عزادار توست و آرام نمی‌گیرد مگر با دوستانی که آن را ترک کردند و به عهد و پیمان وفادار ماندند. دیوارهای کهنه قدس تمنای تبسم تو و نگاه نورانیت را دارد. حاج قاسم! اسم تو بر روزگار پرتو می‌افکند. برای ما از جایگاه والایت دعا کن و برگرد. زود برگرد، ای مسیح ما.

حامی مظلومان

دکتر هالة سلیمان‌اسعد
دبیر جامعه امت عربی سوریه

او شهید ژنرال قاسم سلیمانی است؛ جلالت او در سادگی اوست. نیرومندی او در تواضع اوست. تواضع و سادگی بی‌مانند آمیخته با نظرات نافذ و پیروزی بر پیچیده‌ترین توطئه‌ها باعث ترساندن دشمن می‌شد، اما دوستان به او می‌نگریستند، او را سراسر مهربانی و بزرگی و حمایت‌گر می‌دانستند. دشمنان تهدیدش کردند؛ زیرا آنان را بیچاره کرده بود؛ او را کشتند؛ زیرا آنان را شکست داده بود. ژنرال شهید، در عرصه تبلیغات رسانه‌ای وارد نمی‌شد تا از کارش بگوید. پیچیدگی و نیرومندی و شجاعتش در سکوتش بود و تواضعش هاله‌ای از عظمت و شخصیت خارق‌العاده به او بخشیده بود که شبکه جاسوسی جهانی همواره به دنبال وی بود؛ همیشه در خطوط مقدم جبهه‌ها حاضر بود. همان گونه که زندگی را دوست داشت، عاشق شهادت بود؛ لبخندش حامل اسرار الهی بود. پرچمدار دفاع مقدس برای دفاع از قدس بود و در عراق و سوریه در مسیر قدس قرار داشت. نبردهای آزادسازی حلب را فرماندهی کرد و (لشکریان) مقاومت از برخی کشورهای جهان را با هماهنگی کامل با ارتش سوریه فرماندهی کرد. حاج قاسم از محور مقاومت و دین و از حق و مظلومان دفاع کرد؛ به همین دلیل مورد بغض و کینه دشمنان بود. جهاد با تکفیری‌ها را قیامت نامید؛ درست است که شهادت ژنرال سلیمانی دل‌ها را به درد آورد؛ ولی خونش آمریکا و رژیم صهیونیستی و صندوق‌های پولی پشتیبان آنان را به درد خواهد آورد.

برادر قاسم

وصف سردار حاج قاسم سلیمانی از زبان فرماندهان، سیاسیون و هنرمندان

سرلشکر سید یحیی صفوی

حاج‌قاسم چون بنده خدا بود، از سلسله مراتب ولایت اطاعت می‌کرد و انسانی اهل عمل صالح بود، در دل مردم جا دارد. او بعد از جنگ هم به جهاد روی آورد و جهاد برای او عمل صالح بود. محبوبیت و مقبولیت سپهبد شهید حاج‌قاسم سلیمانی در بین آحاد مختلف و اقشار جامعه و ملت عزیز ایران و از سوی دیگر، در بین جوانان کشورهای اسلامی و آزادی‌خواه، نویدبخش پیروزی‌های بزرگ و قطعی جبهه مقاومت اسلامی خواهد بود.

سردار محسن رضایی

برادرمان، قاسم سلیمانی تربیت شده انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بود، اخلاق و روحیات او در فضای ادبیات و روحیات حضرت امام(ره) شکل گرفت؛ البته برادر قاسم روی خود نیز خیلی کار می‌کرد و زحمت می‌کشید و به عبادات، زیارات و نمازهایش توجه داشت که برای رسیدن به چنین مقامی بسیار مؤثر بود. ایشان همه ویژگی‌های مدیریت جهادی را به نحو کامل داشت.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حاجی صادقی

همه فرماندهان سرباز ولایت هستند، ولی حاج‌قاسم ممتاز بود. ولایت محوری دو بعد بزرگ دارد اول؛ درک صحیح از ولایت و اینکه باور داشته باشد که آنچه ولایت می‌گوید حُکمُ‌الله است و دوم تعبّد به ولایت است.حاج‌قاسم نسبت به ولایت قدرت فهم بالایی داشت؛ ازجمله کسانی بود که اشاره حضرت آقا را می‌فهمید؛ نه تدابیر، بلکه منویات رهبری را هم می‌فهمید. حاج قاسم همچنین به ولایت تعبّد عقلانی داشت. تعبدی که بر قوی‌ترین عقلانیت استوار است. این ولایتمداری حاج‌قاسم خیلی کارساز است. هم‌سنگران او هم، رمز موفقیت‌های حاج‌قاسم را همین‌می‌دانستند.

سرلشکر حسین سلامی

سلیمانی محصول نماز شب و مصداق بارز آیه «محمد رسول‌الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم» بود.او آموخته بود که در میدان جنگ اگر کوه‌ها بجنبند، تو نباید بجنبی و هرگز به دشمن پشت نمی‌کرد؛ اما از سوی دیگر برای مؤمنان خاضع و خاکی بود، بال‌های تواضع او در همه‌جا باز بود. او ۴۱ سال لباس جهاد را از تن به در نکرد و همواره در حال جهاد و احیاگر مکتب جهاد و شهادت بود.او رخساره میدانی ولی‌فقیه بود و جز به اوامر رهبر عظیم‌الشأن‌مان به چیز دیگری نمی‌اندیشید.هرجا مظلومی بود، قاسم و سپاهش آنجا بودند و می‌جنگیدند و سپر بلای امت بودند و چون مالک اشتر همواره به خیمه دشمن نزدیک بود.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی سعیدی

اولین شاخصه فردی شهید سلیمانی خلوص ویژه او بود. او همه چیز را برای خدا انجام داد و خداوند هم پاداش این خالص بودن را به او داد. دومین شاخصه فردی حاج قاسم تواضع بود، حاج قاسم همیشه همان حاج قاسم خاکی و متواضع بود. سرلشکر شد و بالاترین مدال‌های نظامی تاریخ ایران (ذوالفقار) را گرفت؛ اما همان حاج قاسم روز اول بود. این فرهنگ بسیجی و همان تواضعی است که اسلام از آن یاد می‌کند. وجه دیگر حاج قاسم سلیمانی، «شجاعت» او بود. در حاج قاسم ترس نبود، از خطر استقبال می‌کرد. همه رزمنده‌ها تقریباً او را در خط مقدم جبهه‌ها دیده‌اند، این روحیه شهادت‌طلبی نهایت ایمان راسخ به معاد است.

سردار سید مسعود جزایری

بدون تردید یکی از دست‌پرورده‌های انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی و یکی از نخبگان برجسته کشور، شهید حاج‌قاسم سلیمانی بود. ایشان از یک طرف، دست‌پرورده اسلام عزیز و نظام مقدس و انقلاب اسلامی بود و از طرفی توانسته بود خصلت‌هایی را که از دفاع مقدس آموخته بود در خودش حفظ کند؛ حتی به مرور زمان آنها را ارتقا دهد و به این وسیله توانست در جبهه‌ای جدید، ارزش‌های جدیدی را هم به ارزش‌های قبلی مبتنی بر اسلام ناب و تبعیت از رهبر معظم انقلاب و ولی‌فقیه بیفزاید. اینها در مجموع یک انسان خالص را تشکیل داده بود.

امیر عزیز نصیرزاده

رفتار شهید سلیمانی بیشتر دارای جاذبه بود و از تمام گروه‌های سیاسی به سمت ایشان جذب می‌شدند؛ در واقع، ایشان مصداق این موضوع بود که در عین انقلابی‌گری عضو هیچ گروه یا حزب خاصی نبود و خط مستقیم انقلاب را طی کرد و در این میان سیاست‌مداری قهار هم بود. در جلسات مختلف که متوجه می‌شدیم شهید سلیمانی هم قرار است شرکت کند، می‌دانستیم یکی از بهترین جلسات را تجربه خواهیم کرد؛ وقتی ایشان شروع به صحبت می‌کرد، خیلی راهبردی، دقیق و با اشراف کامل منطقه و وضعیت جبهه مقاومت را تجزیه و تحلیل می‌کرد.

دکتر عماد افروغ

شهید سلیمانی کسی بود که انقلاب اسلامی را سرافراز کرد و قدرت نرم جمهوری اسلامی را گسترش داد. شهید سلیمانی مظهر تمام‌نمای نگاه متعالیه، منظومه‌ای، ریشه‌دار و مطابق با فرهنگ شهادت در عصر حاضر است. اگر می‌خواهیم قوه محرکه‌ای برای گام دوم معرفی کنیم، باید به شهید سلیمانی اشاره کنیم.شهادت حاج قاسم در تاریخ انقلاب اسلامی هدیه‌ای الهی بود؛ البته این یک طرف ماجراست و داغ شهادت شهید سلیمانی تا ابد بر دل‌ها خواهد ماند.

دکتر محمدحسین صفارهرندی

حاج‌قاسم باافتخار خود را پاسدار می‌دانست و ویژگی پاسداری را برجسته‌ترین وجه اجتماعی و سیاسی خود قلمداد می‌کرد، اگر ما پاسدار بودن را حقیقت و تجسم امروزی حضور در عاشورای امام حسین(ع) در سال ۱۳۶۱ قلمداد کنیم، حاج‌قاسم مصداق اتم و اعلای یک پاسدار بود؛ به یک معنای دیگر باید بگوییم اگر قرار بود شخصیت‌هایی که در کربلا کنار امام حسین(ع) جان‌فشانی کردند و به اسطوره‌های تاریخ ایثار و شهادت تبدیل شدند، مثل جناب زهیر، جناب مسلم‌بن‌عوسجه، حبیب‌بن‌مظاهر و دیگران اگر قرار بود آن شخصیت آن روز را ما امروز داشته باشیم، حاج‌قاسم یکی از چهره‌هایی بود که خیلی خوب با آنها تطبیق می‌کرد.

عباس سلیمی نمین

این شهید بزرگوار شخصیتی چندبعدی و چندوجهی داشت. ایشان علاوه بر اینکه یک فرد نظامی و یک سرباز واقعی در سنگرهای دفاعی بود، یک سیاستمدار برجسته نیز به شمار می‌آمد، در عین حال یک عارف، مهذب، عابد و زاهد هم بود. جمع این ابعادِ شخصیتی را کمتر در یک انسان دیده‌ایم؛ به همین دلیل واقعاً ایشان در جامعه ما محترم شناخته می‌شد. قبل از شهادت، ایشان در نظرسنجی‌ها بالاترین جایگاه را از نظر محبوبیت داشت؛ اما متأسفانه شاهد آن هستیم که برخی افراد و جریان‌ها می‌خواهند این جایگاه ناشناخته باقی بماند و در گذر زمان مهجور واقع شود.

رضا ایرانمنش

جنگ که تمام شد، هر کسی سر زندگی خود رفت؛ اما گویا تازه جنگ برای حاج قاسم شروع شده بود که ما باید به این توجه کنیم. او همه همت خود را صرف امنیت جنوب شرق و مقابله با اشرار کرد. سه دهه بعد وقتی داعشی‌ها همه جا رخنه کرده بودند، حاج‌قاسم با تمهیداتی که داشت سعی کرد ذهن آنها را روی یک نقطه متمرکز کند که این نشان از مغز متفکر ایشان بود. زمان حمله داعش به مجلس و حرم مطهر امام(ره)، تازه خیلی‌ها متوجه شدند که چقدر در امنیت و آرامش هستیم و بیمی از داعش نداشته‌ایم، در حالی که تمام دنیا از اینکه گروه‌های داعش در تجمعات‌شان عملیات انتحاری انجام دهد، بیمناک بودند و آرامش نداشتند.

داریوش ارجمند

من سردار سلیمانی را عاشقانه دوست داشتم؛ حاج‌قاسم تا قیامت نامی می‌ماند؛ برای اینکه همانی بود که بود و مثل یک لیوان بلور آن سمتش مشخص بود. همه آن طرفش را می‌دیدند؛ چون هیچ کدورتی درونش نبود. شما اگر به همه سیاست‌مداران و مبارزان دنیا نگاه کنید، کسی را نمی‌توانید مثل حاج‌قاسم پیدا کنید؛ کسی را با این همه لبخند زیبا و اخم کشنده. او واقعاً مصداق شیران روز و پارسایان شب بود که حضرت علی(ع) به آن اشاره کرده‌اند. در رفتار و نگاه سردار سلیمانی اسراری وجود دارد که درکش خارج از عقل ماست و نمی‌توان در یک جمله، کلام و کتاب از او گفت و باید سال‌ها از او نوشت.

اخلاق پیشا مدنی

در نقد افتراهای اخیر آیت‌الله محمود امجد

حمزه عالمی
دکتری اندیشه سیاسی

محمـــود امجد، فردی که در کســـوت آیت‌اللهی و مشـــهور به استاد اخلاق اســـت، در روزهای اخیر واکنشی تعجب‌برانگیز درباره اعدام «روح‌الله زم» داشت و مواضعی فراتر از واکنش به این رخداد اتخاذ کرد و علیه رهبر معظم انقلاب کلمات توهین‌آمیزی را بـــه کار برد. مواضـــع وی در «شـــهید» قلمداد کردن روح‌الله زم، در حالی‌که رسانه‌های معاند در بحبوحه حمله گســـترده به جمهوری اسلامی برای اعدام آن فرد بودند، با اســـتقبال و ذوق‌زدگی بسیار زیاد این رســـانه‌ها مواجه شد و آتش تهیه آنان علیه جمهوری اسلامی و ولایت فقیه را تدارک و تقویت کرد. مواضع بهت‌آور محمود امجد، که در تحصیل و تدریس اخلاق اسلامی تلاش کرده است، مسئله مهمی را در زمینه نســـبت اخـــلاق و مدنیّت به یاد می‌آورد. از منظر عملکرد سیاسی، آقای امجد را با مواضعی در حمایت از اصلاح‌طلبان می‌شناسند. او در جریان انتخابات ۱۳۸۸ به حمایت از موسوی و کروبـــی و نقد احمدی‌نژاد برخاســـت و برخورد جمهوری اســـلامی با آشوب‌گران بعد از انتخابات ۸۸ را با عنوان «سرکوب معترضین» توصیف کرد و از این‌رو، از کشـــور خارج شـــد و به نزد فرزندش در مالزی رفت. امجد در همـــان زمان، خروجش از ایران را در انتقاد بـــه آنچه وی «ظلم» می‌نامید، اعلام کرد؛ اما چند ســـال بعد به کشور بازگشت و با همه انتقادات و مواضع ناروایی که علیه جمهوری اســـلامی اتخاذ کرده بود، جلسات اخلاقی خود را دوباره از سر گرفت و حتی امکانات در اختیارش از قبیل ماشین و غیره در امامزاده صالح برایش حفظ شد. امجد علاوه بر این مواضع، در سال ۱۳۸۷ که ماجرای مدرک تحصیلی مرحوم علی کردان، وزیر کشور دولت نهم در مجلس مطرح و جنجالی شد، از منظری ترحّم‌آمیز به دفاع از کردان برآمد و گفت: «استیضاح‌کنندگان کردان به جهت ریختن آبروی مؤمن گنهکار هستند و خداوند ستارالعیوب است و بندگانش را به این امر دعوت می‌کند.»

از اخلاق عاطفی تا اخلاق مدنی

موضع امجد در دفاع از کردان در ظاهر موضعی ترحم‌آمیز است، اما تأمل در نسبت میان این موضع‌ـ که اظهارنظری جزئی و عاطفی اســـت‌ـ با مواضع وی در حمایت از موســـوی و کروبی‌ـ که یک کنش سیاسی محسوب می‌شود‌ـ بیان‌کننده معنای مهمی است. این معنا گویای این است که امجد درکی از تفکیک اخـــلاق در معنایی عاطفی با اخلاق مدنی ندارد. او در مقام استاد اخلاق که از سوی نزدیکانش با صفاتی همچون مهربانی و ســـاده‌لوحی توصیف شـــده، اخلاق را با عواطف اشـــتباه گرفته است و بنابراین وقتی به حوزه سیاست و مدنیّت می‌رسد، نمی‌توانـــد عواطف خود را مهار کـــرده و با قواعد

مدنی بیندیشد. اخلاق در حوزه مدنی به معنای کنار گذاشتن اصول اخلاق سنتی نیست و اساساً تقسیم اخلاق به سنتی و مدرن، تفسیری منحرفانه است. اخلاق دارای اصولی ثابت اســـت و این اصول در همه زمان‌ها و مکان‌ها معتبر هستند. تقسیم اخلاق به ســـنتی و مدرن، کاری است که در غرب صورت گرفته و این موضوع از منظر اخلاق و عقاید اسلامی قابل پذیرش نیست. متفکران غربی، همچون آنتونی گیدنز، معتقدند در اخلاق مدرن آنچه پیشتر مذموم شمرده می‌شد، همچون مصرف‌گرایی و سودجویی، در دوران مدرن از آنجا که ســـبب توسعه می‌شوند، ممدوح شـــده و جزئی از اصـــول اخلاقی مدرن به شـــمار می‌آیند؛ امـــا در اخلاق اســـلامی همه این مفاهیم با معیار دین سنجیده می‌شود و ضمن اینکه بر جهد و تلاش مداوم در سازندگی و آبادانی تأکید می‌شـــود، همواره اجتنـــاب از دنیاگرایی و غرق در مطامع دنیایی نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد. بنابراین در اینجـــا بر مفهوم اخلاق مدنی تأکید می‌شـــود و این حوزه‌ای است که با تشکیل حکومت اسلامی، می‌تواند ضمـــن پذیرش تحولات مـــدرن، اصول اخلاقی را زنده نگه دارد. اساســـاً حوزه مدنی، که حوزه حضور انسان در عرصه سیاست و اندیشیدن به منافع جمعی است، حوزه‌ای است که اخلاق را از دایره محدود فردی به گستره جامعه و کشور می‌آورد و از این منظر حوزه عمل اخلاقی را توسعه می‌دهد. توســـعه حوزه اخلاق که آمیخته با حوزه سیاســـت اســـت و به طبع، با مفاهیم بنیادین این حوزه، یعنی قـــدرت، حاکمیت، حکومت، حقوق شـــهروندی و... آمیخته می‌شـــود، نیازمند این است که مدعیان اخلاق، الزامات این حوزه را درک کنند.

الزامات اخلاق مدنی

الزامات اخلاقی در حوزه مدنیت دینی با جوامع غیردینی تفاوت اساســـی دارد. در جوامع غیردینی همچنان که اصول اخلاقی با عنوان اخلاق مدرن، قَلب شده و برخی رذایل جای فضایل را گرفته‌اند، مدنیّت و جامعه مدنی آن جوامع نیز به نسبتی آلوده بـــه برخی از همین رذایل اخلاقی اســـت که امروز برچســـب فضیلت بر آنها زده می‌شـــود. در جامعه اسلامی، آنچه حوزه مدنی را شکل می‌دهد در گام اول بصیرت و سپس مصلحت است. با برخورداری از بصیرت و روشـــن‌بینی است که می‌توان بهترین تدبیـــر جهت ایجاد وفاق میـــان منافع متضاد، و در نتیجه تأمیـــن مصالح جامعه اســـلامی را در پیش گرفت و حوزه مدنی و مقدم دانســـتن منافع جمعی بر فردی در یک جامعه دینی بدین صورت شـــکل می‌گیرد. اگر مقدم دانســـتن منفعت جمع بر فرد را محتوای اصلی و مشـــترک مدنیت در همه جوامع مشـــترک بدانیم، این موضوع در جوامع غیردینی به سرعت تحت‌الشعاع آن چیزی قرار می‌گیرد که توســـعه حُکم می‌کند و احکام توسعه حاضر است رذیلت را بر فضیلت ترجیح دهد. در جامعه دینی، دو امر بصیرت و مصلحت‌ســـنجی از شکل‌گیری چنین وضعیتی جلوگیری می‌کنند و جامعه را از میانه تحولات مختلف به ســـوی پیشرفت در همه ابعاد سوق می‌دهند. بر این اساس، می‌توان گفت مواضع اســـتاد اخلاق دیروز، نه نسبتی با بصیرت دارد و نه با مصلحت؛ امجد زمانی از خاستگاه عاطفی‌ـ که امری بســـیار شخصی است و ربطی به حوزه مدنی ندارد‌ـ به سیاست می‌نگرد، اما بیش از همه ورودش به حوزه سیاست با فقدان بصیرت آمیخته است و از این‌رو، درصدد دفاع از فردی، همچون زم برمی‌آید که اقداماتش در تضاد آشکار با همان اصول اخلاقی است که امجد دنبال کرده است. اگر استاد اخلاق، اقدام قانونی مجلـــس در رأی عدم اعتماد به کردان را «ریختـــن آبروی مؤمن» می‌دانـــد و البته در این موضع نمی‌تواند پیامدهای دروغ مرحوم کردان (در زمینه مدرک تحصیلی) بر حوزه سیاسی‌ـ اجتماعی جامعه را درک کند، در مواجهه با اتهامات، افتراها و خبرهای بی‌پایه و اساسی که زَم روز و شب درباره شـــخصیت‌های مختلف جامعه اسلامی در سطح افکار عمومی دنیا منتشر می‌کرد، چه پاسخی دارد؟ ماهیت اقدامات زم که از حد ترور شخصیّت افراد فراتر رفته بود و در جایگاه فرماندهی آشـــوب‌های خیابانی و آموزش عملیات تروریستی و به کاربستن سلاح کمری قرار گرفته بود، بر همگان آشکار است و دلیل اصلی درک نشـــدن ایـــن اقدامات و ندیدن هویـــت واقعی زم به عنوان جاســـوسِ پنهان در زیر نقاب فعال رسانه‌ای از ســـوی امجد، عدم درک و بصیرت او از اخلاق مدنی است.

ریزش‌ها

فراز و فرود عبدالکریم سروش ـ ۶

تحریف و تردید در اصول!

در مقطعی برخـــی از اعضای قدیمی حلقـــه کیـــان و چهره‌های شـــاخص اصلاح‌طلبان طی نامه‌ای محرمانه به عبدالکریم ســـروش، خواســـتار نقش‌آفرینی مجدد وی در عرصه سیاســـت داخلی کشور در جهت تئوریزه کردن گفتمانی جدید برای به چالش کشـــاندن پارادایم فکری و ادبیات انقلاب و مردم شده‌اند. مبتنی بـــر پـــاره‌ای شـــنیده‌ها از منابـــع موثق، اصلاح‌طلبـــان در این نامه بخش اعظم موفقیت جریان متبوع خود در پیروزی دوم خرداد ۱۳۷۶ را مرهون درس‌های سروش دانسته‌اند. از این تاریخ دوره‌ای دیگر در زندگی سیاسی دکتر سروش رقم می‌خورد که از هتک حرمت بـــه علما و فتاوای مراجع تقلید شـــروع می‌شود و تا زیر سؤال بردن برخی اصول و کلام انســـان دانســـتن قرآن ادامه می‌یابد. چند روز پس از ۱۸ تیر ۱۳۷۸، سروش در جلســـه‌ای در مشهد مدعی شد که مسلمانان روشن‌بین و تیزبین باید مواظب باشند که نکند با عمل به فتوای مراجع تقلید معاصر مســـتوجب عقوبت الهی شوند؛ چون این مراجع پای‌شان در انسان‌شناسی و حقوق بشر لنگ است! همچنین با وجود اینکه وی بیشترین تهمت‌ها و اهانت‌ها را علیه امام خمینی(ره) روا داشته، برای سخنرانی در کنگره تبیین انقلاب اســـلامی ایران به دعوت مسولان ستاد بزرگداشت صدمین سال تولد امام خمینـــی(ره) دعوت می‌شـــود و در بخشـــی از سخنانش با گفتمان خودی و غیرخودی مخالفت کرده و با وقاحت این گفتمان را ریشه در جاهلیت می‌داند! سروش خوب می‌دانست ریشه حکومت دینی در اعماق و همه جای آیات و روایت موجود هســـت و برای اینکه بخواهد نقدی داشته باشد، باید از ریشه مخالفت خود را بیان کند. از این رو، در مصاحبـــه‌ای در مورد قرآن گفت: «قرآن کلام الهی نیســـت، بلکه کلام پیامبر است.» این ادعا مخالفـــت صریح با آیات قرآن دارد. ســـروش با تأثیرپذیری از روش ابطال‌پذیری استادش کارل پوپـــر، به صراحت قـــرآن را خطاپذیر دانســـته، می‌گوید: «از دیدگاه سنتی در وحی خطا راه ندارد اما امروزه مفسران بیشتر و بیشتری فکر می‌کنند که وحی در مســـائل صرفا دینـــی مانند صفات خداونـــد، حیات پس از مـــرگ و قواعد عبادت خطاپذیر نیست. آنچه قرآن درباره وقایع تاریخی ســـایر ادیان و ســـایر موضوعـــات عملی زمینی می‌گوید؛ لزوماً نمی‌تواند درســـت باشد.» او با اهانتـــی صریح بـــه پیامبر اســـلام(ص) و انکار عصمـــت، نبوت و اتصال پیامبـــر(ص) به غیب می‌گویـــد: «من فکر نمی‌کنم دانـــش او از دانش مردم هم عصـــرش درباره زمین، کیهان و ژنتیک انسان‌ها بیشتر بوده است و این دانشی که ما امروز در اختیار داریم، نداشته است.»

آفاق

نظریه نظام انقلابی -۳۳

استقلال از شرق و غرب

محسن محمدی الموتی
استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی(ره)

تبیین دســـتاوردهای نظام انقلابی در شرایطی که امروزه بـــا تحریفات ابهام‌آمیز و شـــبهات برســـاخته دشـــمنان یا کم اطلاعی نسلی تازه وارد به اجتماع مواجه اســـت، ضروری است؛ از این رو در یادداشت گذشـــته به دو دستاورد مهم نظام انقلابی در گام اول انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، یعنی تبدیل نظام استبدادی به نظام مردم‌سالاری دینی و ایجاد قطب جدید قدرت اسلام در دنیا اشـــاره کردیم. در این مطلب دو دستاورد مهم دیگر آن را بررسی می‌کنیم.

۳ استقلال کشور

رژیم پهلوی با وابستگی شدید به غرب، حافظ منافع آنان بود. به گونه‌ای که با ســـقوط شـــاه، «برژینسکی» مشاور امنیت ملی دولت کارتر اذعان کرد سرنگونی شـــاه از دیدگاه راهبردی برای ایـــالات متحده و از نظر سیاســـی برای شخص کارتر فاجعه‌آمیز بود.

بـــا پیروزی انقلاب اســـلامی، ملـــت ایران به یکی از آرزوهای دیرینه خود، یعنی اســـتقلال رسید و موجب شد در ساختار حکومتی ایران تحولی عمیق پدید آید و وابســـتگی ذلت‌آور به استقلال عزت‌بخش بدل شود و خواسته ملت ایران در شـــعار «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» ملت ایران تحقق یابد. نظام انقلابی ایـــران از این پس اجازه نداد بیگانگان با تحقیر و سلطه خود، سرنوشت کشـــور را رقم زنند و در امور داخلی ایران دخالت کنند. نمونه بارز این اســـتقلال‌خواهی، حماســـه دفاع مقدس و ایســـتادگی در برابـــر فشـــارهای ظالمانه و حداکثری غربی‌ها در موضوع فناوری هسته‌ای است که باعث شـــد بوش پسر، رئیس‌جمهور اســـبق آمریکا در جمع صهیونیســـت‌های این کشـــور بگوید «یعنی می‌شـــود روزی بیاید که دوستداران ما مثل سابق در ایران (دوره پهلوی) بر سر کار بیایند و از ما اطاعت کنند.»

۴ ثبات، امنیت و حفظ تمامیت ارضی

با وجود توطئه‌های فراوان داخلی و خارجی به ویژه جنگ تحمیلی، نظام انقلابی توانست ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزهای خود را ضمانت کرده و معجزه پیروزی در جنگ هشـــت ساله و شکســـت رژیم بعثی و پشـــتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی‌اش را پدید آورد. در ماجرای تـــرور ناجوانمردانه سردار سپهبد شهید قاســـم سلیمانی به دست دولـــت آمریکا کـــه به رغم مغایـــرت و نقض اصول و قواعـــد بنیادین حقوق بین‌الملل نظیر اصل حاکمیت ملی و استقلال دولت‌ها، اصل عدم مداخله و اصل منع توســـل به زور اتفاق افتاد، پاســـخ قاطع و موشکی ایران به مهم‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در منطقه(عین‌الاسد) به گونه‌ای دیگر اراده نظـــام مبنی بر حفظ ثبات، امنیت و تمامیت ارضی کشور را آشکار کرد.

سیاست‌نامه

اندیشه سیاسی فضل‌الله نوری ـ ۶

زمینه‌سازی اجتماعی برای نهضت تنباکو

فتح‌الله پریشان
دبیر گروه اندیشه

شیخ شهید فضل‌اللّه نوری زمانی از عراق به ایران مهاجرت کرد که استعمار انگلیس با عقد قراردادهایی از قبیل سیم تلگراف، راه شوسه، راه آهن سازی، بانک شاهی و امتیاز دارسی با وارد کردن کالاهای غربی می‌کوشید تا با نفوذ فرهنگ غربی بیشترین بهره را از منابع و منافع کشـــور عاید خود کند. شیخ پس از بررسی اوضاع و احوال کشـــور درصدد مقابله با نفـــوذ فرهنگی بیگانه برآمد. اقدامات شـــیخ مصادف با فعالیت‌های مَلْکُم‌خان ناظم‌الدوله بود که پایه گذار فراماسونری در ایران بود. شیخ با هوشیاری دریافته بود که نفوذ فرهنگی استعمار ارکان دین و استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را تهدید خواهد کرد. لذا در فعالیت‌های خود مردم را به دوری از مظاهر کفر و پیروی بیگانگان فرا خواند و از زمینه‌سازان نهضت تنباکو به رهبری اســـتادش میرزای بزرگ بـــود که یکی از اصیل‌ترین و مردمی‌تریـــن حرکت‌های اجتماعی و سیاسی ایران در دوران استبداد است.

شـــیخ فضل‌الله نوری به عنـــوان یکی از چهره‌های پیشـــتاز و مجتهدان پایتخت، نفوذ اجتماعی و بصیرت سیاسی‌ـ مذهبی خویش را در پیشـــبرد هرچه بیشـــتر این جنبـــش به کار گرفت. شـــیخ در نهضت تنباکو شـــرکت فعال داشـــت و علاوه بر اینکه به عنوان رابط بین تهران و ســـامرا، مرکـــز تشـــیع در آن دوره عمل می‌کرد و میرزای‌شیرازی را از اخبار و اوضاع ایران آگاه می‌کرد، به آگاه کردن جامعه و حمایت از میرزای آشتیانی می‌پرداخت و هنگامی که شـــاه تصمیم به تبعید میرزای آشتیانی گرفت، او اولین عالمی بود که در حمایت از میرزای آشـــتیانی به منزل او رفت و از این زمان به عنوان شخصیت دوم نهضت تنباکو در تهران شناخته شد. نفوذ سیاسی و اجتماعی شخصیت سترگ شیخ شهید به گونه‌ای بود که وقتی نایب‌السلطنه قصد جعلی نشان دادن فتوای میرزای‌شیرازی را داشت، شیخ فضل‌الله در جواب سؤال وی که پرسید: «این تلگراف نزد کی و در کجا بوده؟» گفت: «نزد من و از ســـامرا برای من فرستاده شده است».[1]

از دیگر فعالیت‌هـــا و مبارزات اجتماعی شـــیخ فضل‌الله، جنبش عدالت‌خواهی در ایران دوره مشـــروطه اســـت. شـــیخ فضل‌الله نوری در تأســـیس عدالتخانه و جنبش روحانیت و تدوین قانون اساســـی نقش عمده‌ای داشت. او حوادث جنبش عدالت‌خواهـــی را نتیجـــه بحران‌هـــای سیاســـی و اقتصادی و فقر عمومی و ستم درباریان و هـــرج و مـــرج و بی‌قانونی و بی‌لیاقتی زمامـــداران و نفوذ بیگانگان در تصمیم‌گیری‌های مهم می‌دانســـت و از قیام مردم برای اصلاح کمبودهای کشور حمایت می‌کرد. بی‌تردید شیخ در این راه، رواج شریعت را می‌طلبید و روی هم رفته برای استقرار حکومت شرعی می‌کوشید. او بر اساس باورهای عمیق خویش اسلام را در همه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و جز آن دارای قدرت و غنا می‌دانســـت و می‌گفت: «دین اســـلام اکمل ادیان و اتمّ شرایع اســـت و این دین دنیا را به عدل و شورا خوانده است. آیا چه افتاده است که امروز باید دستور عدل ما از پاریس برسد و نسخه شورای ما از انگلیس بیاید؟»[2]

منبع در دفتر نشریه موجود است.

برائت پدر از انحراف پسر

مروری بر اعلام برائت‌های پدران انقلابی از پسران انحرافی به بهانه حمایت محمد علی زم از پسرش

مهدی سعیدی
دبیر گروه تاریخ

ماجرای آقازادگی و آقازاده‌ها، موضوعی جنجالی است که این روزها اخبار مربوط به آنها با دقت ویژه‌ای از سوی افکار عمومی دنبال می‌شود؛ به ویژه پس از حمایت‌های عجیب و غریبی که محمدعلی زم از پسرش کرد. روح‌الله زم در طول سال‌های اخیر به نیرویی در خدمت دستگاه‌های جاسوسی بیگانه تبدیل شده و با حمایت همه‌جانبه آنان کانال ضدانقلابی «آمدنیوز» را راه‌اندازی و مدیریت کرده بود. وی سال گذشته بود که به دام نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی افتاد و به کشور آورده و به دستگاه قضا تحویل داده شد. زم در دادگاه به همه روابط فاسد خود اعتراف کرده و در نهایت به عنوان مفسد فی‌الارض شناخته و محکوم به اعدام شد. پدر اما به جای برائت از او در مقام دفاع از وی برآمده است و تلاش دارد تصویر مظلومانه‌ای از وی ترسیم کند که گویا بی‌گناه و مسیح‌گونه به صلیب کشیده شده است! حرکت در مسیر انحرافی و جدایی پسر از پدر امری عجیب نیست. نمونه‌های فراوانی داریم که حتی انبیاء و اولیاء الهی نیز نتوانستند فرزندان خود را به راه راست هدایت کنند و آنها مسیر انحطاط در پیش گرفتند و سرانجام هلاک شدند! اما عجیب آنجاست که پسر در منجلاب انحراف و انحطاط بیفتد و پدر به جای آنکه برای نجات او تلاش کند، به عاملی برای توجیه رفتارش بدل شود و آبرو و اعتبار خود را خرج دفاع از او کند! در طول چهار دهه گذشته نمونه‌های قابل تأملی از جدایی پدر و پسر مشاهده شده است. در تاریخ این سرزمین پدرانی داشته‌ایم که با دیدن انحرافات پسر، نه تنها در صف حامیان‌شان قرار نگرفتند، که از آنان برائت جستند و از حمایت از نظام اسلامی دست نکشیدند!

آیت‌الله مشکینی

در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۸، دو فرزند مرحوم آیت‌الله علی مشکینی، به اتهام رابطه با گروهک‌های ضدانقلاب به دست پاسداران کمیته انقلاب اسلامی دستگیر شدند. فردای آن روز، آیت‌الله مشکینی نامه‌ای خطاب به دادستان انقلاب نوشتند و از مرام سیاسی پسران اعلام برائت کردند و خواستار برخورد قانونی با آنان شدند! در این نامه آمده است: «به قرار مسموع فرزندان اینجانب به وسیله مأموران کمیته پاسداران انقلاب اسلامی بازداشت شدند. برای من شنیدن این خبر به عنوان طلیعه عدالت در حکومت اسلامی، مسرت‌بخش است و از کوشش و زحمات پاسداران انقلاب که به سپاس از نعمت انقلاب و حفظ ره‌آورد آن انجام می‌دهد، تشکر می‌کنم. ملت ستمدیده ایران، عزیزان خود را قربانی اسلام کردند و اینک باید ثابت نمود که آرمان شهدای اسلام در شرف تحقق است و عملا این مطلب را روشن کرد که در حکومت اسلامی بر خلاف دیگر حکومت‌ها، روابط نمی‌توانند مانع اجرای ضوابط باشند. من به زندگی در چنین جامعه و به چنین پاسدارانی افتخار می‌کنم و انتظار دارم در این مورد و در تمام حوادث دیگر برنامه اصیل و حیات‌آفرین اسلامی اجرا شود. فرزندان من بررسی کامل شوند و در صورت ثبوت جرم طبق مقررات اسلامی به کیفر خود برسند.»

آیت‌الله محمدی گیلانی

فرزندان مرحوم آیت‌الله محمدی‌گیلانی حاکم شرع و رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی نیز در ابتدای دهه ۱۳۶۰ به عضویت گروهک منافقین در آمده بودند. نقل شده است که وقتی از ایشان پرسیدند در صورت مواجهه با فرزندان شما در خانه تیمی منافقین یا درگیری مسلحانه چه عکس‌العملی نشان دهیم؟ گفته بودند: «همان کاری که در حال انجام وظیفه و در موارد مشابه انجام می‌دهید، بدون اینکه در نظر بگیرید طرف‌تان فرزند چه کسی است.» در سال ۱۳۶۱ بود که دو فرزند او ـ کاظم و محمدمهدی ـ در درگیری با کمیته انقلاب اسلامی کشته شدند!

حجت‌الاسلام حسنی

مرحوم حجت‌الاسلام غلامرضا حسنی امام جمعه ارومیه، چهره انقلابی دیگری است که فرزندش راه دیگری را برگزید و در اردوگاه مخالف انقلاب قرار گرفت. آقای حسنی خود در خاطراتش به ماجرای دستگیری فرزندش چنین اشاره دارد: «او پس از پیروزی انقلاب، ناگهان به گروه سیاسی سازمان فدائیان خلق پیوست و از سران آنها شد، به طوری که مسئولیت شاخه آذربایجان غربی بر عهده او بود. خیلی با او صحبت کردم تا در راهش تجدید نظر کند، ولی نکرد. در همان زمان انشعابی در میان اعضای این گروه پدید آمد و به دو گروه اقلیت و اکثریت منشعب شدند و اقلیت‌ها به جمع گروهک‌های سیاسی محارب پیوستند و جنگ مسلحانه بر ضد حکومت اسلامی آغاز کردند. الان یادم نیست رشید جزء کدام یک از اینها شد، ولی به هر حال من احساس خطر کردم. تصمیم گرفتم جلوی فعالیت‌های او را بگیرم. نخست چند بار تذکر و تهدید انجام گرفت ولی فایده نکرد. آن وقت نماینده مجلس و در تهران بودم. یک روز رشید به تهران آمده بود. جایش را شناسایی کردیم. در کمیته انقلاب تهران با آیت‌الله مهدوی‌کنی تماس گرفتم و گفتم یک موردی هست، چند نفر مسلح بفرستد. نگفتم پسرم هست. یکی از محافظان خودم به نام آقای جلیل حسنی را نیز همراه آنها کردم. او از بچه‌های کمیته ارومیه بود و الان به تجارت مشغول است. گفتم اگر مقاومت یا فرار کرد بزنید. نگذارید فرار کند و اگر هم تسلیم شد، دستگیر کنید و به کمیته تحویل بدهید. آنها رفتند و او را دستگیر کردند. رشید چند روزی در کمیته تهران بود. بعد برای بازجویی و محاکمه به تبریز انتقال دادند. او چون محل فعالیت‌هایش، استان آذربایجان بود در این شهر محاکمه و به اعدام محکوم شد و بلافاصله حکم اجرا گردید. وقتی خبر اعدام رشید را شنیدم، چون به وظیفه خود عمل کرده بودم هیچ ناراحت نشدم. من در مورد انقلاب با هیچ شخصی ولو پسرم باشد، شوخی ندارم و با هیچ احدی در این مورد عقد اخوتی هم نبسته‌ام.»

آیت‌الله خزعلی

نمونه دیگر در سال‌های نزدیک‌تر، مرحوم آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی عضو شورای نگهبان و مجلس خبرگان رهبری است. فرزند وی، مهدی خزعلی مدت‌هاست که به صف ضدانقلاب پیوسته و مشغول تخریب نظام اسلامی است. رفتار او در ماجرای فتنه ۸۸ موجب شد تا پدر در بیانیه‌ای رسمی از او برائت جوید. در این بیانیه نوشته بودند: «خداوند متعال می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا ان من ازواجکم و اولادکم عدوا لکم فاحذروهم» و نیز تذکر می‌دهد: «لا تجد قوما یومنون بالله و الیوم الاخر یوادون من حاد الله و رسوله و لو کانوا آباءهم او ابناءهم.» در این دو آیه ارجمند خداوند سبحان به ما تنبه می‌دهد اگر اولادتان با خدا و رسول کنار نیامدند، از آنها احتراز کنید و آنها را دوست نداشته باشید. مدت مدیدی است پسرم مهدی خزعلی از راه مستقیم منحرف شده، درست در خط مقابل قرار گرفته هر چه نصحیت می‌کنم و برای هدایتش متوسل به اولیای خدا می‌شوم، اثر نمی‌کند. با بعضی از علمای بزرگ صحبت کردم، فرمود دست نگه دار، شاید به راه بیاید. دیگر کاسه صبرم لبریز شده، دیگر با او صحبت نمی‌کنم و حرف‌های نامناسب او را بر نمی‌تابم. ملت انقلابی عزیز همیشه در صحنه ما بدانند او از ما جدا هست و هر چه از من نقل کند، نپذیرند. با من ارتباطی ندارد ولی الان هم دعا می‌کنم خداوند به او توفیق دهد که از راه انحرافی که پیش گرفته است برگردد و گرنه خداوند مقتدر، اسلام و انقلاب و امام و رهبر و رئیس‌جمهور و مسلمین عزیز را از شر او مصون و محفوظ بفرماید.»

تقویم انقلاب

سونامی سقوط

سیدمهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

تقویم انقلاب اسلامی در روند تحولات خود ریزش نخست وزیران شاه دوم پهلوی را به ثبت رسانده است. رژیم پهلوی به مدت کمتر از پنج ماه چندین نخست‌وزیر معرفی کرد که هیچ یک در برابر ملت تاب نیاوردند و هر کدام مرحله‌ای از فروپاشی رژیم سلطنتی ایران را رقم زدند.

فاجعه غم‌انگیز سینما رکس آبادان که در تایخ ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ به وقوع پیوست و حدود ۷۰۰ نفر بی‌گناه در آتش سوختند، ماجرایی وحشتناک بود که ایران را تکان داد. فاجعه‌ای بی‌سابقه، که مراسم تشییع آنها منجر به تظاهرات و راهپیمایی گسترده شد و در نهایت به سقوط دولت جمشید آموزگار در تاریخ پنجم شهریور انجامید.

در همان روز پنجم شهریور شاه نخست‌وزیر دیگری را به نام شریف‌امامی معرفی کرد. این رئیس دولت جدید در نطق اول خودش فریاد برآورد: «من دیگر آن شریف‌امامی ۲۰ سال پیش نیستم و کمر به تغییر اوضاع بسته‌ام.» او اقداماتی را با ترفندهایی انجام داد از جمله اینکه؛ مبدأ تاریخ را از سال شاهنشاهی به هجری‌شمسی بازگرداند، وعده اعطای آزادی‌های سیاسی و فعالیت‌های سیاسی را داد، مدعی شد که احترام به روحانیت و احکام اسلامی را در دستور کار خود قرار داده است. او شعار «آشتی ملی» سر داد، با راهپیمایی روز ۱۳ شهریور در روز عید فطر مشی خود را تغییر داد و چند روز بعد در روز ۱۷ شهریور حکومت نظامی اعلام کرد و مردم را به گلوله بست.

دو ماه بعد نیز در ۱۳ آبان ۱۳۵۷ کشتار دانش‌آموزان و دانشجویان را در دانشگاه تهران رقم زد و خود نیز همان روز سرنگون شد!

پس از آن ارتشبد ازهاری مسئول تشکیل دولت نظامی شد. دولت ازهاری خیلی زود هم با مراسم سیاسی عزاداری حسینی در ایام محرم روبه‌رو شد و هم با موج اعتصابات جدید مردمی به خصوص در روزهای ۱۹ و ۲۰ آذر مصادف با تاسوعا و عاشورای حسینی. تظاهرات سراسری در این دو روز با قرائت قطعنامه‌ای که در بندهای آن بر بازگشت امام خمینی(ره) و برچیدن بساط شاه و رژیم سلطنتی و قطع ایادی استعمار خارجی و آزادی کلیه زندانیان سیاسی تأکید داشت، برگزار شد و دولت ازهاری را بی اعتبار کرد.

در هفته آخر آذر ۱۳۵۷ اوضاع رژیم شاه و دولت او بسیار نابسامان شده بود، به طوری که شاه و دستگاه دربار تصمیم سیاست برخورد ملایم با مخالفان را در پیش گرفتند. در این ایام گروه گروه از عناصر کهنه‌کار رژیم شاه، فرار را بر ماندن ترجیح داده بودند؛ دولت نظامی هیچ دستاوردی نداشت و خود یکی از عوامل تعیین‌کننده در سقوط سلطنت‌طلب شده بود.

شاه و ایادی او در جست‌وجوی چهره‌های موجهی بودند تا امور را برعهده بگیرد و آرامش را به کشور بازگرداند و در این حین فرصت برای خروج شاه از کشور فراهم شود. لذا اینجا بود که کوشش برای ایجاد یک دولت «ائتلاف ملی» در دستور کار قرار گرفت. در این رابطه مذاکراتی با افرادی چون علی امینی، کریم سنجابی، صدیقی، بازرگان و غیره شد، اما هر یک به نوعی زیر بار نرفتند. در چرخش روزگار این بار نوبت به بختیار رسیده بود!

دهلیز

واردات از اروپا

تغییر سبک زندگی ایران در دوران ناصری

مواجهه ایرانیان با غرب در دوران ناصری موجب تغییرات سریع سبک زندگی ایرانی شده و الگوگیری از اروپاییان به ویژه میان اعیان و اشراف با سرعت زیادی در فضای رقابتی پیش آمده دنبال می‌شود. طبیعی است که این تغییرات بیش از همه در پایتخت جلوه‌گر شود. مرتضی سیفی‌فمی‌تفرشی، نویسنده کتاب «تهران در آیینه زمان» که در انتشارات اقبال به چاپ رسیده است، می‌نویسد: «در همان آغاز سلطنت ناصرالدین شاه، جمعی را برای فرا گرفتن صنایع به سن‌پترزبورگ و پاریس گسیل داشتند. از این رو استاد محمدعلی در حومه «سن‌آنتوان» در فرانسه مبل‌سازی را آموخت و چون به تهران آمد یک کارگاه که ضمناً چند مدرسه نیز داشت، دایر کرد. کمال‌الملک در پاریس نزد «فانتن‌لاتور» صورتگری فرا گرفت و مجسمه‌سازی را از «رودن» آموخت. وی نخستین کسی بود که مجسمه‌ساخت. مجسمه‌های مختلف برنزی حیوانات وحشی چون گوزن و بزکوهی و نظایر آنها. کمال‌الملک به عنوان نقاش رسمی، تصویرهایی از شاهزادگان قاجار کشید. وی به عنوان نقاش پرده‌های روغنی، پیشقدمانی چون مزین‌الدوله، میرزا جعفرخان زنجانی نقاشباشی مخصوص و میرزا ابوتراب‌خان و محمدحسن افشار را وا می‌داشت که پرده‌های نقاشی آنان زینت‌بخش خانه‌های شاهزادگان شود. اندک اندک شیوه معماری ایران با سبک رایج در فرهنگستان به هم آمیخت و شکل و اسلوب و ترکیب عمارت‌ها و خانه‌ها و اتاق‌ها نیز به تازگی گرایید. با رواج یافتن نفت برای روشنایی، این ماده جای روغن کرچک را اشغال کرد. کبریت فرنگی، گوگرد پیشین را از میان بیرون راند و آتش‌زنه فرنگی جانشین سنگ چخماق شد. چای که پیش از دوران قاجار به ایران آورده شده و همچون غالب «طیبات» ویژه خاندان سلطنت و گروهی اندک از برگزیدگان قوم بود، در زمان ناصرالدین شاه رواج عام یافت. به طوری که نوشیدن آن در صبح و شام در همه خانه‌ها اعم از اعیانی و رعیتی مرسوم و معمول گشت. آلات و ادوات آن نیز از اسباب استمرار این عادت شد و واژه‌های سماور و استکان از روسی آن اقتباس گردید. ولی چای کاروان که چای مسکوی خوانده می‌شد به زودی پس از ورود چای آسام به نام چای کلکته از میدان به در رفت.

سیب‌زمینی که در روزگار فتحعلی شاه توسط جان مالکوم انگلیسی سفیر کمپانی هند شرقی به ایران آورده و در زمان صدارت حاج میرزا آقاسی مصرف آن تا حدودی متداول شده بود، در دوران ناصرالدین شاه به صورت یکی از مواد خوراکی عمومی درآمد.»

حافظه

دریای فلسطین

نقطه اتصال سه قاره

مسئله آب‌های جهان و تسلط بر آن یکی از مهم‌ترین مناقشات در طول تاریخ بشریت بوده است. بسیاری از جنگ‌های تاریخ نیز یا بر سر تسلط بر آب‌ها بوده یا آنکه بر روی آب‌ها انجام شده است. هر دولتی توان دریایی خود را تقویت کرده، توانسته است سیاست‌های گسترش‌گرایی خود را بیش از دیگران به پیش برد. اوج این گسترش‌گرایی را می‌توان در آغاز قرون شانزدهم و هفدهم میلادی مشاهده کرد، آنجا که استعمارگران اروپایی از اسپانیا و پرتغال گرفته تا هلند و انگلیس و فرانسه، آب‌های سرزمینی خود را پشت سر گذاشته و با عبور از اقیانوس‌ها در آن سوی آب‌ها، سرزمین‌هایی را به اشغال خود در آورده و جهان را تحت سلطه و استعمار قرار دادند. در میان آب‌های جهان دریای مدیترانه از ویژگی ممتازی برخوردار است. آنجا که سه قاره کهن به یکدیگر متصل می‌شوند. دریای مدیترانه، صرفاً یک گستره جغرافیایی آبی نیست و در طول تاریخ، یک حوزه تمدنی و تجاری بسیار مهم و در همان حال، حوزه رقابت سیاسی و نظامی بوده است.

نام دریای میانه از آن رو بر مدیترانه اطلاق شده که میان اروپا، آفریقا و آسیا واقع شده و موقعیت بسیار خاص و منحصر به فردی دارد. در ادبیات جغرافیایی و جغرافیای سیاسی جهان، از مدیترانه با این اسامی نیز یاد شده است: بحر روم، بحر ابیض یا دریای سپید، دریای فلسطین، دریای بزرگ و دریای مغرب.

مدیترانه از سمت غرب و از طریق جبل‌الطارق در حد فاصل دو کشور اروپایی و

آفریقایی اسپانیا و مراکش، به اقیانوس اطلس وصل می‌شود و بر اساس آمارهای جهانی، نیمی از تجارت جهانی از این کانال می‌گذرد.

در سمت شمال شرقی نیز از طریق ترکیه و داردانل، به مارمارا و دریای سیاه وصل شده و در پایین، یعنی در جنوب شرقی نیز با کانال ۱۹۲ کیلومتری سوئز، از مصر گذشته و به دریای سرخ وصل می‌شود تا بخش مهمی از درآمد ارزی مصر، وابسته به برکت مدیترانه باشد. مدیترانه از لحاظ کشتیرانی و ترابری دریایی از مهم‌ترین دریاهای جهان به‌شمار می‌رود. وسعت این دریا ۲/۵۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع است. (یک و نیم برابر کل مساحت ایران). کشورهای کرانه‌ای دریای مدیترانه به ترتیب الفبا عبارتند از: آلبانی، اسپانیا، اسلوونی، الجزایر، ایتالیا، بوسنی و هرزگووین، ترکیه، تونس، سوریه، صربستان، مونتنگرو، فرانسه، فلسطین و سرزمین اشغالی، قبرس، کرواسی، لبنان، لیبی، مالت، مصر، مراکش و یونان.

امروز نیز تسلط بر مدیترانه همچنان یکی از مهم‌ترین مناقشات سیاسی برای کشورهای ساحلی و حتی نظام بین‌الملل است. مناقشات ترکیه با قبرس و یونان تنها نمونه‌ای از این دست است که بر اهمیت مدیترانه تأکید دارد.

منبر

سرمنشأ عاشورا احراق خانه زهرا(س) بود

گفتاری از حجت‌الاسلام عبدالحسین بندانی نیشابوری

روایتی در «کشف‌الغمه» اربلی هست که از امام صادق(ع) پرسیدند: عاشورا چه روزی بود؟ حضرت فرمود: «عاشورا روز جمعه بود، اما گفته می‌شود دوشنبه هم بوده» امام معصوم(ع) که شک و تردید ندارد، عاشورا هم مطلب تقیه‌ای نبوده و همه امت می‌دانستند این دوشنبه روز احراق (آتش زدن) بیت بوده است.

استادان علم حدیث می‌فرمودند کنایه امام صادق(ع) این است که عاشورای اصلی از روزی که خانه را آتش زدند شروع شد. حضرت ام‌کلثوم(س) وقتی وارد کوفه شدند فرمودند: «تمام گرفتاری‌ها از روز دوشنبه شروع شد». ابن‌عباس هم بارها این جمله را گفته بودند. مرحوم بیرجندی صاحب «کبریت احمر» می‌گوید همان روزی که پیامبر(ص) از دنیا رفتند هیزم به پشت درب بردند. پس اساس از آنجاست.

روایت را مرحوم بحرانی در «عوالم» جلد یازدهم ذکر فرموده‌اند: خداوند متعال امیرالمؤمنین(ع) و عیالش و فرزندانش را حجج خودش بر مخلوقین قرار داده است. از طریق اهل بیت(ع) هم وجود دارد. امام محمد باقر(ع) می‌فرماید: «ما حجج خداوند بر خلق هستیم و حضرت فاطمه(س) حجت خدا بر ماست؛ نه اینکه یک خانم و شخص معمولی باشند. همچنین خدا یک نفر را گفته که کنیز من است و آن هم فقط در شأن حضرت زهرا(س) است. تمام هیئت‌ها، عزاداری، سینه‌زنی، ایستگاه‌های صلواتی و... همه در منظر خدا و رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین(ع) هستند و مرهم دل‌شان است. استاد بزرگوار ما می‌فرمود: «عزاداری فاطمیه ما به اندازه فقه الحدیث صحیح بخاری هم نیست؛ به اندازه‌ای که اسماعیل بن عبدالله بخاری در صحیحش گفته حق فاطمیه را ادا نکرده‌ایم، فاطمیه را نشناخته‌ایم!» می‌دانید اگر اولیا مخدره نبود امامتی هم نبود! میوه شجره نبوت و امامت به سبب حضرت زهرا(س) است. رفقا، خداوند آنها را خلق کرده تا فقط ما را نجات دهند، به اعمال‌مان نگاه نکنیم، اسم و نام این حضرات فقط به پُروصل شدن است و فقط می‌خواهند دست ما را بگیرند و از ما دستگیری کنند. حضرت فاطمه(س) وقتی به درب بهشت می‌رسند بر می‌گردند و می‌فرمایند: «ای خدای من، و ای مولای من، دریاب ذریه مرا، شیعیان مرا، پیروان مرا، و دوستان ذریه مرا»؛ و مانند پرنده‌ای که دانه خوب را از بد جدا می‌کند محبین و شیعیان را جدا می‌کند، مردم محشر می‌گویند: «کاش ما جزء (فاطمیون) و دوست‌داران فاطمه(س) بودیم» کسانی که دین ندارند چنین آرزویی می‌کنند!

مکتب

مکتبی بودن و مکتبی ماندن حاج قاسم

سیدحسین خاتمی خوانساری
دبیر گروه معارف

دین مبین اسلام آنقدر که در جنبه‌های فردی دستورات مراقبتی دارد در جنبه‌های اجتماعی هم دستوراتی دارد که نگاه عمیق آن به اهمیت اخلاق در جامعه را نشان می‌دهد. طبیعی است که این رویه اسلام مخالفانی داشته باشد، کمااینکه از صدر اسلام تاکنون این مخالفان با تمام توان و به کارگیری جدیدترین ابزار با نگاه اسلام به جامعه و اخلاق اجتماعی حمله کرده‌اند. متأسفانه دشمنان اسلام برای جنگیدن با اسلام بیشتر تلاش می‌کنند تا پیروان اسلام، تلاش و عدم تلاشی که مورد اشاره امیرمؤمنان در نهج‌البلاغه است. ایشان درباره شامیان می‌فرمایند: «یَا عَجَباً عَجَباً وَ اللهِ یُمِیتُ الْقَلْبَ وَ یَجْلِبُ الْهَمَّ مِنِ اجْتِمَاعِ هؤُلاَءِ الْقَوْمِ عَلَى بَاطِلِهِمْ وَ تَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ!»؛ آنها در مسیر باطل خود، چنین متّحدند و شما، در طریق حقّ‌تان، این گونه پراکنده و متفرّق! (نهج‌البلاغه، خ۲۷) خداوند با تأکید بر همین عمل است که در جای‌جای قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِینَ آمَنوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ»؛ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند و نیز به عبادات جمعی اصرار دارد و حتی ملاک تشخیص افراد مؤمن و صالح را شرکت در همین عبادات جمعی می‌داند. یعنی مسلمانان باید در عبادات و مناسک جمعی حضور پیدا کنند که وقتی می‌خواهیم در مورد آنها تحقیق کنیم یا حتی ذکر خیر آنها را داشته باشیم و به مؤمن بودن او در حیات و ممات شهادت دهیم، به همین حضور استناد کنیم. البته عملی که از حقیقت ایمان فردی برخاسته، مدنظر اسلام قرار دارد. «قُلْ کلٌّ یعْمَلُ عَلَى شَاکِلَتِهِ»؛ ای پیامبر بگو! هر انسانی براساس ساختار وجودی خود، عمل می‌کند. (اسراء/ ۸۴) پس منظور کسی نیست که نفاق به خرج می‌دهد و سعی در استفاده‌های سوء از رفتارهای دینی دارد. به عبارتی ما به دیدن ظاهر افراد باید بسنده کنیم اما نباید فریب بخوریم و نباید ساده‌لوح باشیم. باتوجه به این رویه اسلام ما کسانی را که هم در زندگی شخصی و هم در زندگی اجتماعی دین‌مدار و اخلاق‌گرا هستند را اهل مکتب یا «مکتبی» می‌نامیم. آیت‌الله شیخ مجتبی تهرانی(ره) در معرفی انسان مکتبی می‌فرماید: «انسان مکتبی یعنی انسانی که در رابطه با مذهب و دینش غیرت داشته باشد، بی‌غیرت نباشد. به چنین شخصی مکتبی می‌گویند. مکتبی یعنی کسی که در رابطه با مکتبش، چه در اعمال شخصی و چه در اعمال اجتماعی به تعهداتش عمل کند. اعمال واجب را انجام بدهد و حرام را ترک کند. برخوردش با افراد در جامعه‌اش، برخوردی مکتبی باشد، یعنی در بعد دینی‌اش غیرت‌مند باشد، نه بی‌تفاوت که چشم‌پوشی کند. (اخلاق ربانی، ج۴، ص۶۴) غیرت فضیلتی اخلاقی است که انسان را به دفاع از ناموس و خانواده، دین و آیین و همچنین مال و وطن وا می‌دارد. بر اساس روایات، غیرت‌مندی از صفات خداوند است. علمای اخلاق نیز غیرت را چنین تعریف کرده‌اند: «غیرت و حمیت، یعنی تلاش در نگهداری آنچه که حفظش ضروری است.» ملااحمد نراقی(ره) در کتاب «معراج‌السعادة» می‌گوید: «مؤمنان نباید از خانواده خود غافل باشند و درباره امری که عاقبت آن به فساد منجر می‌شود، نباید اهمال کنند. وی اجرای امر به معروف و نهی از منکر و مقابله با بدعت در دین را از مصادیق غیرت دانسته است. آیت‌الله حسین مظاهری، علاوه بر غیرت شخصی موارد دیگری را ذکر می‌کند از جمله: «غیرت عمومی و اجتماعی... غیرت وطن و سرزمین، به معنای دوست داشتن وطن و تلاش برای رشد آن و غیرت دینی به معنای دفاع از حریم اسلام. کسی که مکتبی است و دغدغه دین و وطن خود را دارد نمی‌تواند در مقابل هجمه‌ها ساکت بماند، او برای حفظ و تعالی جایگاه دین و دستورات مکتبش و سعادت وطنش تلاش و جهاد می‌کند و حاضر است جان خود را در این مسیر بدهد. پس در کنار غیرت فردی، خانوادگی و دینی غیرت وطنی هم داریم و به آن «غیرت ملّی» می‌گویند که از تمامیت ارضی کشورش همانند چشمان خود مراقبت می‌کند. در واقع این غیرت صفتی خدایی است، پیامبر خدا(ص) می‌فرمایند: «هیچ‌کس غیرت‌مندتر از خدا نیست، از همین روست که زشت‌کاری‌ها را، چه آشکار و چه نهان، حرام کرده است.» غیرت دینی و ملی انسان را به قیام علیه دشمنان و مهاجمان به دینی و کشور وادار می‌کند. اسلام این قیام‌کنندگان را مجاهدان در راه خدا می‌داند که اهل مکتب هستند و مکتبی عمل می‌کنند و در جبهه‌های مختلف از مرزهای دین و وطن دفاع می‌کنند. خداوند جایگاه رفیعی به آنان داده و عزیزشان دانسته است. ارزش آنان با شهادت بیشتر شده و خون‌شان باعث قوام مکتب است. آنها شوق رسیدن به خداوند را دارند و در این راه آرامشی عجیب وجودشان را فرا گرفته است. خداوند خطاب به آنها می‌فرماید: «یا أَیتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِی إِلَی رَبِّک رَاضِیةً مَرْضِیةً»؛ ای جان آرامش یافته و ای نفس به اطمینان رسیده، به سوی پروردگارت با رضا و خشنودی دوسویه بازگرد. (فجر ۲۷ و ۲۸) این صفات را فردی مکتبی مانند سردار شهید قاسم سلیمانی داراست و به همین دلیل رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند ایشان در تراز یک مکتبی ظاهر شده است.

آیه

آیا انتقام از ظالمان لازم است؟

سید مرتضی رضایی
کارشناس علوم اسلامی

خداوند در وجود انسان‌ها یک حس ذاتی و فطری به ودیعه گذاشته که او را به مقابله با ظالمان و گرفتن حق سوق می‌دهد. انسان‌ها هنگامی که مورد ظلم قرار می‌گیرند، تصمیم به دفع ظالم یا ادب کردن او برای جسور نشدنش می‌گیرند. برخی این فعل را «انتقام» می‌نامند، برخی آن را «قصاص» و «حق‌خواهی» و برخی «تلافی کردن» می‌دانند. می‌توان انتقام را، گرفتن حقِ ادامه ظلم کردن از ظالم دانست. همان ظالمی که به ظلم خود افتخار می‌کند و درصدد بسط دادن ظلم خود است و احساس پشیمانی در او راه ندارد.

«انتقام» از ریشه «نقمة»، جمع «نَقِم» و به معنای کیفر دادن و تنبیه ظالم است. انتقام روش‌ها، اشکال و انواع مختلفی دارد که از یک فرد ضعیف شروع می‌شود تا یک مجموعه قدرت‌مند یا قانونی. انتقام همان مجازات ظالمان است که در پایین‌ترین سطح، جبران خسارت است و در بالاترین سطح اجرای عدالت، تأدیب، نظم یا رفع ظلم است. اما این بازخواست نباید به روش‌های غیراخلاقی و غیرشرعی صورت بپذیرد یا در آن افراط و تفریط اتفاق بیفتد.

اصلی‌ترین و حقیقی‌ترین منتقم خداوند است که در قرآن بارها مستقیم و غیرمستقیم از این حق سخن گفته است. «فَلا تَحْسَبَنَّ اللّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنّ اللّهَ عَزِیزٌ ذو انتِقام»؛ گمان مبر که خدا تخلف‌کننده از وعده خود به رسولانش است. خدا قدرتمند و انتقام‌گیرنده است. (ابراهیم/ ۴۷)

خداوند صاحب انتقام است، اما انتقام را به‌خاطر وجود نقص یا ضرر به خود نمی‌گیرد؛ زیرا ساحتش پاک است و قدرتش بی‌نهایت. معمولاً انسان‌ها انتقام را غیراخلاقی و از سر ضعف می‌دانند اما این‌طور نیست، بلکه انتقام معنای وسیع و اشکال مختلفی دارد. انتقام به دلیل ضعف نیست؛ بلکه در عین قدرتمندی و برای اجرای عدالت و جلوگیری از بسط ظلم در جهان است. بعد دیگر انتقام تأمین امنیت است و گرفتن اختیار از کسی که هر جنایتی مرتکب می‌شود و پشیمان هم نمی‌شود. چنانکه خداوند انتقام گرفتن از ظالمان و یاری رساندن به مؤمنان را یک حق می‌داند و در قرآن می‌فرماید: «... فَانْتَقَمْنا مِنَ الّذینَ أَجْرَمُوا وَ کانَ حَقًّا عَلَینا نَصْرُ الْمُؤْمِنینَ»؛... (هنگامی که اندرزها سودی نداد) از مجرمان انتقام گرفتیم (و مؤمنان را یاری کردیم) و یاری مؤمنان، همواره حقی است بر عهده ما! (آل‌عمران/ ۴ و مائده/ ۹۵) دلیل انتقام تضییع حقی از حقوق دین الهی و شریعت آسمانی و ظلم مفرط است تا جایی که خشم خدا را به‌دنبال می‌آورد؛ «وقتی ما را به خشم آوردند از آنها انتقام گرفتیم و همه را غرق کردیم.» (زخرف/ ۵۵)

اما هم انتقام اقسام و مراتبی دارد و هم نحوه انتقام گرفتن. گاهی هم خداوند از طریق مؤمنان از کافران انتقام می‌گیرد و مؤمنان وسیله‌ای برای دفع ظلم ظالمان می‌شوند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «قاتِلوهُم یعَذِّبهُمُ اللّهُ بِأَیدیکم و یخزِهِم و ینصُرکم عَلَیهِم و یشفِ صُدورَ قَوم مؤمنین و یذهِب غَیظَ قُلوبِهِم»؛ با آنان بجنگید. خدا آنان را به دست شما عذاب و رسوای‌شان می‌کند و شما را بر ایشان پیروزی می‌بخشد و دل‌های گروه مؤمنان را خنک می‌گرداند. (توبه/ ۱۴)

سلوک

فرار از طعام حرام

مرحوم ملاحسینقلی همدانی(ره) می‌فرمایند: از غذای حرام فرار کن. مخور مگر حلال. غذا را کم بخور و زیاد مخور. یعنی زیاده بر حاجت بنیه مخور. نه چندان بخور که تو را سنگین کند و از عمل باز دارد، و نه چندان کم بخور که ضعف بیاورد و به سبب ضعف از عبادت مانع شود و هر قدر بتوانی روزه بگیر به شرطی که شب، جای روز را پر نکنی. الحاصل غذا به قدر حاجت بدن، ممدوح و زیاده و کم، هر دو مذموم. (تذکره‌المتقین، ص ۲۱۱)

حکمت

حرمت تضعیف نظام

پرسش: تحلیل‌هایی که در آن ظلم یا خیانت بعضی از مسئولان نظام در برابر مردم بیان می‌شود، چه حکمی دارد؟

پاسخ: گزارش دادن ظلم به مراکز و مراجع مسئول برای پیگیری و تعقیب بعد از تحقیق و اطمینان نسبت به آن اشکال ندارد و حتّی اگر از مقدمات نهی از منکر محسوب شود واجب می‌گردد، ولی بیان آن در برابر مردم وجهی ندارد، بلکه اگر موجب فتنه و فساد و تضعیف دولت اسلامی شود، حرام است. (اجوبه، س ۱۳۹۱)

راهنما

ولایت نقطه وفاق ملت

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در بیانیه‌ای در واکنش به برخی سخنان موهن نوشت: دشمنان در تلاشی نامبارک می‌کوشند هجمه‌ها و شبهات شیطانی خود را با تیرهایی مسموم به سمت ولایت پرتاب کنند. در این میان فردی جاهل و حیران غفلت زده، خود را هیزم آتش دشمن کرده و کشتزار اعمال سابق خود را نیز به آتش کشیده است. تا جایی که در دفاع از یک مهره اصلی دشمن در جنگ اطلاعاتی و تروریستی رسانه‌ای تمام قد وارد میدان شده و چون خوارج برای ولی و امام جامعه خط و نشان می‌کشد. پیوند عمیق مردم و امت امام‌شناس محکم‌تر از آن است ولایت، نقطه وفاق و کانون وحدت ملت مسلمان ایران است.

کربلای ۴؛ اصلی، فرعی یا فریب؟

نگاهی به مباحث مطرح شده درباره عملیات کربلای ۴

میثم رشیدی‌مهرآبادی
دبیر گروه دفاع مقدس

معمای عملیات کربلای ۴ از همان سال ۱۳۶۵ به منزله سؤالی اساسی در ذهن بچه‌های جنگ وجود داشت و در این سال‌ها افراد گوناگون برای آن پاسخ‌های متفاوتی ارائه داده‌اند. این عملیات که لو رفت و پیروزی در آن حاصل نشد، همواره زیر سایه عملیات کربلای۵ بود و بسیاری از پرسش‌ها به این علت، هیچ‌گاه پرسیده نشد.

عملیات کربلای۴ عملیات نظامی تهاجمی نیروهای مسلح کشورمان در جنگ بود که در دی‌ماه ۱۳۶۵ به فرماندهی سپاه پاسداران انجام شد. این عملیات در تاریخ ۳ دی ۱۳۶۵ در محور ابوالخصیب در جنوب عراق، به صورت گسترده و با هدف آماده‌سازی مقدمات فتح بصره آغاز شد و در پی لو رفتن طرح عملیات و با تحمل تلفات بالا در روزهای نخست، در تاریخ ۵ دی ۱۳۶۵ با عقب‌نشینی رزمندگان پایان یافت. با شکست عملیات کربلای۴، دو هفته بعد عملیات کربلای۵ طراحی و انجام شد.

دو سال قبل در چنین روزهایی بود که محسن رضایی، فرمانده کل سپاه در سال‌های دفاع مقدس با انتشار رشته توئیتی، دوباره موضوع عملیات کربلای۴ را داغ کرد.

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام چند روز بعد از این توئیت‌ها در دی‌ماه ۱۳۹۷در یک برنامه تلویزیونی حاضر شد و درباره توئیت خود در زمینه کربلای۴ گفت: «هر سال دی ماه با یک داستان تکراری مواجه هستیم که عملیات لو رفته و فرماندهان توجهی به جان مردم نداشتند.»

وی افزود: «من توئیتی زدم تا شما از یک زاویه دیگر نگاه کنید و آن، این است که ما عملیاتی را که انجام شد، تبدیل به فریب کردیم و درست ۱۵ روز بعد، عملیات دیگری انجام دادیم ولی حرف‌های من را طور دیگری برداشت کردند. این یک تحلیل پسینی است. اولین بار نیست این حرف را می‌زنیم. ما عملیات کربلای۴ را برای عبور از اروند انجام دادیم تا از طریق آن به بصره وارد شویم؛ ولی زمانی که دیدیم جزیره ام‌الرصاص بسته است دستور عقب‌نشینی دادیم.»

رضایی ادامه داد: ما باید در تاریکی حرکت به جلو و عقب را انجام می‌دادیم و ظرف ۲۴ ساعت دستور عقب‌نشینی دادیم. چون آن زمان می‌خواستیم دستور ادامه عملیات را بدهیم و شاید به این شکل می‌شد به این عملیات ادامه بدهیم. بنابراین مشخص است که عملیات ما عملیات رسمی بوده، ولی عملیات بزرگ ما نبوده است. برخی عملیات‌ها مثل فاو ۷۵ روز طول کشید یا کربلای ۵ حدود ۲۰ روز طول کشید.

فرمانده اسبق سپاه اضافه کرد: «عملیات‌ها که یک‌دفعه‌ای نبوده است. ما ۲۶۰ گردان را می‌خواستیم وارد عملیات کنیم. در واقع عملیات بزرگی بود ولی در آن زمان خداوند این فکر را به ذهن ما آورد که حالا که راه از شلمچه باز است و راه ام‌الرصاص بسته است، این عملیات را به فریب تبدیل کنیم. کل شهدای کربلای۴، ۹۸۵ نفر بود نه هزاران نفر.»

وی تصریح کرد: «عملیات کربلای۴ را به فاصله ۲۴ ساعت به عملیات فریب تبدیل کردیم. مگر ما این عملیات را عملیات فریب می‌گوییم. ما می‌گوییم که این عملیات را بعد از انجام، فریب کردیم. کل شهدای این عملیات ۹۸۵ نفر بوده است و آمار آن در بنیاد شهید است. البته فرماندهان نسبت به یک مجروح و شهید هم حساس بودند.»

محسن رضایی افزود: «ما دست جوانان و حتی آنانی که توهین کردند، می‌بوسیم. چهره‌های مختلفی در داخل و خارج باید پاسخ بدهند که ذهن مردم را هر ازگاهی به حاشیه می‌برند در حالی که در شرایط مشکلات اقتصادی باید مشکلات مردم را حل کرد. من برای دفاع از فرماندهان و شهدای جنگ در این برنامه حاضر شدم.»

دکتر رضایی تصریح کرد: «بحث فریب بودن عملیات‌ها و اینکه از کربلای۴ به والفجر۸ تعمیم می‌دهند، درست نیست. ما در کربلای۴ وقتی فهمیدیم در شرایط خاصی هستیم، تصمیم گرفتیم عملیات را به یک عملیات فریب تبدیل کنیم. این تبدیل هم خیلی مهم بود. در آن زمان تنها راه ما این بود که نیروها از خرمشهر و آبادان به سمت اهواز رفتند.»

وی ادامه داد: «از تبلیغات هم استفاده کردیم و بعد از هر عملیاتی آن را تکرار می‌کردیم. مارش پیروزی می‌زدیم و همان کار را در آن زمان انجام دادیم. ما با مشورت فرماندهان و مسئولان این عملیات را مطرح کرده بودیم و تصمیم درباره کربلای۴ و توقف و انجام و ساعت و زمان و مکان آن جمعی بود.»

در همین زمینه سردار قاسم سلیمانی هم یک سال و چند روز قبل از شهادتش روی خط تلفنی برنامه شبکه سوم سیما آمد تا درباره کربلای۴ صحبت کند. او در زمان اجرای این عملیات، فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله بود.

حاج قاسم سلیمانی درباره صحبت‌های مطرح شده درباره عملیات کربلای۴ اظهار داشت: «در موضوعی که بیان می‌شود، نباید شخصیتی که در طول هشت سال دفاع مقدس فرماندهی جنگ را برعهده داشته است مورد انتقاد و حتی عقده‌گشایی و شماتت قرار بگیرد.»

وی با بیان اینکه عملیات کربلای۴ عملیات اصلی بود نه فرعی، اظهار داشت: «ما عملیات‌هایی داشتیم که در طول سال برای آن برنامه‌ریزی می‌کردیم و پنج یا شش ماه برای آن کار می‌کردیم، اما به موفقیت نمی‌رسیدیم. در عملیات رمضان هم تا حدودی به اهداف اساسی رسیدیم؛ اما به نتیجه نرسید. در والفجر مقدماتی هم کارهای فراوانی پیرامونش صورت گرفت اما به نتیجه نرسید. ما پنج یا شش عملیات داشتیم که منجر به موفقیت نشد، لذا ما در جنگ عملیات موفق و ناموفق داشتیم.»

وی افزود: «عملیات کربلای۴ جزء عملیات‌های اصلی بود، اما در پاسخ به این پرسش که چرا عملیات لو رفت، باید بگویم جمعی تصمیم‌گیرنده برای جنگ بودند و منطق نظامی وجود داشت و ما در همه عملیات‌ها نسبتی از لورفتگی را داشتیم؛ مثلاً در عملیات والفجر۸ که غافلگیرانه بود، من در کنار رودخانه بودم و دیدم وقتی غواصان به آب زدند دشمن در حال شلیک به رودخانه است لذا اگر ما چنین تصوراتی را مبنا قرار می‌دادیم هیچ عملیاتی را نمی‌شد انجام داد.»

سردار سلیمانی خاطرنشان کرد: «وقتی در حین عملیات کربلای۴ با مواجهه شدید دشمن روبه‌رو شدیم و فهمیدیم امکان مقابله و عبور از ام‌الرصاص وجود ندارد، تصمیم‌گرفته شد عملیات متوقف شود.»

سردار با بیان اینکه وقتی در فاصله کمتر از ۱۵ روز عملیات کربلای۵ را انجام دادیم، بزرگ‌ترین موفقیت را کسب کردیم، گفت: «آن زمان هم ما با عملیات موافق نبودیم و بحث می‌کردیم اما مرحوم آقای هاشمی اصرار داشتند که عملیات انجام بگیرد. در عملیات کربلای۵ تصور این بود که دشمن در آنجا هم هوشیار است و فرماندهان موافق نبودند اما فرماندهی جنگ موافق این عملیات بود.»

وی افزود: «تصور دشمن از انجام عملیات کربلای ۵ که ما توانستیم خود را به کناره بصره برسانیم، این بود که کربلای۴ عملیات فرعی بوده است.»

اگر چه توضیحات سردار رضایی و بحث‌های تکمیلی سردار حاج قاسم سلیمانی تا حدود زیادی به ابهامات درباره این عملیات پاسخ گفت، اما هنوز ابعاد ناشناخته‌ای درباره آن به چشم می‌خورد. امید می‌رود چاپ روزشمار این عملیات از سوی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع‌مقدس، رفع‌کننده بسیاری از این ابهامات باشد.

یادداشت

مقاومت تا آخرین گلوله

حبیب‌الله پدیدار
فرمانده‌گردان
حضرت‌زینب(س)

زمان‌های قبل از عملیات هر کس فقط از حال خودش خبر دارد و ظاهر رزمندگان گاه نورانی و مملو از خلوص و در انتظار لحظه شهادت و گاه طوری دیگر است.

کربلای۴ باید ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه سوم دی ۱۳۶۵ شروع می‌شد، به همین دلیل غواص‌های خودی ساعاتی قبل به درون آب رفته و به سمت خط دشمن حرکت کردند. در این میان نیروهای دشمن که کاملا آماده و هوشیار بودند ضمن پرتاب منور با تیر بار و خمپاره به طرف نیروهای ما شلیک می‌کردند.

قبل از شروع عملیات یکی از گلوله‌های توپ دشمن به دو قایق گردان ما که در حال اعزام به خط اول بودند، برخورد کرد و باعث شهادت چند نفر از رزمندگان شد. در این حال رمز عملیات که «یا محمد(ص)» بود حدود ساعت ۲۲ و ۴۵ دقیقه شب اعلام شد.

زمان زیادی نگذشته بود، شاید حوالی یازده شب، عراقی‌ها متوجه نیروهای اطلاعات و تخریب شدند و شروع به ریختن آتش کردند؛ در آن تاریکی فقط صدایی به گوش می‌رسید که می‌گفت: کمک یا زهرا... .

انگار عملیات از کنترل و هدایت فرماندهی خارج شده بود و قبل از هر دستوری یگان‌ها با توجه به نوع وضعیت و عکس‌العمل دشمن به محض رسیدن به ساحل درگیری را آغاز می‌کردند. با رسیدن به پی‌ام‌پی‌ها توانستیم از آتش دشمن در امان بمانیم و پای‌مان به اولین خاکریز دشمن برسد و خدا خواست و خط اول دشمن را سرکوب کردیم.

عملیات در محور شلمچه با همت بچه‌های لشکر ۱۹ فجر و گردان حضرت زینب(س) خوب پیش می‌رفت و ما به خط دوم نیروهای دشمن رسیده و با یاری خدا در خط دوم نیز به پیروزی کامل رسیدیم. رفته رفته به اذان صبح نزدیک می‌شدیم و نماز را هم با پوتین در گل و لای خواندیم و در همین حین متوجه شدیم عراقی‌ها نیروی تازه نفس پیاده کردند؛ این اولین باری بود که عراقی‌ها ساعت ۵ صبح اقدام به انتقال نیروی تازه نفس و پاتک می‌کردند؛ اما ما همچنان بدون امکانات مقاومت می‌کردیم.

ساعت هفت صبح یک بار و ساعت هشت صبح مجدداً عراقی‌ها شروع کردند به دور زدن نیروهای ما؛ می‌دانستیم که اگر عقبه بسته شود، همه ما شهید یا حداقل اسیر می‌شویم، بنابراین مجبور بودیم به عقب برگردیم، اما در مسیر به عراقی‌ها رسیدیم و آنها ما را به رگبار بستند.

۴۸ ساعت از عملیات گذشته بود و تقریباً دیگر کسی باقی نمانده بود. فکر کردم به عقب برگردم و درخواست کمک کنم، وقتی به جایی که کمی امن‌تر بود رسیدم، برادر قادر سلیمانی از فرماندهان گردان‌های تیپ امام حسن‌مجتبی(ع) را دیدم. گفت شما اینجا چه می‌کنید؟ گفتم پس باید کجا باشم؟ گفت از ساعت شش صبح دستور عقب‌نشینی داده‌اند و همه عقب‌کشیده‌اند.

نگاهی به عقب و کانالی که از آن عبور کرده بودیم انداختم، سربازان عراقی را می‌دیدم که به نفر نفر رزمندگان شلیک می‌کردند؛ بغض کرده بودم، برای اولین بار بود که در منطقه نبرد و نزدیک دشمن بغضم ترکید و گریه کردم.

تازه‌ها

مادر شهید ژاپنی

«مهاجر سرزمین آفتاب» داستان زندگی خانم «کونیکو یامامورا» است که بعدها نام «سبا بابایی» را برای خود انتخاب کرد. بابایی یگانه مادر شهید ژاپنی دفاع مقدس است که در این کتاب، خاطرات خود را از دوران کودکی تا پس از شهادت «محمد»، فرزندش روایت می‌کند. حمید حسام، نویسنده این کتاب در مقدمه‌اش اذعان کرده است که این توفیق برای من رقم خورد تا در سفری که به هیروشیما داشتم، از نزدیک با خانم بابایی و حوادث و اتفاقاتی که در زندگی‌اش رخ داده است، آشنا شوم و آن را بنویسم. این کتاب را انتشارات سوره مهر منتشر کرده و ترجمه‌هایی از آن در راه است.

خاطره

سوزاندن نهر خین با بنزین!

در عملیات کربلای۴ دشمن کاملاً هوشیار بود. آتش بارهای دو لول و چهار لول را کاشته بودند تا زمانی که غواص‌های ایرانی می‌رسند، به آنها شلیک کنند. از سوی دیگر کل نهر خین را بنزین ریخته بودند که به محض رسیدن غواص‌ها نهر را آتش بزنند و در مرحله‌ای که عملیات شلوغ شد با تعدادی از رزمنده‌ها به بیرون از آب زدیم، اما به جایی رسیدیم که سیم خاردار و بعد از آن نیز میدان مین کاشته بودند. بعد از این درگیری، فرمانده ما اعلام کرده بود که تمام غواص‌ها به عقب بازگردند اما جاده‌ای که باید باز می‌گشتیم پر از میدان‌های مین بزرگ بود. اگر از مسیر آب بازمی‌گشتیم ۱۰ ساعت راه بود و از مسیر خشکی فقط نیم ساعت طول می‌کشید. خود را به سیم خاردار رساندم و روی سیم خاردار انداختم و تا نیم ساعت مین‌هایی را که در مسیرم بود، خنثی کردم تا اینکه به جاده رسیدم.

راوی: محمدرضا موفق / خراسان شمالی

قاب

نجوا با احمد

هیچ رفتنی به اندازه رفتن تو دلم را داغدار نکرد. همسایه بودیم. همدل بودیم. همرزم بودیم. وقتی رفتی پشتم شکست. شرم می‌کردم به چشمان پسرانت نگاه کنم که نه تنها پدرشان که رفیق‌شان را از دست داده بودند. حالا یک سال می‌شود که آمده‌ام کنارت. یک سال است دلم آرام گرفته؛ برادر احمد... .

نگاهی به تخریب هدفمند فرهنگ عفاف و حجاب در اینستاگرام

تبلیغ یا تخریب!

نسیم اسدپور
دبیر گروه فرهنگ

همیشـــه گفته‌اند اگر می‌خواهی چیـــزی را خراب کنی، بد از آن دفاع کن! یا در پوشش حمایت و تبلیغ آن چیـــز، انحرافی و مبتذل رفتـــار کن! همین کافی است تا به راحتی، یک موضوع فرهنگی ـ اجتماعی یا دینی با چالش مواجه شـــود و کم‌کم کار به جایی برسد که دیگر کسی برای آن مسئله فرهنگی یا دینی، تره هم خورد نکند یا حتی از آن متنفر شـــود. برای نمونه، اگر قرار باشد مسئله‌ای به نام «تدین» و افراد متدین و متشرع را بدنام کنیم، بهترین راه این است که با ظاهری متدین، رفتاری زننده و خارج از نزاکت اجتماعی مرتکب شویم! یا برای نمونه در فلان فیلم یا سریال به ویژه ســـریال به دلیل گستردگی و تنوع مخاطبانش، شخصیت چادری سریال را شخصیتی بداخلاق یا درگیر انواع بدبختی‌ها و تناقض‌ها نشان دهیم! از این دســـت مثال‌ها زیاد است، اما قاعده و روش کار همان است که گفته شد؛ از یک موضوع خـــوب و متعالی، یا بد دفاع کن یا در پوشـــش آن، زننده رفتار کن تا به سرعت وجهه آن جایگاه یا تفکر در اجتماع مخدوش شـــود. حالا این شده حکایت برخـــی صفحات اینســـتاگرامی که به اســـم تبلیغ محصولات حجـــاب و عفاف، به راحتی و ظرافت نه تنها «چادر» به عنوان حجاب برتر را وهن می‌کنند که حتـــی از خجالت اصل «حجاب و حیا» هم در می‌آیند.

تبلیغ یا تخریب حجاب؟!

هرکســـی که به برخی از این پیج‌های اینستاگرامی سر زده باشد، با هشـــتگ‌های «#من_حجاب_را_دوســـت_دارم» یا «من_چادر_را_دوســـت_دارم» مواجه می‌شـــود که در فیلم‌هـــا و عکس‌های آنها، زنان و دختـــران جوان غالباً با آرایش‌های غلیظ و با حرکات عشـــوه‌گونه‌ای که کمترین نسبتی با مسئله وقـــار و حیای زن و دختر ایرانی نـــدارد، فلان مدل چادر یا روسری را تبلیغ می‌کند.

مسئله وقتی تلخ‌تر و البته مشکوک‌تر می‌شود که برخی از این مدل‌هـــای مثلاً مذهبی و محجبه، در قالب ویدئوموزیک و با حرکات عجیب و غریب‌تر، مدل‌های مختلف پوشش اسلامی و متعالی را تبلیغ می‌کنند! حالا کافی است، دختر نوجوان یا جوانی که درباره لزوم یا عدم لزوم «حفظ حجاب» یا درباره «برتـــر بودن» چادر در بین پوشـــش‌های مختلف، مردد است و هزاران علامت سؤال در ذهنش دارد، با این صفحات مشکوک مواجه شود؛ کاملاً روشن اســـت که چه ذهنیت و باوری نسبت به حجاب و هنجارهای مذهبی پیدا می‌کند!

هدفی که زیر سؤال می‌رود

فلســـفه «حجاب» چیست؟ این ســـؤالی است که ممکن است برای هرکسی پیش بیاید و سؤال دقیق و مهمی هم هست. خداوند مهربان در قرآن کریم، در لابه‌لای توصیه‌هایی که به زنان پیامبر (ص) و مؤمنان می‌کند، فلسفه و هدف از رعایت حجاب و انتخاب پوشش مناسب را هم ترسیم می‌کند. آنجا که (نقل به مضمون) می‌فرماید: «ای پیامبر؛ به زنان مؤمنین بگو در مواجهه با مردان نامحرم، لحن صدای خود را طوری نرم و نازک نکنند که آدم‌های بیمار در آنها طمع کنند.» یا اینکه «زنان مسلمان، خودآرایی‌های عصر جاهلیت را کنار بگذارند...» همه اینها نشان می‌دهد، حجاب برای حفظ شـــخصیت و کرامت انسانی زن مسلمان در جامعه است تا به او، به چشم یک انســـان متعالی نگاه شود که مکمل شخصیت مرد است و حتی از دامن او مرد به معراج می‌رود، نه به منزله ابزاری برای هوسرانی و لذت‌جویی مردان بیماردل و فاسد.

وقتـــی زنان و مـــردان ـ به ویژه زنان بـــا توجه به زیبایی‌های خدادادی‌شان و آسیب‌پذیری بیشتری که نسبت به مردان دارند ـ با پوشش مناسب در جامعه و در محیـــط درس و کار و تفریح حضور یابند، هم سلامت جسمی و روحی آنها محفوظ می‌ماند و هم اینکه دیگر کسی به فکر سوءاستفاده از آنها نمی‌افتد؛ بنابراین، محیط چنیـــن جامعه‌ای، فقط محیط کار و پیشـــرفت و تعالی خواهد بود، نه محیط حاشیه و دردسر.

حالا اگر قرار باشد، افرادی نه با ظاهر بی‌حجاب و بدحجاب که با ظاهر مذهبی و به صورت هدفمند، رفتارهایـــی از خود بروز دهند کـــه نه تنها حرمت «چادر» را می‌شکنند، که حتی به تدریج حداقل‌های «حجاب و حیا» را هم به چالش می‌کشـــد، عقلاً و منطقاً نمی‌توان و نبایـــد در برابر آنها کوتاه آمد و به ســـادگی و خوش‌خیالی از کنار آنها گذشت؛ البته اگر کســـی ناخواسته چنین رفتاری می‌کند بحث او جداست، اما صحبت بر سر همان صفحات مجازی اســـت که گویا از یک جای خاص آب می‌خورند و حالا این وظیفه نهادهای مسئول است که آن جای خاص یا جاهای خاص را پیدا کنند.

مرکز ملی فضای مجـــازی، وزارت ارتباطات، نیروی انتظامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا هر نهاد دیگری، فرقی نمی‌کند؛ باید هوشیار باشیم چرا که عـــده‌ای خیلی هنرمندانه و البته با روشـــی متفـــاوت، در حال نهادینه کـــردن ابتذال در جامعه هستند

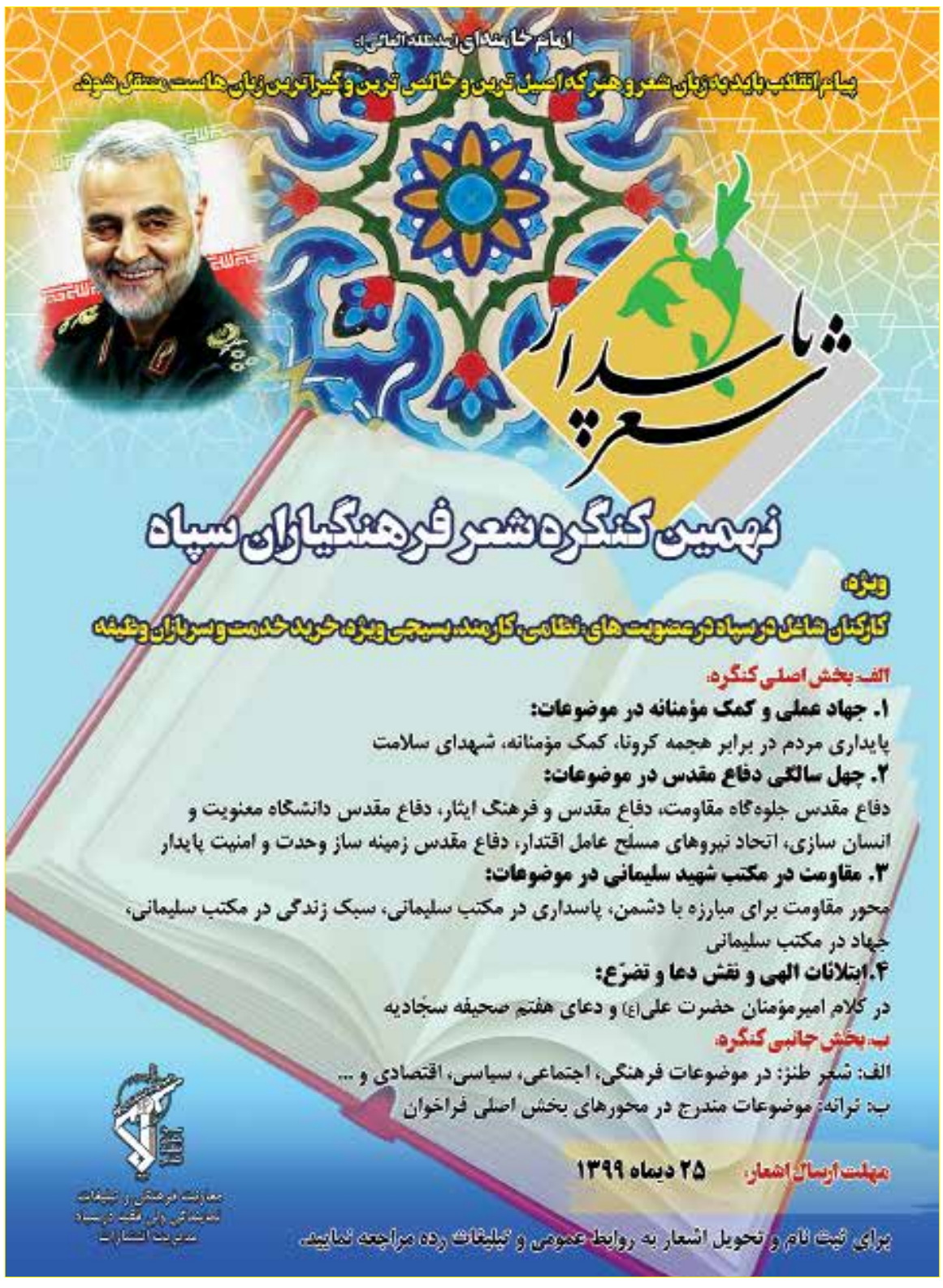

برداشت

مهمانان عزیزکرده!

ندا کرمانشاهی
خبرنگار

یکـــی از مهم‌تریـــن زمان‌هایی کـــه برای صـــدا و ســـیما می‌توانـــد حائـــز اهمیت باشـــد، مناسبت‌های مذهبی و ملی است. مناســـبت‌هایی از جمله شب یلدا که هفته پیش برگزار و سبب شـــد تا مانند همیشه یک رقابت گاها موازی و بی‌معنا در جذب مخاطب بین شبکه‌ها ایجاد شود. رقابتی که اصولاً نیز با دعوت از مهمانان به اصطلاح «ســـلبریتی» بازارش داغ می‌شود. حضور یک مهمان در ویژه برنامه شب یلدای شبکه ۵ ســـیما بازتاب‌های زیادی در رسانه‌ها به همراه داشـــت؛ خانم بازیگری که همین یکی دو ماه قبل خبر گم شدن و پیدا شدن سگ خانگی‌اش در تمامی فضای مجازی پیچید و ویدئویی از تشـــکرش بابت پیدا شدن سگش دست به دست شد! موضوع زمانی جالب‌تر می‌شـــود که همین خانمِ بازیگر مدتـــی قبـــل در گفت‌وگویی بیان می‌کند: «تلویزیـــون را نگاه نمی‌کنم چون مخاطـــب ندارد و کســـی آن را نمی‌بیند و دیگر جذابیتی ندارد.» البته متأســـفانه هر چنـــد وقت یک بـــار، حضـــور مهمانی با حاشـــیه بحث‌هایی را برای این رســـانه به وجود مـــی‌آورد. مهمانانی که گاهی با یک جست‌وجوی ســـاده می‌توان از حال و روز دیروز و امروزشـــان تا حدی که برای یک رسانه لازم است، باخبر شد. برای نمونه، سال گذشـــته حضور یک مهمان جنجالی در برنامه «هـــزار راه نرفته» که ماه رمضان از شبکه دوم سیما پخش شد، حاشیه‌های زیـــادی به همراه داشـــت یـــا حضور یک مدلینگ در برنامه ماه عســـل سر و صدای فراوانی به پا کرد. به نظر می‌رسد، مدیران صدا و سیما باید دقت بیشتری در این زمینه به خرج دهند تا تهیه‌کنندگان از افرادی برای حضـــور در تلویزیون دعـــوت کنند که هم زندگی‌شان اینقدر متناقض با سبک زندگی ایرانی نباشـــد و هم اینکه حداقل ضدیت خود را با رسانه ملی آشکار نکرده باشند!

یادداشت

سینما حقیقت؛ برخط؟!

آرش فهیم
منتقد سینما

جشـــنواره «ســـینما حقیقت» بـــه عنوان تخصصی‌ترین جشـــنواره فیلم مستند در ایران، در حالی چهاردهمین دوره خود را پشت سر گذاشت که عرصه مستندسازی برخلاف سینمای داســـتانی، حال و روز خوبی دارد! طی یک دهه اخیر شاهد ظهور نسل جدیدی از مستندسازان بوده‌ایم که با جســـارت بیشتری به ســـوژه‌های ملتهب و بحرانـــی ورود می‌کننـــد و به جنبه‌های پژوهشـــی و زیبایی‌شناختی در مستند نیز اهمیت می‌دهند. احتیاج کمتر به امکانات و تجهیزات فنی، وابستگی پایین به بودجه سنگین و از همه مهم‌تر، حضور نداشتن «ســـلبریتی‌ها» از دلایل سبقت سینمای مستند از سینمای داستانی در ایران است. این مزیت‌ها سبب شده‌اند تا مستندسازان پیشـــرو و شـــجاع و مماس با مسائل روز کشور بتوانند بدون محدودیت‌های رایج در سینمای داســـتانی، خلاقیت و حرف خـــود را به نمایـــش بگذارنـــد. یک دهه برگزاری جشنواره عمار هم فرصت بسیار خوبی برای خودنمایی و آزمون و خطای مستندسازهای جوان شد؛ از قضا، بخش قابل توجهی از آثـــار مطرح چهاردهمین جشنواره ســـینما حقیقت را باید دستاورد جشنواره عمار دانست، چرا که فیلم‌سازانی که در جشنواره عمار، آزموده شده و تجربه کســـب کرده بودند، در این دوره حضور پررنگی در سینما حقیقت دارند. از همین رو، در دوره چهاردهم این جشنواره، شاهد اکران آثـــار متنوع‌تر بودیم. در دوران قبلی جشنواره سینما حقیقت، این جشنواره به مستندهای شبه روشنفکرانه منحصر بود و آثار به حوزه مستند بحران یا با مضامین مرتبـــط بـــا مقاومت، در بخش «شـــهید آوینی» محدود می‌شـــدند. اما امسال هم به دلیل بالاتر رفتن کیفیت مســـتندهای انقلابی و هم نگاه بازتر مســـئولان جدید این جشـــنواره، آثار متعلق به طیف جبهه انقلاب و همچنین مستندهای بحران، به بخش اصلی جشنواره سینما حقیقت راه یافتند و ویترین این جشنواره، تنوع و تکثر بیشـــتری یافت. اما اتفاق دیگر این بود که به دلیل شـــرایط کرونایـــی، چهاردهمین جشنواره سینما حقیقت به صورت برخط و اینترنتی برگزار شـــد. شیوه‌ای که اگرچه راهی برای دور زدن ویروس است و افراد در منزل هـــم می‌توانند آثار را دنبال کنند؛ اما به نظر می‌رســـد با این شـــیوه، بخشی از اهداف و کارکردهای این جشـــنواره به محاق رفت. چون جشنواره سینما حقیقت فقـــط برای نمایـــش فیلم نیســـت، بلکه خاصیت مستندسازی، تجربه و آموختن و پژوهش دارد و این ابعاد در سینمای مستند بسیار برجسته‌تر از سینمای داستانی است. بنابراین جشـــنواره ســـینما حقیقت که با هدف ارتقای مستندسازی پا گرفته است، نیازمند دور هم جمع شدن مستندسازان و تعامـــل هنرمندان جوان ایـــن عرصه با پیشکسوتان و محققان و اندیشمندان است. دســـت‌اندرکاران چهاردهمین جشنواره سینما حقیقت، فقط مشکل اکران فیلم‌ها را حل کردند، اما ســـایر بخش‌هایی که به این جشنواره معنا و کاربرد می‌بخشد، در برگزاری برخط، جایی نداشتند. شاید بهتر بود که متولیان جشـــنواره سینما حقیقت برای بخش‌هایی از جشنواره که به تقویت رویکرد پژوهشـــی و تجربی مستندسازان کمـــک می‌کند، فکـــری می‌کردند تا این رویداد پربارتر برگزار شـــود. هر چند که برگزاری کارگاه‌های آموزشـــی قدم بسیار خوبی در این راه بود، اما قطعاً کافی نبود.

صبح صادق

هفته‌نامه
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول: یدالله جوانی
سردبیر: علی حیدری

شورای سیاست‌گذاری:
علی قاسمی، سیامک باقری، سعدالله زارعی، فرهاد مهدوی، مهدی سعیدی، فتح‌الله پریشان، محمدرضا مهدیار اسماعیلی، حسین عبداللهی فر
دبیر تحریریه: سیدفخرالدین موسوی
مدیر فنی: محمد صالح نادری
صفحه‌آرا: علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد گودرزی
ناظر چاپ: سعید قاسمی
چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۳۸۵۲۲۴۴۶(۰۲۱)
تلفن: ۱۱۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)
ssweekly.ir
@ssweekly
info@ssweekly.ir
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۹۸۲ | دوشنبه ۸ دی ۱۳۹۹

صبحانه

وقت امتحان

در کشـــاکش بحران‌ها و مشکلات فردی و اجتماعی، جوهره، ظرفیت و باورهای افراد ظهور می‌یابد؛ هر انسانی ممکن است پیش از مواجهه با مشکلات، ادعاهای فراوانی مبنی بر فضایل فکری، اعتقادی، معنوی و... داشته باشد؛ ولی این ادعا زمانی رنگ واقعیت را به خود خواهد دید که در هنگام بروز بحران نیز همچنان پابرجا بماند؛ زیرا در این حالات است که تشخیص حق از باطل مشخص شده و باورها در بوته آزمایش قرار می‌گیرند.

صادقانه

فتنه‌ای شدیدتر از دجال

امام رضا(ع) می‌فرمایند: همانا از کسانی که مدعی مودت ما اهل بیت(ع) هستند، کسی هست که در فتنه‌گری، برای شـیعیان ما از دجال شدیدتر است. راوی می‌پرسد: برای چه؟ امام(ع) می‌فرماید: به خاطر دوستی با دشمنان ما و دشمنی با دوستان ما! چون چنین شد، حق با باطل آمیخته می‌شود و مؤمن از منافق بازشناخته نمی‌شود.

وسائل‌الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۷۹

حماسه سازان از حال و هوای ۹ دی ۱۳۸۸ می‌گویند

ما اهل کوفه نیستیم...

نفیسه محمدی
دبیر گروه جوان

حماســه ۹ دی ۸۸ روز خروش ملت ایران و آشکار کردن خشم مقدس در برابر اهانت‌ها و حرمت‌شکنی‌های عده‌ای غافل یا مزدور وابسته به اجانب نسبت به مقدسات در روز عاشورای حسینی است. روز ۹ دی در واقع روز نه گفتن ملت ایران به ســران فتنه و آری گفتن به نظام اسلامی و بیعت مجدد مردم با آرمان‌های والای امام خمینی(ره) و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی است. در این روز جمعیت انبوهی از عزاداران و عاشقان اهل بیت به خیابان‌ها آمدند تا بار دیگر حمایت خود را از نظام و کشورشــان به جهانیان اثبات کنند. ۹ دی روز ظهور و بروز عشق و علاقه ملت بزرگ ایران و انقلاب و ولایت بود و این حماســه منحصر به تهران نبود، بلکه در بسیاری از شهرها مردم به میدان آمدند و بصیرت خود را به نمایش گذاشتند. آنچه در این بخش می‌خوانید مشاهدات مردمی از آن روز پرشور در شهرهای مختلف است.

کریم مظفری‌منش/ ساری

مــردم ســاری در روز ۹ دی بــرای اعتــراض به حرمت‌شــکنی بیــرون آمدند. البتــه روز قبل هم تعدادی به صورت خودجوش بــه خیابان‌ها آمده بودند و کل شــهر شور و حال خاصی داشت. البته نه اینکه این تجمع در ساری به چشم بیاید، حتی از اقوامی که در روستا بودند شنیدم که برای اعتراض به فتنه‌گران در مسجد روستا جمع شده بودند و کل اســتان مازندران به صورت نیمه تعطیل بود. اکثر جمعیت هــم از جوان‌ها بودند، انــگار با اتفاقات آن روزها به تک‌تک مســلمانان ایرانی توهین شده بود. یکی از همسایه‌های ما اهل تسنن بود که برای راه‌پیمایی بیرون آمده بود. برای من هم جای تعجب داشت و هم خوشحال بودم که انقلاب اسلامی از هر طیفی حمایت‌کننده دارد.

نصرالله شاپوری/ دزفول

روز ۹ دی تصــور این‌همــه جمعیت را نداشــتم. مغازه عطاری داشــتم که آن را به صورت نیمه باز نگه داشــته بودم. فکر می‌کردم که تعدادی از مردم بیایند و تصمیم این بود که چند قدم با آنها همراه می‌شوم. اما وقتی ساعتی از روز گذشت جمعیت آن‌قدر زیاد شد که گویی روز عاشوراست و جمعیت برای عــزاداری به خیابان آمده‌اند. به هر حال مردم دزفول برای این انقلاب و در دوران جنگ تحمیلی شهدای بســیاری داده‌اند و هرگز زیربار توهین به مقدسات نخواهند رفت. خون‌های زیادی در پای درخت انقلاب ریخته شده که همه ما را به خانواده شــهدا مدیون کرده و معلوم است که هرگز دست از اســلام نخواهیم کشید. جمعیت ابتدا در مقابل آستان متبرکه «ســبز قبا» شروع به شعارهایی علیه فتنه‌گران کردند، بعد به صورت دســته عزاداری تا میدان مثلث رفتند و سینه‌زنی کردند. آن روز یکی از روزهای پرشوری بود که دزفول به چشم دید.

مریم قدوسی/ یزد

یزدی‌ها که همیشه در دفاع از حریم ولایت معروف بوده‌اند در روز ۹ دی هم مثل دیگر شهرهای ایران برای حمایت از رهبری و انقلاب به خیابان‌ها آمدند و دسته‌ای سیاه‌پوش و دسته‌ای به صورت کفن‌پوش، شــعار می‌دادند و پیش می‌رفتند. دســته‌های انبوه بانوان به صورت منظم و خودجوش در حمایت از رهبر و انقلاب به ســمت میدان در حرکت بودند. به یاد دارم که آن روز حوزه‌های علمیه تعطیل شده بود؛ اما کسبه، بازاریان، دانشجوها و پیر و جوان به خیابان آمده بودند تا به آنها که حرمت عاشورا را نگه نداشــته بودند، اعتراض کرده و خشم‌شان را نشان دهند. «مرگ برضــد ولایت فقیه»، «ما اهل کوفه نیستیم علی تنها بماند» و «خونی که در رگ ماست هدیه به رهبر ماست» از جمله شعارهایی بود که در سراسر مسیر به گوش می‌رسید.

وجه‌الله سیدفرجی/ زنجان

البتــه یــک روز قبــل از ۹ دی مردم بــه صورت خودجوش به خیابــان آمده بودند؛ امــا در ۹ دی جمعیت بــه اندازه‌ای بود کــه خیابان‌های اطراف مســجد جامع به خاطر ازدحام قابل تــردد نبود. با اینکه هوا خیلی ســرد بود اما لحظه به لحظه به تعدادشان افزوده می‌شد. من از ساعات اولیه صبح به خاطر انجام کاری بیرون آمده بودم، شور جمعیت من را با خود همراه کــرد. تصور نمی‌کردم چنین جمعیتی در اعتراض به فتنه‌گران بیرون بیاید. مردمی که از اتفاقات عاشورای ۸۸ به شدت عصبانی بودند و شــعارهایی دادند که خوب در ذهنم مانده است. دو شــعار «زنجانیلار قان ویرر، ولایتَ جان ویرر» (مردم زنجان خون می‌دهند و برای ولی فقیه جان خود را هم نثار می‌کنند) و «آند اولا عباس او یاشیل پرچمه، سیلی وورار حسین‌چی نامحرمه» (قسم به بیرق سبز حضرت اباالفضل، نامحرمان از عزاداران حسینی سیلی می‌خورند.)

سیدمحمدرضا متألهی/ شیراز

چیزی کــه خیلی در روز ۹ دی به چشــم می‌آمد، حضور نوجوانان و جوانان با ســربندهای «لبیک یا خامنه‌ای» بــود، عده‌ای هم کفن‌پــوش بودند. نمی‌شــود گفت ایــن تعداد جمعیــت بدون هیچ انگیزه‌ای به ســمت شــاهچراغ در حرکت بودند، اتفاقی که در روز عاشــورا افتاده بود خون عزاداران حســینی را به جوش آورده بود. نباید کســانی که بی‌گناه در اغتشاشات به شهادت رسیده بودند، رها می‌شدند. وظیفه ما بود که برای پایمال نشدن خون شهدای قبل و بعد از انقلاب و شهدایی که با دخالت منافقین و فتنه‌گران جان‌شان را از دست داده بودند، همبستگی خود را اعلام کنیم و نشان بدهیم که همه ما در دفاع از ولایت حاضریم جان خود را فدا کنیم. هیچ کس نمی‌توانســت جلوی آن موج خروشان جمعیت را بگیرد و اگر دشمنان در این مورد سکوت کردند، از عصبانیت‌شان بود.

کریم فاتحی/ سنندج

در روز ۹ دی مردم ســنندج هم مثل همه شهرهای ایران به خیابان‌ها آمدند. ورود مردم سنندج به خیابان و راه‌پیمایی دو معنی داشت. یکی اینکه دشمنانی که منتظر بودند اهل تسنن خودش را از ایران جدا کند و جدا بداند، روسیاه شدند و فهمیدند که اختلاف در دین هیچ‌وقت موجب از بین رفتن وحدت نمی‌شود و آنهایی که مدام برای کُردها روضه می‌خواندند که راه‌تان را جدا کنید، فهمیدند این حرف‌های بی پایه و اساس، مردم سنندج را سست نمی‌کند. جوان‌ها بیشتر به چشم می‌خوردند و این موجب خوشحالی بود چرا که می‌دانســتیم راه درست را در پیروی از ولایت یافته‌اند. روز ۹ دی نه تنها همه آمده بودند تا به منافقان دهن کجی کنند.

حنانه پاکباز/ اصفهان

روز ۹ دی با دوســتانم قرار داشتیم تا در راه‌پیمایی شــرکت کنیم. کمی هوا سرد بود. یکی از دوستانم در ابتدای مسیر نگران بود که نکند جمعیت کمی به خیابان‌ها بیایند. امــا وقتی از خیابان‌های فرعی به خیابان اصلی رســیدیم، جلوه جمعیت بیشــتر شــد. از همه طرف مردم در حــال حرکت بودند. خانمی دو قلوهای دو ساله خودش را آورده بود که چفیه به ســر و پیشانی‌بند داشتند و پلاکاردی روی سینه‌شان زده بود هر کســی از راه می‌رسید از آنها عکس می‌گرفت. جالب بود که بچه‌ها به هیچ وجه خسته نمی‌شدند و هر بار که کسی می‌خواست از آنها عکس بگیرد، مشت‌های‌شان را گره می‌کردند و شــعار می‌دادند. آنها آیینه جوان‌های امروز بودند که معلوم بود از کودکی برای انقلاب و اسلام جان خود را فدا می‌کنند.

محمدمهدی بهشتی/ قم

قم همیشــه مردم آماده‌ای در حمایــت از ولایت دارد. بــه هر حال چون به نوعی خانه اهل بیت(ع) محسوب می‌شود و عاشــقان ولایت برای کسب علوم اهل‌بیت وارد می‌شــود بیشتر از بقیه شهرها انتظــار حمایت می‌رفــت و همینطور هم شــد. روحانیونی که کفن‌پوش بودند، مردمی که هنوز به خاطر عزای سیدالشهداء لباس سیاه به تن داشتند و زنان و مردانــی که همه خالصانه برای دفاع آمده بودند. با دیــدن جمعیتی که مدام زیاد می‌شــد و حرم کریمه اهل بیت را احاطه می‌کرد، هیچ کس نمی‌توانست تصور کند خللی به این نظام برساند. پیرمردی روی یکی از پله‌های نزدیک حرم نشسته بود و با لهجه شیرین قمی برای منافقین و فتنه‌گران رجز می‌خواند. چند نفری می‌ایســتادند به اشعار پیرمرد گوش می‌دادند و لبخند به لب دور می‌شدند. این دفاع جانانه همه جا به چشم می‌خورد و همین‌ها بود که راه را برای یاوه‌گویان بست.

حنیف محمدیان /مشهد

از هر چیزی که بشود گذشت از توهین به مقدسات و بی‌احترامی به امام حســین(ع) نمی‌شد گذشت. هیچ‌کس زیربار نمی‌رود کــه مملکت با این همه سختی ساخته شود، بعد یک عده بریزند توی خیابان و باعث آزار و اذیت دیگران بشوند. بیشترین چیزی که خاطر مردم را آزرده بود، کشــته شــدن عده‌ای بی‌گناه بود، آن‌هم برای زیاده‌خواهی کسانی که برای ایران و ایرانی ارزشــی قائل نبودند. مردم مشهد به همراه زائرانی که برای زیــارت آمده بودند، ۹ دی را به زیبایی رقم زدند. همدلی و همراهی مردم در پخش نذورات و پذیرایی بــه صورت خودجوش خودش را نشان می‌داد. هنوز از عاشورا یکی دو روز بیشتر نگذشته بود و انگار داغ مردم در عزاداری بر شهدای کربلا تازه شده بود.

کتیبه سبز

قیل و قال بی‌ثمر

از حلقه‌های‌مان به در افتاد رازها
با قیل و قال بی‌ثمر عشق‌بازها
دوشید فتنه‌ای شتران دو ساله را
بر دوش‌شان نهاد به بازی جهازها
شوخی شده است و عشوه نماز شیوخ شهر
رحمت به بی‌نمازی ما بی‌نمازها
خیل پیاده‌ایم، کجا بازگو کنیم؟
رنجی که برده‌ایم ز شطرنج‌بازها
ماییم و زخم خنجر و دست برادران
ماییم و میزبانی این ترک‌تازها
در پیش چشم کوخ‌نشینان غریب نیست
از کاه، کوه ساختن کاخ‌سازها
قرآن به نیزه رفت... خدایا مخواه باز
بر نیزه‌ها طلوع سر سرفرازها
در گنبد کبود زمان ما کبوتران
بستیم چشم و بسته نشد چشم بازها
ما را ز جنبش خس و خاشاک باک نیست
بر خاک‌مان مباد هجوم گرازها

محمدمهدی سیار

این جا که کوفه نیست

در ما غرور عشق و وفا پا گرفته است
وقتی زبیر خرده به مولا گرفته است
این جا که کوفه نیست که تنها شود علی
این سرزمین طنین اطعنا گرفته ست
خفاش‌های خسته سرخورده از طلوع
خورشید بر بلند بقا جا گرفته است
آن پیر مشرقی که طلوع ولایت است
مهرش هماره نقش به دل‌ها گرفته است
با سامری بگوی که موسای عشق ما
تأیید از خدای تعالی گرفته است
گو چشم بسته باز کند خوب بنگرد
کاین قوم، می ز جام تولا گرفته است
بین خمین و خامنه دیوار و مرز نیست
لبیک ما زمین و زمان را گرفته است

محمود شریفی (کمیل)

قبیله عشق

آوای باران!

شهادت آرزوی خواهرم بود و پیش از شهادت نیز سرپرستی چهار خانواده نیازمند را برعهده داشت. او دوست نداشت با مرگ عادی از این دنیا برود و ســرانجام نیز بــه آرزویش رســید. خواهــرم هفت ســال از من بزرگ‌تر بود و مدیریت مهد کودک را بر عهده داشت و من نیز مربی پیش‌دبستانی بــودم و مادرمــان نیز در مهد آشــپزی می‌کــرد. همه بچه‌ها علاقــه زیادی به مادرم داشــتند و او را مادربزرگ صدا می‌زدند. مادرم همیشه احساس خاصی به بچه‌ها داشــت و می‌گفت همه آنها نوه‌های من هســتند و برای‌شــان قصه تعریف می‌کرد.

به نقل از زهرا رجب‌پور
خواهر شهیده

«فاطمه رجب‌پور» ۳۷ ساله دانشجوی مقطــع کارشناسی‌ارشــد در رشــته تکنولــوژی تربیتی و مادر وی «ســرور برومند» ۵۷ ســاله از شــهدای پس از انتخابــات ۱۳۸۸ هســتند. آنهــا طی حملات اغتشاشــگران به مهدکودک «آوای بــاران» در ۲۵ خرداد، در داخل ســاختمان حضور داشتند که درب این ساختمان به دست اغتشاش‌گران به آتش گلوله بسته شد که دو تیر به ناحیه سر و پشت شــهیده «فاطمه رجب‌پور» و دو تیر دیگر به ناحیه سر و حنجره مادری که جز لالایی عشــق از این حنجره خارج نشده بود، اصابت کرد و این دو بزرگوار غریبانه و مظلومانه به شهادت رسیدند.

حسن ختام

طاغوت، راحت‌طلبی توست

رهبر فرزانه و حکیم امت اسلام در کتاب «طرح کلی اندیشــه اســلامی در قرآن» گفته‌اند که «طاغوت فقط اســم خاصی نیســت. طاغوت فقط بــه معنای حاکم غاصب و ظالم نیســت؛ علاوه بر حاکم غاصب، گاهی طاغوت خود تو هســتی. طاغوت گاهــی پول توســت. طاغوت گاهی راحت‌طلبی توســت. انسان باید دائم در جهد و جد و تلاش باشــد، برای اینکــه وجود خود را به ثمر برســاند. هر عاملی که انسان را به عدم جدیت، به عدم تلاش کردن، بــه تنبلی، به راحت‌طلبی، به عافیت‌طلبی، تشــویق و ترغیب کند او طاغوت است.»

طاغــوت، طغیــان اســت. همچــون رودخانه‌ای که آب از کرانه‌هایش سرریز شود. شبیه گناه که از سر بگذرد. خود تمرد است و خودسری. فعلی است که مذمت اســت برای منتظر، چرا کــه فرموده‌اند: «إِنِّی أَخْرُجُ حِینَ أَخْــرُجُ وَ لاَ بَیْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ اَلطَّوَاغِیــتِ فِی عُنُقِی»؛ من در حالی قیام خواهم کرد که بیعت هیچ طاغوتی به گردنم نباشد.

آقای مــن! ظهور کن و مــا را از طاغوت درون و بیرون آزاد کن!